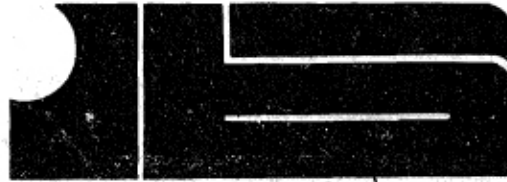


نابود باد امپریالیسم جهانی
سرکردگی امپریالیسم آمریکا
وبایگه داخلی

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم - شماره ۱۴۰

چهارشنبه دوم دیماه ۱۳۶۰

صفحه ۲۰

نخستین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار شد

نخستین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در تاریخ ۱۳ شهریور ماه در تهران برگزار شد، با حضور همه اعضا و بخشی از کاندیداهای عضویت که عهده دار مسئولیتها شسی در تشکلات بودند برگزار شد.

ضرورت برگزاری یک چنین نشست وسیعی آنهم در شرایطی که ارتجاع عساکر گسیخته و دیوانه وار بجای نوده های مردم و سازمانهای انقلابی افتاده است و هر روز در آنها رزمنده انقلابی و کمونیست را بخواهد عدا م میسازد، از شرایط بحرانی

جامعه و لزوم پاسخگویی به مسائل مرمی که جنبش در برابر آنها ایستاده است، انقلابی قرار داده است تا شی میگردد.

الستاره آمدنها پیش ضرورت برگزاری این کنگره سازمانی نه تنها منظور تعیین خط و مشی سازمان و وظایف جنبش انقلابی ایران در شرایط منحول کنونی، بلکه بمنظور ارزیابی و جمع بندی فعالیتها و نتایج سازمان پس از انشعاب احساس می شود. اما انجام این امر هر بار و بنا بدلائل متعدد بتعویق می افتاد.

نتیجه آن سبب در شرایطی که جنبش شبان

به پیش می ناخت دنباله روی سازمان از جنبش خود بخودی و سیرو قاع روزمره بود این امر نیز نه تنها بر سردرگمی و پراکندگی در سطح جنبش و هواداران سازمان - می افزود بلکه در درون خود سازمان نیز وحدت و انسجام درونی را خدشه دار می ساخت.

اکنون دیگر پس از گذشت حدود یکسال و نیم از انشعاب و در شرایطی که جامعه بیک مرحله بحرانی تعیین کننده رسیده است، الزاماً می بایستی این نشست وسیع برگزار گردد، تا از یک سو فعالیست

بقیه در صفحه ۲

در حاشیه مصاحبه دادستان با صلاح انقلاب

ما در گذشته بارها بدو رغبهای "گولنزار" موسوی شیرازی دادستان کل انقلاب اسلامی اشاره کرده ایم همگان با چهره های رنگارنگ و بوی خوشی آشنایی دارند. اخیراً هم این "جناب" طی مصاحبه ای سعی کرد با هزار قسم حضرت عباس وضع دادگاهها، رفتار با زندانیان و... را "رضایت بخش" جلوه دهد ما با همه زرنگیش دم خروس از زیر عباس بیرون آمد و موجب رسوا شیش شد.

بقیه در صفحه ۱۴

انقلاب شعله می کشد

آنکاه که رژیم کتشار و حشانه خلق را در دستور روز خود قرار داد، آنکاه که زندانیها میرفت تا از جوانان خلق انبیا شته گردد، آنکاه که خلق بی سازمان و غیر مسلح اما عاصی از قزوق و تاروپوسر - کین نسبت به سر با به و استعمار، در مقابل بورژوازی ددمنشانه رژیم صحنه را خالی نهاد، آنکاه که حمله های بر سر هر کوجه آوای شیون مادران در هر خانه، صف طولیل و رشدیا بنده زنان داغدار سر - آستان خادنه، خاوران و بادراوس وحشت ورعب در دل خلق افکند، ما بگسیم که "افشای حقیقت برجست خا کم گشته" است

بقیه در صفحه ۶

پیام های

اولین کنگره

سازمان به

در صفحه ۴

اعتصاب شکوه مند

کارگران
ایران ناسیونال،
ضربه ای دیگر بر پیکر
لوزان رژیم

در صفحه ۳

ارزیابی ذهنیات حاکم بر توده ها

شهریور، مهرماه ۶۰ (قسمت سوم)
۴- ماجرای هوا پیمای ۱۳۰ ارتش و واکنش توده ها؛
آنچه در مجموع گزارشات دیده میشود بر خورد محدود و بسیار منفعل مردم نسبت به این مساله است. اما در همین حد نیز چند نکته قابل توجه است. اکثریت مردم از ضربات بی دردی و آرمده بر حاکمیت اظهار خوتخالی میگردند اما کاملاً نسبت به مرگ رهبران ارتش بی تفاوت بودند. خانم خانه دار میا نسالی میگفت "دل ختک شدرچی" اعدا م کردند حا لایست سر هم جوا بش را میگردد" کارگر جوانی میگفت "خوشم مدرزیم داغون شد و راننده بیک کامیون میگفت خفتون بود"

بقیه در صفحه ۷

در این شماره

شهادت آبانماه ۱۳۶۰

جنبش کارگری

اخبار مدارس

گزارشات روستائی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نخستین کنگره سازمان

بقیه از صفحه ۱

ما زمان در سطح جنبش مودا رزیا بسی قرار گیرید، دست آوردهای آن جمعیندی گردید و کمبودها و نقائص آن مورد نقد و بررسی قرار گیرید و از سوی دیگر با توجه با اینکه در یک جنبش در آن متحول و بحرانی کنگره حزبی با دیگران پیش تحول اقتصادی اجتماعی و سیاسی موجود را بررسی کند، مفید بندها و گروه بندهای طبقات و احزاب و سازمانهای سیاسی را مورد رزیا بی قرار دهد و برای این پایه و وظایف اساسی یک سازمان انقلابی - پرولتری را تعیین کند، خطوط کلی سیاسی و وظایف اساسی و فوری ما را در مرحله کنونی انقلاب مشخص سازد.

بدین لحاظ میتوان ادعا کرد که کنگره نقش بسیار مهمی را در این زمینه ایفا نمود و سواقی تصویب مسائل دیگر که آنها نیز هر یک بنحوی خود نقش برجستهای دارند، با تعیین وظایف اصلی ما در دوران کنونی یک گام ارزنده در جنبش کمونیستی ایران جلوی برداشته است. ما در آینده ای بسیار نزدیک قطعنا می - های کنگره و مباحثی که در کنگره محول این قطعنا می - های صورت گرفت منتشر خواهیم کرد، اما پیش از انتشار اصل این اسناد لازم است که گزارشی مختصری پیرامون مصوبات کنگره و روال کار آن ارائه دهیم. کنگره با دستور جلسه ای که توسط کمیته مرکزی موقت سازمان (که پس از انشعاب امردادیت ورهبری سازمان را برعهده داشت) تعیین شده بود، کار خود را آغاز کرد.

پس از گزینش هیئت رئیسه کنگره و تصویب اعتبارنامه های شرکت کنندگان بحث پروری دستور جلسه کنگره آغاز شد، اما پیش از آنکه گزارشی و راجع پیرامون دستور جلسه کنگره بشود به پیشنها تعدادی از رفقای شرکت کننده مسئله استعفای ۵ تن از اعضاء سازمان که طی یک ماه پیش از برگزاری استعفا داده بودند در دستور کار کنگره قرار گرفت و پس از بحث هایی که پیرامون این مسئله صورت گرفت، کنگره طی اولین مصوبه خود مقرراتی که اعضاء مستعفی بمنظور طرح مسائل مورد اختلاف و با سخکونی به کنگره در قبالی وظایفی که در سازمان بعهده داشته اند، در کنگره حضور یافته ۳۰ تن از اعضاء مستعفی در کنگره حضور یافتند و پس از آنکه دستور کنگره استعفای خود را پس گرفتند، اعتبارنامه های آنها بجز یک تن بتصویب رسید. کنگره از آنها خواست که ضمن توضیح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی خود، علل استعفایشان را پیش از برگزاری کنگره و عدم جرای مسئولیتها را که سازمان با آنها واگذار نموده بود توضیح دهند. در اینجا لازم است که پس از رویدادهای ۳۰ خرداد این افراد از مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان عدول کرده بودند. از یکسو مرتزق بندهای ایدئولوژیک سازمان با رویلونیسم خروشنجی و طرد اساسی - ترین انحرافات مصوبات کنگره های ۲۰ و ۲۲ را انکار نموده و از سوی دیگر در رزیا بی اوضاع سیاسی کنونی و تاکتیکی سازمان بمواضع راست در غلطیده بودند.

آنها پس از عدول از مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان، مبارزه ایدئولوژیک علنی را دست آویز قرار داده و مطرح کرده بودند که چنانچه مواضع آنها در نشریات علنی سازمان منتشر نشود، استعفا خواهند داد. آنها بدین طریق می کوشیدند که تمامیات فرصت طلبانه و شیوه های سازمان شکنانه خود را با دست آویز قرار دادن مبارزه ایدئولوژیک علنی توجیه کنند. مرکزیت سازمان در همان زمان بر اساس یک همه پرسی از اعضاء سازمان با آنها اعلام کرد که مبارزه ایدئولوژیک علنی در اساس پذیرفتنی است، اما شیوه آنرا کنگره در روزهای آینده تعیین خواهد کرد و پذیرش استعفا آنها را بجز یک تن که پیش از دستا به پیش استعفا داده بود، تسلیم تشکیل کنگره بمعویق انداخت. با این وجود آنها از اینجا موظفان سازمانی خود سر باز زدند، بدین طریق از همان آغاز روشن بود که آنها مبارزه ایدئولوژیک را دست آویز قرار داده اند. در کنگره نیز ضمن توضیحاتی که ارائه دادند و مسائلی که مطرح نمودند، پیش از پیش این تمایل واقعی آنها افشا شد. پس از مباحثی که در کنگره پیرامون مسائل مورد اختلاف مطرح شد، از آنها خواسته شد که نظر خود را پیرامون نشست عمومی سازمان و دستور جلسه آن ابراز دارند. آنها در آغاز خواستار آن بودند که کنگره قطعنا مه تدوین شده پیرامون مواضع ایدئولوژیک سازمان را که شامل مرتزق بندهای ایدئولوژیک سازمان بطور مشخص بار و بی رویسیم خروشنجی و مدافعی ترسویال امپریالیسم تعیین کرده بود، از دستور کار کنگره حذف کند. البته این مسئله برای کنگره پذیرفتنی بود، زیرا که در بحث های مقدماتی که پیش از این نیز در کنگره حول دستور جلسه کنگره و طرح تعدیل در آن صورت گرفته بود، نظرا کثر رفقای سازمان این بود که نظر بحیاسی بودن این مسئله و از آنجا که مبارزه ایدئولوژیک کافی بر سر این مباحث صورت نگرفته است تصویب آن به کنگره آتی سازمان محول گردد. از این رو این مسئله در اساس پذیرفته شد، اما آنها مسائلا بلافاصله مسئله دیگری را پیش کشیدند و مطرح کردند که طی حدود سه ماه آینده دو بار یک کنگره برگزار شود طی این مدت حول تمام مسائل مورد اختلاف مبارزه ایدئولوژیک صورت گیرد. با طرح این مسئله دیگر روشن بود که تعیین مدت سه ماه برای مبارزه ایدئولوژیک بر سر تمام مسائل طرح شده در کنگره قطعنا مه - های آن و برگزاری یک کنگره دیگر چیزی جز بهانه تراشی نیست. از اینرو اعضاء کنگره با اتفاقا طرح پیشنهادی مستعفی ها و هرگونه سازش با آنها را مردود اعلام کردند. پس از این تصمیم اعضاء مستعفی جلسه را ترک کردند. کنگره سپس طی یک قطعنا مه جداگانه این افراد را عنا صرا زمان شکن و مشی آنها را - رفرمیستی رزیا بی کرد و بعنوان عناصر اپورتونیست از میان خود طرد نمود. کنگره پس از این تصمیم انقلابی کار خود را بر اساس روال تعیین شده ادامه داد.

مرکزی به بررسی و جمعیندی وضعیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان پرداختند. کنگره ضمن ارزیابی نقاط مثبت و نقائص سازمان و دست آوردهای که در زمینه شرکت در مبارزه ایدئولوژیک در کردستان، در زمینه تبلیغ و ترویج از طریق ارگان سازمان "کار و مکانات" و ویژه از جمله سپهتاج و انتشارات داشته است و همچنین تا کیدبردست آوردهای سازمان در زمینه های تئوریک، مسائل مربوط به استراتژی و تاکتیک، تحلیل و ارزیابی وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیکیهای سازمان، ضمن تا کیدبردست تلاش انقلابی کارها و هواداران سازمان که تا کنون بهشتا به یک جریان وفادار به آرمان کارگران و زحمتکشان و وفادار به افتخار سازمان را برافراشته نگاه داشته اند، کمبودها، نقائص و اشکالات سازمان و کار در رهبری را بشرح زیر جمعیندی کرد:

فقدان هدف و نقشه معین برای مداخله انقلابی در مبارزه طبقاتی، دنباله روی از جریان خود بخودی امور، گسترش بی رویه تشکیلات.

کمبودها در زمینه مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی در جهت دست یابی به یک تئوری انقلابی، فقدان رابطه زنده بین رهبری و بدنه تشکیلات

کم توجهی به آموزش و تربیت کارها و عدم استفاده درست از انرژی و استعداد های تشکیلات

کنگره همچنین در ارزیابی مسئله انشعاب و تا شیران بر مشکلات و نقائص بعدی سازمان با این نتیجه رسید که این انشعاب علیرغم اینکه برای دست یابی به یک تئوری انقلابی، وحدت چپ و انفراد رفرمیسم صورت گرفت، اما این اهداف بدرستی درک نشده، از اینرو زودرس بود. مهمترین ارزنده ترین دست آورد کنگره تصویب قطعنامه های مربوط به استراتژی و مرحله انقلاب، وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیکیهای سازمان بود.

قطعنا مه مربوط به مرحله انقلاب و روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب که بر اساس یک تحلیل درون سازمانی تحت عنوان وظایف اساسی کمونیستها تهیه شده بود و با پیش از دستا راه شرکت کنندگان در کنگره بتصویب رسید، روش سیاسی پرولتاریا را در انقلاب تعیین نمود.

قطعنا مه در این زمینه اظهار میدارد که جا معه ایران یک جا معه سرما به داری وابسته، تحت سلطه امپریالیسم جهانی بسرکریگی امپریالیسم آمریکا و جزئی از سیستم نواستعماریست. وابستگی و سرما به داری دوجز، لینک نظام اقتصادی اجتماعی ایران هستند. قطعنا مه، سلطه امپریالیسم و سرما به داری وابسته را اصلی ترین مانع بر سر راه رشد و تکامل جامعه و نیروهای مولده میدانند و معتقد است که هر تحول انقلابی با بدستوان نخستین گام، این مانع اصلی را از جلو برداشته و نیروهای مولده و تگامل جامعه بر دارد.

در قطعنا مه آمده است که بنا بعمل عینی و ذهنی، انقلاب ایران یک انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک و ضد سرما به داری وابسته است. استقلال ملی دمکراتیک تیزه شدن جامعه، تامین آزادیهای سیاسی و مدنی، و دیگر کونی نظام اقتصادی بقیه در صفحه ۱۱

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

چینش گارگری



با آغاز فصل زمستان، مبارزات چریک‌ها در ایران چون همیشه آغاز شده و با شتابی بیشتر و چشم اندازی روشنتر، امتحان گسترده‌ای که رگزان مبارزگان را به ایران - ناسیونال می‌خواهند در سطحی نویسن در مبارزات چریک‌ها و آغازی شکوهمند برانقلابی باشد که خلقهای ایران در پیش رود. آغازی شکوهمند که پیروزی - قطعی انقلاب را نوید می‌دهد.

در زمان رژیم شاه مطبق سیاستهای - همیشگی سرما به دوران و بخصوص سرما به - دوران وابسته یعنی از دستمزد کارگران و باجور امتیازاتی ظاهری فریب مشعل سود ویژه، عمده، و با نداشتن پرده غشست میگردید تا به آسانی بتوانند تدارک - موارده ضروری قطع کرده، کارگران را هم از حق ادعای محروم نگه دارند.

پس با پرداخت در سواد یک بار حواله، - چنان که به قیمت تمام شده، کارخانه به - کارگران ایران ناسیونال نیز یکی از انواع این باطلات امتیازات بود که رژیم شاه به کارگران اینکارخانه داده بود رژیم به اصلاح حاکمی مستفصل، جمهوری اسلامی در شرایطی که تورم فاساد رگسخت دستمزد واقعی کارگران و قدرت خرید آنان را مرتباً کاهش میدهد به جای افزایش دستمزد، متناسب با افزایش قیمتها،

کارگران را در جهت بازماندن این - امتیازات که بخشی از دستمزد کارگران می‌باشد حرکت می‌نماید. رژیم از مدت‌ها پیش در مدد بازماندن این حق از کارگران ایران ناسیونال بود و حتی آنرا از یک ماه پیش به تصویب رسانده بود. تا اینکه با اواخر روز پنجشنبه ۱۲/۱۲/۶۰ طی یک

بختنا ما این موضوع را به کارگران اعلام نمودید ناسیونال آن انجمن اسلامی طی یک اعلامیه هرگونه اعتصاب و کمکاری را محکوم نمود. کارگران به محض دیدن بختنا به - غم آمده دست از کار کشیدند. اعتصاب از کارخانه سوری شروع شد. کارگران از قسمت‌ها بیرون آمدند در محوطه کارخانه راهپیمایی کرده و شعار میدادند. حواله را کی قطع کرد؟ مدبر آمریکایی، حواله حق ما است. وغیره. اعتصاب به مرور به تمام قسمت‌های کارخانه کشیده شد. کارگران در محوطه، پارکینگ اجتماع کرده و شروع به سخنرانی نمودند. حواله - انجمن اسلامی سعی داشتند با تحریک - اجساد مذهبی کارگران حرکت را در

نقطه حمله کنند ولی نمی‌توانستند که از پیش بگریزند. کارگران نمی‌توانستند با قتل کون در خروج چنان جلوی خروج تولیسترا گرفته و با زینتن بر بخش اداری آنها را نیزه تمطیل گشتند. نما بنده داستان

برای آرام کردن کارگران به کارخانه آمده و ۱۰ روز مهلت خواست ولی کارگران فقط تا روز یکشنبه به او مهلت دادند. روز شنبه توکل و وزیر کار رویک نما بنده از سبها به ساداران برای درهم شکستن حرکت به کارخانه آمدند. نما بنده سبها به ساداران بعد از خواندن چند آیه شروع به سخنرانی کرد و از کارگران خواست که مانند حضرت علی از حق خود بگذرند! و در غایت شروع به تهدید کارگران نمود که دیگر کارگران تحمل ننموده و با هو کردن او را با شین کشیده و جلسه را خود به دست گرفتند.

در همین روز شنبه ۱۲/۱۲/۶۰ توکل در یک نمازگاه مطبوعاتی که شب زنتو بیخین بخش شد گفت: "حق کارگران ایران - ناسیونال با لانت و شاه به آنها باج می‌بخشد است (متفاوت حواله) بیگان هر دو سال یکبار راست) اگر اینطور است به کارگران تا یک سالی با بده سال به سواد یک تا یک بدهیم و کارگران را مسئول با زار - سبها و کارگانی ما شین دانست. و روز یکشنبه که قرار بود جواب قطعی به کارگران داده شود، حدود ۸ هزار کارگر ایران ناسیونال در کارخانه اجتماع کرده و

متینگ با شکوهی ترتیب دادند (رژیم در این روزها سبها به کارگران ناسیونال) یکی از کارگران در جواب حرفهای دیشب وزیر گفت: "به کارگران، یعنی بوس که شمه دهند چرا قیمت مینی بوس در سواد کارگران است؟ ما وانت کش می‌دهند، پس چرا قیمت وانت همگران است. سیگار و چرا کارگران است. روز دوشنبه ۵ نفر از کارگران به نما بنده کی از طرف - کارگران انتخاب شده تا مسئله را بپرسی کرده تا روز یکشنبه ۲۲/۱۲/۶۰ جواب آنرا برای کارگران بیاورند.

انجمن اسلامی دست از توطئه و خلال در حرکت کارگران بر نمی‌داشت. بسیاری از کارگران متوجه به انجمن اسلامی به نا هیت ضد کارگری انجمن پی برده به سمت گفته‌های کارگران مبارز انقلابی اعتقاد پیدا کردند. سطح شعارها ارتقا یافته و شعار "زندانیان سیاسی آزاد - با بگردند جای خودش را در میان شعارها با زکرده بود. روز یکشنبه چشم انداز حرکتی گسترده را نشان میداد.

روز یکشنبه ۲۲/۱۲/۶۰ رژیم با یک نقشه حساب شده کارت کارگران شناخته شده را جمع کرد و سرکوب را آغاز نمود. انجمن - اسلامی با رهبری نما بنده داستانسی مستقر در کارخانه رهبری این سرکوب را به عهده گرفتند و شروع به دستگیری و سبب کارگران مبارز نمودند.

حرکت یکبارچه ۹ هزار کارگر - کارخانه ایران ناسیونال در اوج - شرایط سرکوب رژیم بود و در اوج خفقان ایجاد شده توسط رژیم، بیانگر روحیه و پتانسیل انقلابی کارگران - می‌باشد. شکل گرفتن چنین حرکتی در این شرایط بیانگر فشار طاقت فرسای هزینه های زندگی بردوش کارگران و همگان می‌باشد.

بحران اقتصادی روز بروز وخیم تر میشود. عدم توانایی حاکمیت در حل آن برای توده‌های زحمتکش آشکارتر می‌گردد. قطعی فرامی‌رسد، توده‌ها امید به بالایی را از دست داده‌اند و ضرورت در دست گرفتن ابتکار عمل انقلابی از پیش را بیش از پیش درک می‌نمایند. طبقه کارگر می‌بایست به وظیفه طبر خود را بن هر حله آگاه

گردود در جهت همبستگی طبقاتی از جمله پیشروترین کارگران با نندکارگران - صنعت نفت بشود. طبقه کارگر می‌بایست با شرکت وسیع در تمام عرصه مبارزات سیاسی توده‌ها، با برافشا خلق را به خود ملحق سازد. طبقه کارگر با بدینرا درک کند که بدون وحدت با دهقانان و خرده بورژوازی می‌تواند و نمی‌تواند در ساداکت تاریخی خود را به سرانجام برساند. طبقه کارگر نمی‌بایست خود را به مبارزات درجهای رجوع تنگ کارخانه محدود نماید.

وظیفه پیشروان انقلابی است که طبقه کارگر را به طرز آشنای تشکیلات و رهبری سیاسی منجم، نشان دهند همبستگی طبقاتی و به نبود وحدت میان طبقه کارگر و سایر اقشار خلق آگاه گردانند و در جهت تحقق دست یافتن به آنها فعالیت‌ها را به پیشگامان بنشانند. پیروان انقلابی است که بنشانند به هدف پیروزی قطعی انقلاب فقط و فقط در گرو رهبری طبقه کارگر و وحدت

با اقشار روستا به عوای سیاسی خرده بورژوازی شهر و روستا است و جز این شکست انقلاب ویا تن دادن به انقلابی نیم بند نخواهد بود. مبارزات کارگران اوجی تا زمانه است و تدارک می‌باید میکند. بورژوازی سرکوب می‌کند ولی کارگران از محنتگنان می‌دانند بدون دادن قربانی پیروز نخواهند شد. و همین قربانی است که راهگشای راه - انقلاب خواهد بود. از پیرو فوری ترین

وظایف کارگران و از جمله کارگران ایران ناسیونال برای تدارک و مبارزات خود اولاً: ایجاد صندوق‌های مخفی بیکاری است تا به توسط آن بتوانند حداقل مخارج خانواده کارگران مبارز دستگیر و خراج شده را تا مدتی تا بماند. ثانیاً: با شکل دادن به کمیته‌های مخفی اعتصاب شعله حرکت فعلی را روشن نگه داشته تا در شرایط

نما بنده مجدداً "به زودی پیش خواهد آمد مبارزات را گسترده تر و فعلاً لانه تر به پیش برند. ثالثاً: کارگران می‌بایست هر چه زودتر با برقراری ارتباط با کارگران سایر کارخانه‌ها و با همی با کارخانه‌های که در حال حاضر دست به مبارزه و اعتصاب زده اند، حرکت خود را گسترش داده در جهت همبستگی طبقاتی خویش حرکت

نمایند. و با لاغری کارگران می‌بایست با شرکت همه جا بنده در مبارزات توده‌ها - مانند شرکت و جماعت از مبارزات فزاینده - شان در مدارس، شرکت و هذابیت مبارزات مردم در محلات مبارزه علیه سرکوب - دانشجویان توسط پلیس، با سادارو. نه فقط در جهت شکل طبقاتی خویش بلکه در جهت وحدت با سایر اقشار خلق و کمب هژمونی و برتری در تمام عرصه‌های مبارزه کارمبارز و رند و بداند که تنها راه پیروزی قطعی انقلاب همین است و پس -

"رهبری طبقه کارگر، همان پیروزی - مبارزات فدا مبارزات لیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است" - آبا نماه:
رژیم که دیگر دستش در مقابل توده‌ها رو شده است و می‌داند که اگر، سرکوب و اعدا پیروهای انقلابی، با واکنش انقلابی توده‌ها مواجه می‌شود زیرا که نمی‌تواند اقداماتش را تا حد ممکن از چشم توده‌ها پنهان کند. اگر کارگران انقلابی بترور - شیمی این واحد صنعتی حاس و مهم در میان کارگران و کارمندان وابسته و فاسدبیا نگر این سیاست رژیم می‌باید شد. در پیرو شیمی - طبقه در صفحه ۸

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

پیام شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به رفقای جبهه خلق برای آزادی فلسطین

رفقای فلسطینی!
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرمترین درودهای خود را به خلق فلسطین به نیروهای انقلابی فلسطین و به رفقای جبهه خلق برای آزادی فلسطین تقدیم میکنند. و یکبار دیگر بر بیوند مستحکم و تاریخی سازمان ما و همبستگی برای آزادی فلسطین که با بنیادها و مبادی مشترک است میزنند. ما هرگز کمکهای مادی و معنوی بی دریغ شما را در مبارزه خلقهای ایران علیه رژیم شاه فراموش نمیکنیم و نیز هرگز بر پیما نی که خلق ایران و فلسطین در مبارزه مشترکشان علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه بنده اند نیست نمیکنیم. از طریق شما بسیم خلق قهرمان فلسطین اطمینان میدهیم که همواره از مبارزه عادلانه شان دفاع میکنیم. اکنون خلق ما در شرایط پیچیده و غیرنرمی قرار گرفته است. در مقابل خلقهای ایران رژیم سفاک، ضد انقلابی و ارتجاعی قرار گرفته که روزانه دهها و گاهی صدها انقلابی را میکشد. در حالی که جوخه ها عداوت میسپارند، کارگران را به کلوله می بندند، دهقانان را سرکوب میکنند خلق کرد را وحشیانه بچاک و خون میکشند..... و موزورانه ادعای ضد امپریالیست بودن میکنند و منافقان سفاهت بعضی از دوستان و متحدین ما را در سطح بین المللی دچار توهینها خسته است. اما در این میان - موضع گیری های انقلابی در شرایط تحریف خلق برای آزادی فلسطین علیه رژیم خمینی برای ما بسیار قابل ارج و قدر دانی است. اکنون که امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا با تقویت رژیم - های ارتجاعی، علیه انقلاب خلقهای منطقه توطئه میکند، رژیم جمهوری اسلامی به ظاهروش میبندد که خود را مدافع خلق فلسطین نشان دهد ولی در عمل با خرید تسلیحات از اسرائیل، صهیونیسم را تقویت مینماید، در عمل جریان ارتجاعی امل را که سرسپردگی آن به امپریالیسم

جهانی برای هر فلسطینی آگاه و روشن است تقویت میکند. رژیم خونخوار خمینی با تقویت جریان ارتجاعی امل عملاً مهر نا شید بر اقدامات ارتجاعی این جریان که دهها انقلابی فلسطینی را به کلوله بسته است و دائماً "در جهت ارج و قدر دانی اختلافات فرقه ای و مذهبی در فلسطین است را نا شید میکند و این همگامی و هماهنگی رژیم ارتجاعی خمینی با امپریالیسم جهانی در سطح منطقه است.

رفقای فلسطینی!
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از مباحثات مفصل پیرامون برنامه عمل انقلابی در این منطقه، به نتیجه رسیدند که سرنگونی رژیم خمینی - اسلامی در دستور کار اولین گام در جهت به ثمر رسیدن انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران میباشد. در این مبارزه عادلانه انتظار حمایت و پشتیبانی هر چه وسیعتری از طرف دوستان انقلاب ایران را داریم. تردیدی نداریم که سیاست خارجی ارتجاعی بان اسلامیست جمهوری اسلامی روز به روز برای توده های منطقه آنگار خواهد بود و توده های انقلابی منطقه به این سیاست عملآ آسایب امپریالیسم خواهد ریخت بی - خواهند سرد. تردیدی نداریم که سیمای کربه رژیم سفاک خمینی روز به روز برای خلقهای منطقه روشن تر خواهد شد و در این میان کسانیکه در سطح جهانی پیشگام موضع گیری علیه جنایات این رژیم شده اند در قلوب مردم قهرمان فلسطین جای بس ارزنده ای خواهند داشت.

رفقای فلسطینی!
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکبار دیگر بر همبستگی انترناسیونالیستی و برادرانه خود با زحماتشان و خلق فلسطین تا کید نموده و خواستار گسترش و تعمیق این همبستگی هستند. زنده باد انقلاب فلسطین، زنده باد انقلاب ایران - با پداربادهای ددوستی بین جبهه خلق برای آزادی فلسطین و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - مبارز برای سرکردگی آمریکا با تقویت رژیم - های ارتجاعی، علیه انقلاب خلقهای منطقه توطئه میکند، رژیم جمهوری اسلامی به ظاهروش میبندد که خود را مدافع خلق فلسطین نشان دهد ولی در عمل با خرید تسلیحات از اسرائیل، صهیونیسم را تقویت مینماید، در عمل جریان ارتجاعی امل را که سرسپردگی آن به امپریالیسم

پیام شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به انقلابیون اسپر

رفقای زندانی!
اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شرایط سخت و بحرانی - مبین ما تشکیلات و بنا به وظایف که داشت برنامه عمل انقلابی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و چگونگی مناسبات - نیروهای مختلف اجتماعی را تصویب نمود. این کنگره علیه رژیم خمینیست که با بیاسی در جهت حرکت سازمان ما به پیش بود و مسلماً این پیروزی تنها در محدوده سازمان ما نخواهد ماند.

رفقای زندانی!
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از مقاومت شایسته و غرور آفرین شما در زندان که یکی از صحنه های مبارزه طبقاتی است ستایش و تحلیل میکنند. شما میراث - دار مقاومت قهرمانان انقلابیون هستید که در دوران سلطنت ننگین رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با مقاومت قهرمانانه خود با داربشان را با همه آزارهای خلق نشان دادند و دشمن زبون را زبون تو میگرداند. شما اکنون در زندان رژیم هستید که علیه رژیم گردان شده است. کربه ختم نظاره گریدم هر چه بیشتر توده های انقلابی با عواطفی مدعی دفاع از محرومان جامعه و مدعی مبارزه با امپریالیسم است. این رژیم شما را که جز ضد امپریالیست ترین نیروهای جامعه ما هستند و بنا به آرمانی که در راه آن مبارزه میکنند مدافع منافع محرومان جامعه هستند به اسارت گرفته و شما را شکنجه می کنند. داغ میکند، شلاق میزند، اعدام میکنند و آنگاه موزورانه ادعای ضد امپریالیست بودن میکنند. اکنون در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی دهها هزار انقلابی رزمنده به مقاومت ستایش انگیز خود ادامه میدهند و یکی از پر شورترین روزهای حیات مبارزاتی خلق ما را ورق میزنند. اما ما ایمان داریم که همه ما نظاره گریدم در زندان شاه خائن بوسیله توده های مردم که سا زندگان واقعی تاریخ هستند با زنده ماندن، در راههای زندانهای رژیم پلید خمینی نیز بیدار توانای همین مردم با خواهد شد و شما با اقتدار به میان مردم خواهید آمد و آنگاه در آغوش گرم مردم سرود پیروزی، سرود - مقاومت را خواهیم خواند و گورستان شهدای انقلاب را که آرزویشان این بود که روی استخوانهایشان بشر آزاد شده ای با یکویی کند لاله با ران خواهیم کرد. ما به این پیروزی ایمان داریم زیرا به اراده سترگ توده های ایران داریم. زنده باد انقلاب - زنده باد مقاومت قهرمانان انقلابیون اسپر

مرگ بر رژیم خونخوار خمینیست تا بود با امپریالیسم جهانی بسرگردانی امپریالیسم آمریکا و بنا به نگاه خلیفتی شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیام شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به خانواده های شهدای بخون خفته خلق و خانواده های انقلابیون زندانی

با گرمترین درودهای انقلابی:
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود میداند که از مف و مت شایسته و زنده نگه داشتن شما که به احتمال رنج و مرارت شهادت و اسارت فرزندان شماست می شود قدر دانی نمائید. این قدر دانی تنها بخشی نا چیز است و شما باید به خلق قهرمان ما از شما خواهد نمود. و نیز این مقاومت سرسختانه شما جزئی از - مقاومتی است که میلیونها توده زحمتکش میهن ما برای رهایی بدان دست

با زنده اند. ما بعنوان ذره ای ناچیز از اقیانوس بی کران خلق در مقابل - عظمت این رنج و مقاومت سر تعظیم فرود می آوریم. ما اعتقاد داریم که در دوران قیام پرشکوه خلقهای ایران در بهمن ۵۷ توده ها فریاد میزدند "درود بر تو ما در مبارزه، درود بر تو ما در فدا شدی، درود بر تو ما در مجاهدی در آینده این فریادها گسترش و عمق بیشتری خواهد داشت. تردیدی نداریم در راهی که در پیش داریم شما خانواده های قهرمان شهدا و اسرای خلق نقش ارزنده بعهده خواهید داشت. ایمان شما به صداقت و فداکاریهای فرزندان تنان، - فروردین شکن شما و نیز مقاومت و تسلیم نا پذیر شما در مقابل اراده ضد انقلابی جلادان رژیم از زنده ترین صفات - تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است. ما به این سرخستی، به این ایمان، به این تسلیم نا پذیری و به این غرور پرشکوه شما درود میفرستیم و خود را در غم بقیه در صفحه ۱۰





ارگان سازمانی، نقش و وظایف آن

(قسمت آخر)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نشویه کار - سازمان دهیم

در رابطه با ارگان سازمان چه باید کرد؟

اینگ که نقش ارگان و وظایف رفا در فبال آن بشکلی مفصل طرح بررسی گردید تنها کا نیست علامه ای از وظایف هر فنیس در رابطه با ارگان برادرانجا ذکر کنیم. لازم به تذکر است که اولاً این وظایف در رابطه با ارگان برعهده تمام می رفا قرار دارد و بهی شکل درجهت پیش برد آن سازمان - دهی لازم صورت گیرد. دوماً این بخش تنها جهت ارائه رهنمودهای داده شده با ارگان بصورت جمع بند. و شده تهیه شده است. توضیح لازم در مورد وظایف و هر عمل کرد در شما ره - های قبلی مقاله آورده شده است.

اما ببینیم در رابطه با ارگان چه باید کرد؟
۱- توزیع نشویه: مهمترین وظیفه هر رفق در رابطه با ارگان سازمان نهی توزیع نشویه در وسیع ترین شکل ممکن و رسانیدن آن بدست توده ها می باشد. این عملها نظیر که قبلاً توضیح داده ایم در وجه عمده در شرایط کنونی از طریق توزیع دست بدست توزیع - محلی و پست سوسا لیستی انجام میشود. شبکه ای که بدین طریق در حول توزیع ارگان ایجاد میگردد، شبکه ای ستارها بدینا شد - منجم با ارتباط های سریع که هر گاه بدست آن زمان نیاید، قرارها منجمدا شته باشد، این نظار منجمدا ظت شود... در مواقع - لزوم جهت بسیج نیرو، نظارات موضعی - بخش ضربتی اعلامیه، بخش اخبار و... بکار گرفته میشود در روشها انجام خود شبکه لازم جهت پیش برد و پست قیام میسازد.

۲- تکثیر و تجدید چاپ ارگان: در شرایط کنونی هر چند امکان چاپ وسیع ارگان موجود باشد اما ضرورت حمل و نقل، توزیع - دورنی، انتقال به شهرستانها و... لزوم - چاپ متمرکز را منتفی کرده، چاپ غیر متمرکز را ضروری میسازد. در نتیجه یکی از وظایف ارگان در رابطه با ارگان برعهده رفا قرار - دارد تکثیر و تجدید چاپ نشویه میسازد. در این مورد:

الف: بنا بر میزان نیاز ارگان باید در شهرستانها و در بخشهای مختلف تکثیر و تجدید چاپ گردد. این مساله بخصوص در - رابطه با رفا ای هوادار و جهت رفیع نیازها - یکن برای توزیع ضروری است.

ب: با بدین مطالب و مقالاتی از نشویه با تیراژی وسیع تکثیر و توزیع گردد. در این مورد عموماً مطالب تبلیغی و تهییجی و اخبار ناخبر نشویه را آید. این عمل میتواند بر اثر حتی شکل دستنویس انجام شود. از آنجمله تکثیر مطالب و اخبار کارگری نشویه و توزیع آن در کارخانجات، تکثیر رهنمودها یا ارائه شده از سوی ارگان و توزیع آن در محلات، مدارس، پویشها بر نقاط جمعیت، توزیع وسیع مواضع سازمان در رابطه با مسائل مهم روز و... ضروری است.

ج: تکثیر و توزیع اعلامیه ها و تراکت - های جنبش در نشویه هر چند اعلامیه های - سازمان کنجگاهانه تکثیر و توزیع میگردد اما چاپ آنها در نشویه با این هدف انجام میشود که در وسیع ترین مناطق (شهرستانها، روستا -

ها، مدارس و...) تراکتها و اعلامیه های سازمانی چاپ، دستنویس و با بهر صورت دیگر تکثیر و توزیع گردد.

د: ساده نویسی مقالات و مطالب نشویه، ارگان سازمان در سطح کارگران و توده های پیشرو تهیه میگردد عموماً "سبباً ری مطالب آن برای کارگران و دیگر کارکنان متوسط مفهوم و قابل درک نیست این برعهده رفا هوادار و با تشکیل تیمی هر محیط است که با محور قرار دادن مطالب ارگان به ساده کردن آن بپردازد و مطالب ساده نویسی شده را بدست توده ها - برساند. در ساده نویسی مقالات میتوان - آنها را با مسائل ملموس هر محیط و از آنجمله فاکتورها و شواهد موجود از مبارزات توده ها و با سرکوب رژیم و با وضع اقتصادی... تلفیق نمود و بدین طریق بردارها هر چه وسیعتر شود، همین عمل را میتوان در رابطه با شعارهای نشویه - بخصوص آن شعارهایی که در هر محیط خاص گردی وسیع و در دور رابطه شخصی با مسائل توده های آن محیط است انجام داد و شعارهای سازمانی را با توضیحاتی مثالی شخصی و مختصر تکثیر و توزیع نمود.

ه: از مهمترین وظایف در همین رابطه که متعلقا نه بدست رفا به آن توجه می کنند، برگرداندن مطالب و مقالات ارگان - بخصوص مطالب کلیدی و اصلی آن - به زبانهای محلی است. با بدینا زمانی که نیرو و توان ایجاد یک نشویه به زبان محلی را نداریم، درجهت ترجمه مطالب اصلی ارگان به زبانهای محلی و در این رابطه بردن آن به میان وسیعترین اقشار خلقهای سراسر ایران بکوشیم.

بهررو میتوان گفت: شبکه توزیع نشویه را به گسترده ترین، منجم ترین، مستحکم ترین و فعال ترین شکل سازمان دهیم!

۳- بهره گیری از ارگان جهت سازماندهی فعالیت مبارزاتی: ارگان محور تمامی تبلیغات ما ست و از اینرو بهترین دستا به راه جهت پیش برد تبلیغ شاهی در اختیار رفا میسازد هر گونه تبلیغ رفا با بدین کارگری محور تحلیل ارگان از آراء و شواهد و دلایل آن بهره گیرند. ارگان همچنین محور - توزیع سازمان است در این رابطه ارگان - با بدین روش هسته تشکیل برنا مریزی شده ای بمطالعه و بحث نهاده شود. مطالبات هواداران و هسته های تشکیلاتی با بدین مطالب ارگان سازمان نیاید. در همین خواندن مطالب - ارگان با بدینست های مطالبات در رابطه با مطالب کلیدی و عمده جا معطرح شده تهیه و اجرا گردد.

نقش ارگان در این رابطه بخصوص در شرایط کنونی بسیار حساس تر و پویا تر است. در شرایطی که برگزاری جلسات (خصوصی جلسات وسیع) مشکل بوده در مدخل را افزایش میدهد، روشها یکی که جهت چریکری

از نفوذ و ضربات پلیس با بدین ارتباطات را به حد قابل کار شده است... ارگان میتواند (و - باید) نقش هماهنگ کننده و هادی تشکیلات را ایفا کند. از اینروست که اجرا نمونود - های ارگان نیروی یکی و اهمیت خاصی میابد. وبه همین علت نیز، رهنمودهای ارائه شده در

ارگان با بدین رستی و با دقت تمام بکار - رفته شود.

تاما می مسائل ذکر شده تنها بکسوی یک رابطه دو جانبه بین رفا و ارگان است. در سویه دیگر مساله همکاریتما می تشکیلات و رفا جهت تهیه و تدار کارگان میسازد.

داشتن امکان تماس و نامه نوشتن به ارگان از حقوق مسلم هر یک از رفا و تشکیلات و همچنین هواداران است. هر رفق میتواند از طریق مشول خود بهر وظیفه تهیه و ارسال مطالب ارگان تحویل گردد. در این مورد است که هر رفق با بدین رفا به شکل کار انجام دهد.

گزارش دهی: تهیه و ارسال گزارشات، انتقادات و پیشنهادات در مورد ارگان و مطالب آن، تهیه و ارسال مطالب در مورد وظایف و اول بشکلی کامل سخن - گفته ایم در مورد وظیفه تهیه و ارسال مطالب نیز با بدین رفا میتواند با وجود وجود رفا با مسائل که در محیط مبارزتان وجود دارد و با در رابطه با مطالبی که در ارگان کمبود - اساسی احساس میکنید، در همین ارسال پیشنهاد و گزارش به تهیه و تنظیم آن جهت درج در ارگان بپردازد. مسلماً "برخورد خلقی با این مساله به تقویت نشویه و ننگدس هر چه وسیعتر مسائل اجتماع می منجر میگردد.

۴- ارسال کمکهای مالی و تدارکاتی: شبکه سراسری ایجاد شده در رابطه با توزیع نشویه با بدینترین منبع کمکهای مالی و تدارکاتی باشد. با بدینا به طریق بشکلی - دانش و وسیع نشویه را باری رسانیم. در همین رابطه با بدینا مکانات متعدد موجود در شبکه - چون امکانات تکثیر، اتومبیل، خانه برای جلسه و... را کاملاً سازمان داده و از آنها سودگافی برد.

۵- بردن نام ارگان بر میان توده ها: دیدیم که چگونه لنین برای مساله تکیه دارد که توده ها با بدین احساس داشتند رگانی سراسری را که میتوانند مسائل مشکلات خود را با آن - مطرح کنند، بدست آوردند. دیدیم که چگونه لنین میگوید "توده ها با بدین هر چه بیشتر با عنوان ارگان مرکزی با ایده داشتند یک روزنامه دانشی خودشان، با ایده داشتند یک مرکز (رهبری) ایدئولوژیک برای خودشان، چیزی که قادرند همیشه به آن رجوع کنند و غیره آشنا شوند - روشن است که با بدینکار را بر میان توده ها بردوانا ترا با آن آشنا نمود. این مساله میسر نیست مگر با سازماندهی تبلیغی وسیع.

با بدین تبلیغات خود همواره بر این تکیه کنیم که "فان خبری کار درج شده"، "هما نظوریکه کار نوشته بود... فلان سند توسط کار افشا شد" کار در مورد فلان شخص چنین افشاگری کرده - است و... و بدین طریق تمام توده ها را در بدست آوردن مطالب نشویه، برداشتن - نشویه ای که مشکلات خود را به آن رجوع کنند دانند.

رفقا! مگرا "توصیه میکنیم، با ردیگر - بشکلی کامل در تمامی هسته ها مقالات ارگان سازمانی... را بررسی و مطالعه بنا بدینا تا در با بدینشکلی کامل و دقیق تمامی - رهنمودها را ترا بکار گیرید.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



انقلاب شعله میکشد

گفتیم که انقلاب با بمب و یا با شکنجه و کشتار و شکست نمی خورد، گفتیم که بدون تعدیل سحران عمیق یا بندها اقتمادی، بدون سه گردش در آمدن چرخهای زنگ زده صنعت و بدون کاهش فشار خریدکننده ها کم برزندگی توده ها حتی بدل ساختن سراسر ایران به زندان نیز کار ساز نیست. در زندان انقلاب تداوم خواهد یافت، زندان نیان سربه شورش سرخواهد داشت. گفتیم که هر چند رعب و وحشت بر توده ها حاکم گشته است و توده های بی سر و پا با زمام و غیر مسلح در مقابل دشمن، انجمنی نسبی یافته بود و تا دندان نیز در سلاحهای آمریکا شی غرقه بود، عقب نشسته اند اما گری، بیگاری، گرسنگی فقر، آوارگی، جنگ و ختنه و... همه همه عالمی است که توده ها را به خیابان خواهد کشاند. علامه آنکه ما گفتیم سراسر سربزه نمی توان چرخ انقلاب را پنجر کرد و یا حوجه های اعدام، به تنهایی، هزاران جوان، اما انقلاب را نمیتوان اعدام کرد.

اینک زبا به های آتش فروزان انقلاب از پس خاکستر سرب کوب سربون کرده است اینک بار دیگر آخراطلابی خورشید رزم خلق از پس تیرا برهای اعدام و شکنجه، تداوم انقلاب را نوید میدهد. کینه های که ماها جمع شد، متراکم شده و با خون صیقل یافته است اینک میجوشد و میپودند فوران کند، خشمی که ماها در چشممان خلق برق میزاید اینک به با زوان توده ها جاری شده است. خلق که ماها نیروی لایزالش را متراکم نمود اینک بار دیگر با به میدان میبندد، مدای زنجیرهای پرولتاریا و توده های تحت ستم که در اثر تنگنای های دست و پایی خلق میل زد بخوبی از پس شلیک های دیوانه و ارجوحه های مرکب گشوی میرسد.

در ما گذشته و یا بهتر، در دو ماه - اخیر تا حد تحولات بسیاری در مبارزات توده ها بوده ایم. دوران کوتاهی که جوگیرترین اثری از بحث و سخن و نظریاتی چه رسد به بحث سیاسی و اعتراض به دولت در میان گزارشات توده ای دیده نمیشد سبزی شده است. اینک نه تنها اعتراضات فزاینده اوج گرفته، نه تنها بسیاری از شهرات و رشادتهای توده ای بصورت - پراکنده در گزارشات دیده میشود، بلکه حرکات جمعی مبارزاتی نیز مجدداً - سازمان یافته و تیرد شد سریع و وسیع مبارزات خلق را میدهد. پس از چند ماه سکوت دیکتاتور توری که میرفت توهم "شکست انقلاب" را بر بسیاری و آخوردگان مستولی کند و بساط آپورتونیستیهای رنگارنگ را پرورق نماید، بارها همپایشی چند هزار نفری در درود، در تشییع شهدای - خلق شکست، در پس آن مقاومت حماسی گشای و زان قهرمان در بسیاری نقاط - از آن جمله آذربایجان و قزوین - در مقابل فروش گندم به دولت، هر چند در شکلی ابتدائی، پس از آن اعتصاب قهرمانانه استار لایت، پس از آن حرکتی دیگر از گشای و زان، اینبار منسجم - یکپارچه، بهخته تر و شکل گرفته تر به وسعت تمام می "شمال"، مقاومت در مقابل فروش اجباری برنج، و در پی آن باز پرولتاریای قهرمان ایران، اعتصاب در شوق زکار،

و ایران ناسیونال ... در این میان نیز بسیاری حرکات دیگر در اشکالی گوناگون پیش نطفه ای یا پیشرفته، حرکاتی در پارس الکتریک، نفت، صنایع دفاع، کارخانجات تبریز و ...

آری! آنان که با دمیگ رند بر استی طوفان در او خواهند کرد، طوفان خشم خلق، طوفان سرخ انقلاب، اینک به درخیمان خواجهیم که تا چه حد سرنیزه ها بستان در مقابل مشت پولادین خلق سست است. تا چه حد لوله های تفنگ و قنداق های مسلسل در مقابل پتک خشم کارگران - تا توان است و تا چه حد میله های پیوسته زندان جلاد در مقابل با زوان ستمگره زحمتکشان رنگ میبازد، شاره های سرخ اعتصاب و اعتراضات توده ها نشان از آتش بی فروغ دارد. آتش پتک و داس، آتش مسلسل، آتش کین و خشم خلق، - آتش انقلاب، آتش به وسعت سراسر ایران به سوزندگی استقامت و قهرمانی، آتش که تمام می رژیم مزدور را نش خوارده سوزاند، آتش گل نشان، که پسر تا زک خود آزادی استقلال، نان، زمین کار و مسکن و بهداشت را داد، زمین اینک بار دیگر با بدتاریب را بست. با بدتاریبها را زنده کرد و در هم نمون عمل ساخت. با بدتاریبها عمل مبارزاتی آموخت و آموزش داد، اگر میگوئیم، واگر با وردا ریم که اعتصاب مدرسه انقلاب است پس با بدتاریبها مدرسه بسیار چیزها آموخت با بدتاریبها مبارزاتی را جمع بندی کرد و انتقال داد. همواره با بدتاریبها، چنرا فلان اعتصاب شکست خورد؟ چگونه سربک شد؟ چگونه به پیش رفت؟ سازمانیایی آن چه بود؟ دستاوردهای فلان اعتصاب کدامست؟ سازماندهی متناسب با آن چه بود؟ ... با بدتاریبی این زوا می مورد بررسی قرار گیرد تا قدری با شیم جمع بندی و نتایج آنرا به جنبش ارا شده ایم، از سوی دیگر با بدتاریبها دستاوردهای عظیم قیام بهمین ارا را بدگر مورث نمود. - اعتبارات اولیه، بی سازمان، اعتبارات بعدی، شکل گیری صندوقهای اعتصاب و در بردن کمیته های اعتصاب، هدایت کنترل و رهبری اعتصاب، پشتوانه مالی جهت اعتصاب کنندگان، تماس مداوم و تنگاتنگ با وسیعترین توده های کارگران اعتصابی، تبلیغ، تهییج، آموزش در حین پیشرفت، مزمار زده، رویش ارگانهای اقتصاد توده ای از میان این شکل ها ... اینها دستاوردهای ما ست. تجارب عظیم قیام بهمین.

اکنون که با ردیگر مزمه ها می رود تا به فریاد بدل گردد، اینک که ترنم شعرها می بلندتر میگردد و می رود تا به طنین سرود انقلاب در سراسر ایران بدل شود. سازماندهی مبارزات توده ها به پیش از پیش در دستور قرار میگیرد. با بدتاریبها به استقبال خشمی رشد یافته رفت و سازمانی در خور تلاش رها می خلق را شکل داد. با بدتوده ها را سازمان داد. با بدتاریبها تلاش و کوشش را دوچندان، نه! صدچندان کرد. با بدتاریبها وسیع را به پیش برد. کارگران را به بحث فرا خوانید! تبلیغ شایع اینک در بیشترین کارخانجات زمینهای مساعنا یافته است. اما این قاعه نیست، با بدتاریبها، علامه، با تراکت، با برچسب و شعار بندهای انقلابی را بدون کارخانجه بنرید، به شورا بسند در هر کجا حاضر باشد، دیوارها را به تابلو اعلانات خود بدل سازید، کارگران را به

تشکل و مبارزه فرا خوانید، جلوی کارخانجات را از علامه بپوشانید، علامه، تراکت، اگر نه بحث، نشریه ... بهر رو به شورا بندهای انقلابی را دهان بندها با دست بدست تا اعتصاب برهبا هوی چرخها و بندها، تا گستره به بندشت روستاها و تا فراخنای خاک آلود معادن نفوذ دهد، زمان، زمان تلاش است، وقت، وقت حرکت است. اخسار جنبش را به صورت گسترش دهید، توده ها تشنه خبرند، کارگران را متشکل کنید، اینک میتوان صندوقهای بیگاری را سازمان داد، بیشترین توده های کارگر - تنها به شرط پلیس نبودن - با بدتاریب این صندوقها متشکل بشوند، فردا آنرا به صندوق اعتصاب بدل خواهیم کرد، اینک صندوق بیگاری میگرداند، فردا آنرا به امنیت شغلی شکل میگیرد و فردا خود به نام تداوم اعتصاب بدل میگردد.

در مدرسه، در روستا، در اداره، در محله در هر کجا که توده ها حضور دارند، در هر کجا که مبارزه طبقاتی جاری است با بدتاریب خود را بر این مبارزه کوبید، با بدتاریب در جهت انقلاب سازمان داد، خورشید پرطنین خلق را با بدتاریب سلاح آبدیده "سازمان همراهی کرد، با بدتاریب را سازمان داد، با بدکارگران را سازمان داد، با بدتاریب انقلاب را سازمان داد، آنچنان سازمانی که بهر چه مبارزات خلق کلام - سرخ رهبری پرولتاریا حک شود، زیرا آنگونه که تالیپه های مبارزه ای امان توده ها به نگرانست خشم سرخ خلق می رود تا ابرهای سیاه جمهوری توری را به آتش کشد، رود جاری توده ها با ردیگر موج بز گرفته و می رود تا دفتر توت و پیوسته - جمهوری اسلامی را در هم شکند، با بدتاریب سازمانی از توده ها برپا داشت که بهر ویرانه های محتوم این رژیم بنای کار، مسکن، استقلال و آزادی برپا گردد، بنایی با همت کارگران، با یاری زحمتکشان، و زنجیران، بنایی جمهوری دمکراتیک خلق ایران و این میسر نیست مگر آنکه هر چه مبارزه در دست پرولتاریای قهرمان باشد و توده ها را در این راه بر پیچ و خم را هنما و رهبر گردند.

برپا خیزیم! کارگران، زحمتکشان، دهقانان، سربازان، روشنفکران، کارمندان ... برپا خیزیم تا ما خلق ستم دیده - اینک شعار کارگران در رینخواه های بیکاران در حلی آبادها، در زور آبادها و کپرها می پیچد و طنین میگیرد، ندای مسکن در میان آوارگان در میان زحمتکشان در دروازه غار رودر تا دکان میگرد و با زتاب میباید، سرود استقلال و آزادی دهان به دهان، در بنید بند زنجیرهای استعمار و وابستگی در خانه خانه فقر و بی چینی و در هر دو گش کارخانجه می هر خد و پوزواک آن سرود را در بر میگیرد، سرودها شی، سرود کارگران و زحمتکشان، سرود انقلابی پروتوان با دمبارزات خلق قهرمان، برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق ایران.



رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است



ارزیابی ذهنیات

بقیه از صفحه ۱

چهارتا آدم حسابی داشتند آنها هم از دست دادند اینها دیگر رفتنی هستند. در میان کسانی که علاوه بر خوشحالی از ضعف رژیم نسبت به مرگ فرماندهان نیز موضع میگرفتند وجه غالب با کسانی بود که ارتباط این فرماندهان با جنگ نسبت به مرگشان اظهار تاسف میکردند. خانم کارمندای ز قشر متوسط میگفت "آخوندها که بفکر جنگ نیستند اینها هم که زندگیشان را روی این جنگ لگنتی - گذاشته بودند فدا شدند بیجا راهها کارگر ساختمانی میگفت همه شون سرتویک کربانند همین فلاحی جنگ را ادا مدها در مقابل زاهد رمنی میگفت اینها آقا هی ندا شدند ملا" به قدرت طلبی کاروندا شدند فقط می گفتند "یکی زرقا زرقا" که میگویند تا سفر مردم از ناحیه هوا پیمانها از درجه حمایت از جمهوری اسلامی بلکه از این جهت بود که موجود فرماندهان را برای عملیات از نوع پیروزیهای غیرکرمه منجر به تصرف مجدد بخشی از خاک ایران شده بود لازم میدادند.

در مورد چگونگی سقوط هوا پیمان اکثر مردم آنرا ناشی از انفجار بمب میدادند و عاقل در این رابطه برتضا دوزخ و ارتش انگشت مینشانند و بطور ضمنی جانب ارتش را میگرفتند ملاحظه آری وجهی که از آخوندها است اینها آدم فهمیده را قبول ندارند "زن کارمندی - میگفت "مگر میشود از میان این همه هوا پیمان همین یکی سقوط کند دروغ میگویند خودشان اینکار را کردند که فرماندهی ارتش را هم جزئی کنند. دیگه ما بدبختم.

بطور کلی واکنش مردم در رابطه با این واقعه نشان میدهد که اکثر مردم تنفیری از ارتش ندارند اما علاقه ای هم به آن ندارند. اقشاری از خود بورژوازی مرفه و متوسط که غالباً با رژیم نیز مخالفند نسبت به ارتش متوجهند و در این رابطه احساسات شورشگری آنان - بشدت عمل میکند. مردم علیرغم آشنایی با تفاهای و بین حزب و ارتش دید روشنی نسبت به این تضاد دارند. با توجه به مسائل ذکر شده هر چند میدان عمل پیروزی عملت عدم روپا - روشی مستقیم ارتش و توده ها برای تبلیغ در این مورد محدود است اما با دیدبا استناد به تاجرب عملی توده ها در دوران قیام حمایت فعال و همه جانبه غمیبتی از ارتش و وحدت حزب و ارتش در گشتا خلق کردو... شناختی صحیح را در مورد ارتش و همچنین در این رابطه تضاد موجود بین حزب و ارتش (تضاد میان فدا خلق) به میان توده ها برود.

۵- سومین انتخابات ریاست جمهوری

با توجه به گزارشات متعددی که از تهران و شهرهاست نهاد ششم میتوان گفت علیرغم تهدیدهای گوناگون رژیم اکثریت مردم - انتخابات را فدا لانه تحریم کردند. این تحریم بقدری عیان بود که حتی با سدا ره ایوزه - ها هم به آن معترف بودند. علیرغم اینکه قبلاً در این مورد سخن گفته ایم اما به بازنگری گویا هی برگزارشات میبرد ازیم. در گزارشاتی از شیراز میخوانیم که... غیبا با آنها اندر خلوت بود که بقول یک کارگر نفت انسان وخت میکرد در خیابان قدم - بزند. تخمیری کاملاً کیفی با روزهای - انتخابات پیشین به چشم میخورد. در انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری توده ها اگر در حوزه ها حضور نمی یافتند اما غیبا با آنها ملوا و جمعیت بودند مردم اقل برای - شناخته غیبا با آنها میمانند. در حالیکه در انتخابات اخیر توده ها بودند در مقابل آنها نبودند اما حضور در خیابانها را نیز تحریم کرده بودند... با سدا ریزی یکی از حوزه ها با غمیبت نیت بلند بلند میگفت "حرف

است آدم برای بن مردم کار کنند. یعنی امروز روزا انتخابات است همه رفته اند توخا نه - قایم شده اند" و با سدا ریزی هم از رای - دادند. به دوست خود میگفت "میدان نمیمن رای دادما ما حوزه انفدرالی بود که خجالت - کشیدم "درگزارشی دیگر آمده است در مناطق پشت جبهه با وجودیکه توده ها را به قطع جیره تهدید کرده بودند اما شرکت در انتخابات انگشت شما برودا کرد و انتخابات قبلی آنها بی که رای میدادند جرات را برای زحمت آرا علناً نداشتند ولی در انتخابات اخیر آنها بی که با لاجباً رایا از وی ترس رای - دادند سعی میکردند رای مسا له بر ملا نشود چرا که خود را سرافکننده حس میکردند "درگزارشی از شیراز آمده "استقبال مردم نسبت به سابق نیز کاملاً شایسته بود و تک و تک افرادی در حوالی مسا له بر ملا توده ها دیده میشوند. عده ای به این دلیل که همیشه به شان پاسار است و ممکن است آنها را لو بدهد به از ترس اعدا مها وزندا آنها و احتمال اینکه بفرود انقلا بخورند رای میدادند اما با تمام - این احوال شرکت کنندگان بسیار کم بودند و عدم رفایت را بخوبی میشد در چهاره سدا ر - ها و بسیجی ها که هم حوزه ها ایستاد بودند دید رفتنی از سایر میونسید "در روستاهای میلان، خلیفه، جماروکه جمعا "۵۰ نفر رای - داده بودند که اغلب شنا سنا مه ندا شدند. ما مورسندوق ۱۵۱ را خود سدا رای داده بود"

رفتنی از خوزستان میونسید "حتی بسیاری از انتخابات بی غیر بودند و سر نشینان یک مینیوس که ظاهراً "تخمیر کار" بودند می - پرسیدند "مگر امروز چه خبر است که راهها را ایستاده اند" در خوزستان در محلات اسکان - جنگزدگان از اولین ساعات رای گیری تا پایان آن ماشینها یکمینه با بلندگو مردم را تشویق به شرکت در انتخابات میکردند در حوزه ها به شیوه های مختلف صف معنوسی ایجا دمیکرند مثل کند راه انداختن مراجعین دیر آوردن صندوقها جمع کردن بسیجی ها - نگهداشتن مردم بیرون درو.....

اما بهر رو دیگر توده ها هیچ توهمی نسبت به انتخابات فرما پیش رژیم ندارند. جملات زیر تنها بخش بسیار کمی از سخنان توده - هاست. مردشدها مذهبی میگفت اینها که اصلاً با رای انتخابات نمیشوند هر کس رای که خود شون بخوا هندا انتخاب میکنند. "زن - زحمتکشی میگفت در انتخابات ای جیب خوشان شرکت نمیکند چون میدانند که رای جیب خوشان کار میکنند برایا کار نمیکنند و حرف ما را بحسب نامی آوردند "خانم مسی خرد بورژوازی متوسط میگفت این غمیبتی مثل حضرت موسی مجزه میکند و عا به زمین خشک می زدای درمی مدها این دست به صندوق های خالی میزند و رقه رای بیرون میاید "کارگر خوزستانی میگفت همه ما صحبت از خا منهای است از آقا که خا منهای را بزرگ کرده تا بچه پا سدا رها و بسیجی ها، خود شون بریدند و - دوختند کسی به اینها نمیگوید با این رو که خودتون انتخاب کردید چرا مردم را بزور میکشید با صندوق مردمی که از حوزه بیرون - مینامد گفت به خا منهای را ای داد ما مردم را از شرا و راحت کنم و هم و را از شردنیا "اشاره به حتمی بودن تروخا منهای داشت "زن زحمتکش عربی میگفت میدونی اینها - خا منهای علیعلی و بی دست را کردند رئیس - جمهور که اگر نشا الله ترورش کردند چیزی از دست ندها شده "در بیان ادا ز غلطایه ارباب رجوعی که سدا ر غم دیر میگرد گفت "راستش میدونی هر وقت ما توبوندا از تو صندوق رای بلکه بدستش برسد چون اون یک هفته - است رفتند ما قبل صندوقها را پرسیکند "شخصی که تا چند ماه قبل حزب الهی بوده میگفت هر چه بچه های مردم بیشتر اعدا میشوند و زندانها پرتر میشود، راهها هم با لاتر میروند سربازی میگفت ما را برای ایدان اجباراً" یا صندوقها بردند ولی طبق قرار قبلی به

بها نهای مختلف از صف جدا شدیم از غنفر فقط ۲۵ نفر را ای دادند "ما در یک زندانی - ساسی میگفتن سپرم کارگزار است و در زندان است برای ایجا کما شنا سنا مه میخوانند ما رای میدهیم تا بها ننگیرند "مرد خرده - بورژوازی میگفت بخا طر مهر را میدهم چون میخواهم تیر آهن از اتاق بزرگای نی بگیرم - آتش زندان تویوس شیراز:

کلیه گزارشاتی که در این مورد داده شده - اید مینویس برای این است که کلیه افرادیکه در این مورد صحبت کرده اند آتش زندان تویوس را کار خود رژیم میدادند استاده عمدتاً "نیز" آنرا با مجرای میسنا رکیس مقابله کرده اند. توده ها با این برخورد بخوبی روشن کردند که خط و مرز نیروهای انقلابی و فدا نقلایی را تا حد دو بسیا ریشتا ختاند. اغلب مردم با استناد به گذشته شدن مردم عادی تبلیغات رژیم را دروغ میدادند و خود رژیم را عامل این جنایت معرفی میکردند. مردم و ما سنا له خرد بورژوازی میگفت "کار خود شون است - میخواهند به ما زمان عقوبتین المللی - ثابت کنند که مجا هدین مقصودند رژیم یک دربار نمیگفت "مگر شاها سنا سنا رکیس تواتست مردم را فریب دده که اینها بتوانند کارگری زکا رخا سنا که میگفت "کار خود شون است طورتا خوا ستند و فرار کنند در تویوس بسته شد چطور یکی از دوستان ما هد بوده - است که مجا هدین میخواستند تویوس را - آتش بزنند و ل مردم را پها ده کردند "بهر مردم چمتکشی میگفت اینها دروغ است من خود منا ظر بودم که آنها تویوس را از مردم خالی میکنند. مجا هدین میخواستند هر چه به دولت بزنند به مردم آدم آنها هیچ وقت مردم رانمی کشند....

علیرغم تمامی این برخوردها که - بهیا نگرند ساسی مردم و شناخت ما هیت - ضد خلقی رژیم است توده ها کلاً بخا طرنش از - شان به تویوس با آتش زندان تویوس، مخالف مطمنن با شد به کسی آسیب نمیرسد. مخالف بعنوان نمونه در گزارشات ارسال قبل از آتش زندان تویوس در شیراز توده ها به اشکال مختلف ترا تپتی خود را بیان می کنند، رژیم نیز مینویسند هر همین تا کنیک - غلط مجا هدین به تبلیغات میبرد از. در گزارش یکی از رفقا میخوانیم "بطور کلی آتش زندان تویوس اشخوبی بر مردم داد. راننده های تویوس تحت فشار کمیت - بیشتر از امنیت جانی، امنیت شغلی خود را در خطر می بینند و غالب مردم این کار را - اصولی ندانسته، در پی راه برای - جلوگیری از این کار هستند. راننده تویوسی میگفت این دلیل نمیشود که توبه حق خودت نرسیدی اما لایبی بی تویوس را آتش بزنی در تویوسی خلوت بود خا من مستی که خرد - بورژوازی متوسط بود میگفت دیگر مردم میترسند و را تویوس شوند "راننده تویوس که جوانی حدود ۲۵ ساله بود میگفت "دیر و زسر را هم در تویوس را آتش زده بودند در فکسر راننده ها شون بودم آخر شرکت آنها را خارج میکنند و فدا انقلاب می شوند

۷- شا بعه مرگ صدام

این مساله تنها از نرواق بل بررسی و مهم است که به با رزترین شکلی ذهنیت - توده ها نسبت به جنگ ارتجا عی را مشخص نمود. واکنش توده ها در این مورد میتوان در سه کلمه، که در هر گوشه از حرکات آنان بر - میخاست جمعیت می نمود. صلح، صلح، صلح. - تما بل توده ها. به صلح چنان رشد یافته و شدیدا است که دیگر حتی قید و شرط آن و بهرین رفتن با رفتن عراق از خاک ایران هم دیگر - برای آنها چندان مطرح نیست. آنچه برای - توده ها طرا ست را بطلحها مشکلات موجود و را بطلح تمام جنگ با سرتوش رژیم میباشند. رفتنی در گزارش خود نوشته است "بوق - بقیه در صفحه ۸

ارزیابی ذهنیات

عقبه از صفحه ۷
 اتمبیلها گوش را کر میکنند، سرکوبه شلوغ است، برف پاکن های ماشینها به رقص در آمده، همه میخندند، زن ها له هفتا میگویند "جنگ میخوابه، صدا که بمیرد جنگ تموم است" براق کتیر جیره ها تبسم است همه بهم تبریک و چشمرونی میگویند، بسری در - اتمبیل ها کیک پرتاب میکنند، پیرمردی به بچه ها پول میدهد... گزارشات نشان میدهد در مناطق شمال شهرستان عکس - العملی نشان داده نشده اما در مناطقه - رحمتکش نشان تا دی مردم حتی با زمان فرار شاه قابل مقایسه بوده است. خانم خانه دار پیری میگفت صدا بمیرد جنگ تمام میشود، الان چرا نموده ا که ببینید غذا راست - کارگر جوانی میگفت صدا میرد، صلح میشود، خدا یا شکرت! "دکه دارمینی میگفت راست میگویی؟ صدا مردم خوب دیگه آخوندها بهانه اندازند راحت شدم" کارمندان به - دارایی میگفت اگر راست باشد عراق را می به صلح میشود، دیگه خسته شدیم، امیدوارم درست باشد"

چرا مردم اینگونه خواهان صلح هستند؟ با سخن مسا له را نیز میتوان از میان گزارشات دریا فت، درما هها خیرا کنش - های متفاوتی نسبت به جنگ دیده میشود. اکثریت مخالفین رژیم را اینکه جنگ چون چماقی علیه خواستها و اعتراضات آنها - بکار گرفته میشود به تنگ آمده اند و بدستی دریا فتها ندکه جنگ عامل موشردی رقی است - رژیم سرکوبگر است. پیرمردوستایی در شمال میگفت صدا حسین پدر سوخته اگر قبل از شروع جنگ شنش ما فرصت میداد الان آخوندها رفته بودند ما دیگه این ما تمهاز ندا نشیم. فعلا جنگ برای اینها آب و نان شده و از خدا میخواهند تا در قدرت هستند جنگ ادامه داده شده باشد "وانتند جوان وانت میگفت این جنگ جلوی سرنگونی این ها را گرفته چون مردم تا چیزی میخواهند رژیم جنگ را مطرح میکنند" کارگری خطاب به دیگری میگفت معلوم نبود اگر جنگ نبود بهانه - اینها چه بود "اقترا رینیز بر اثر توهمات - شوونیستی نسبت به ابراهیم خردی درید دارند و اثرا به بعد از جنگ ماکول میکنند - واننده تا کسی میگفت اینها ترشون از - خورستان نیما ست اگر جنگ تمام شود پدرشان را در دنیا وریم "دریان پیریک مو' سه - دولتی میگفت حیف که جنگ است و گرنه مردم یک روز هم برای زمین بردن آخوندها صبر نمی کردند. "زن کارمندی ز قشرونسب - میگفت دیگه به امید چیزی ندگی کنیم بگذار - جنگ تمام شود حتی منمرا می هستم صلح بدستم بگیرم و اینریشوما را بکنم. "درمد کمی ز مردم نیز که دروجه غالب از موافقین رژیم هستند مشکلات خود را ناشی از جنگ می دانند و رسیدگی به وضع مردم را ماکول به صلح میکنند. "تا گردیدگ مینی بوس میگفت - "این جنگ کی تمام میشود که ما بدبخت شدیم" کارمندی دولتی میگفت "خانما ورنکند اگر بعد از تمام شدن جنگ وضع تغییر نکند من از همه جنگ افسوسم" خوبی یاد تحمل کرد چون جنگ است.

در کل هر چند انگیزه های متفاوت اما صلح خواهی عاجل بدل شده است. در این رابطه کارگری و سوسی توجهی محسوس نیروهای انقلابی و آزادمه سال زمان ما در هیچ فعال این توده عظیم حول خواست هنگام صلح - شدیدا "مشهود است. پیررویا بستی به این امر که فراد است نیروی عظیم را به میا رزه - بکشد، بهای کافیه دهد. تنها دراز چنین توجه و سازماندهی تبلیغی است که میتواند از او جگری مدد جو شوونیستی بر اثر "پیروزی - های رژیم و ارجا دارشی قهرمان و

محبوب! بتوان آخرین شمره نکتتیا ر - جنگ جلوگیری نمود. علل جنگ علل تداوم آن، ثمرات آن برای بورژوازی حاکم آن چیزها بی است که با بددها ره و صدبا ره به مردم توضیح داده شود و از این طریق مبارزه ای ظیقاتی بر علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی با زمان داده شود. رفتگری میگفت به ما - گفتند اضا فکا ربهای طلب ما را بحساب جنگ ریخته اند. "خود ما مسلمانها از خدا بی - خبرها، شما نمیدانید برای چندرقا زتوی خانه ما چه جنگی است با ورنک در خانه ما - جبهه اش از جبهه جنگ صدا میزد خطراتنا کتر - است آنجا شیر میگردند و از شنگهداری می کنند البته با پول اضا فکا ری ما بدبختها ولی در خانه ما سر یک لقمه نان با سر یک دانه میوه همسیدگر را میکنند."

توده ها و حاکمیت آینه ده :
 اینک توده توده ها به بیان تغییرات با بگلی کا ملا "غالب از زمین رفته است و ایده سرنگونی رژیم پیش از پیش برده شده ها حاکم میگردد. اما راجع به حکومت آینه ده، شکل آن و نیروهای تشکیل دهنده آن، توده ها بطور گامی در گنجی سری بر میروند - بر خورده ها در این مورد بسیار محدود و گامی آنها آمیخته است. هر چند اقترا روسخی از - توده ها دیگر در رابطه با تجربه مشخص خود به خواستهای دمکراتیک، خدا میریا لیستی خود گامی و اقتندا ما در مورد نوع حکومتی که میتوانند این خواستها را تحقق بخشد - شناختی ندارند. توده ها بر اثر تجربه - خیانت خمینی حتی در ابراز اعتماد به نیروها بی که خواستهای آنها را طرح میکنند نیز تردید نشان میدهند. علیرغم قدا کاپها و از جان گذشتگیها، معاهدین و دیگر - انقلابیون که اعتمادا دوسم توده ها را بر - انگیزته، اما این تردید که "تنگند اینها هم مثل خمینی رنگ عوض کنند" در بر خورده های مردم مشهود است. دختر دیلمه خرد بورژوازی فقیر میگفت "از جا که معاهدین به حرفهای شان عمل کنند مگر شا هرتفت خمینی آمد از جا که بیکی نیاید که از خمینی بدتر باشد، نمیشود به کسی اعتماد کرد. "از زانده - وانت پرسیدم "شما در نظر هرات شرکت - نکردید" جواب داد "آخه ما میترسیم بروسیم، از جا که میدونیم اینها اگر فراد با یاد چکار میکنند ما بگفته شرکت کردیم یا بطوری شد ولی ایندفعه دیگه با بدبا حساب و سنجیده بدونیم برای جیبا بد در نظر هرات شرکت کنیم. زن میانسال خانه دار خود بورژوازی متوسط میگفت "میترسم اینهمه جوانو بهمیم و با زهم آمریکا سراغ ما بیاید. من نمی دونم اینها که بعد از آخوندها میا بند چه کسی است هستند و چکار میکنند. حرف که فایده ندارد" کارگری زکشت ملس میگفت "آدم نمیدانند به کی اعتماد کنند. این رژیم رفتنی است اما از جا که بعد به حرفشان پای بند باشد" منازدها را پیری میگفت "خمینی چکار کرد که معاهدین بکنند مگر خمینی کم گفت استقلال، آزادی" واننده یک کامیون میگفت "شما به من قول میدی که جو زیر حرفهایش نزنند آخه قدرت همه را کور میکنند"

توده ها نه تنها دید مشخصی نسبت به شکل کسب قدرت و کنترل و ترکیب حکومت آینه ندا دارند بلکه معیار روشها و نیز برای - سنجش شعارهای نیروهای اپوزیسیون در دست اندازند و از اینرو نیز برخی نیروها قادر میگرددند با طرحهای کلی و غیر مشخص با دیگر جنبش را به انحراف بکشاند و بعضی از توده ها را بدنبال خود دروان سازند. اینک محوریترین وعده ترین وظیفه تبلیغاتی پیتر و پیا در توده های ایران ما له باشد - با بدبخت تبلیغ تشکل توده ها و تبلیغ آنان - بردا خت. با بدتشکل و تسلیح را بعنوان - اساسی ترین معیار رشناخت حکومتی مردمی و انقلابی به میان توده ها برد. با بدبخت آن گفت تنها توده های تشکل و مسلح قادرند به

استقلال، کار، مسکن و آزادی جا مه عمل به - پوشا نند. با بدگفت که انقلابی ترین نیرو - ها نیز هرگاه توسط خلق مسلحما بیت نشوند قادر به پیش بردن اهداف و شعارهای خود نیستند. با بدبا تکبیر تجربیات توده ها در دوران قیامویس از آن، تجربیات آنان در رابطه با شکل قیامه قدرت از سوی خمینی، صلح، سلاح، سرکوب شوراها و سپنها بودی دستاورد - های قیام برای توده ها روشن گردید که تنها تشکل و تسلیح توده ها فا من سرنگونی انقلابی رژیم است

جنبش کارگری

عقبه از صفحه ۳

تهران ۶۰ نفر از اجراج کرده اند که این عده تعدادی افرادی است و با استبه رژیم گذشته تعدادی افراد مادی و برخی نیروهای انقلابی نیز در میان آنها بوده - اند. ولی تلاش رژیم - قیامه است چرا که کارگران و زحمتکشان به خوبی میتوانند نیروهای انقلابی را تشخیص داده و بی بهاسات فریبکارانه رژیم ببرند.

تهران ۱۴ / آبانماه از کارگران کفش وین

ملی ویلا خواستند که با جبار با بدوساعت اضا فکا رکنند یعنی روزی ۱۰ ساعت کار کارگران اعتراضی شدیدا "مخالفت کردند - بطوریکه مدیر عامل مجبور شد مسئله را به این صورت تصحیح کند که هر کسی دلش میخواهد روزی دوساعت اضا فکا رکنند.

کرج ۸/۱۶ - در کرج اعلامیه ای بخش میشود

که به کارگری که سه سال سابقه کار دارد و با وام مسکن پرداخت میشود. شانه کارگران صف می بینند، سپاه از ترس ازدها دستور - با زکشت میدهد می گوید اعلامیه دروغ بوده کارگران اعتراضی میکنند که چرا دروغ گفتند، کار به درگیری وسیع می کشد و عده ای نیز دست به تظاهرات و شعار دادن میزنند سپاه تهرانی از کرده و یک کارگر شهید - میشود، سایرین جنازه او را بدوش میگردند و در شهر میگردند، جریان تا صبح فردا - ادا می پیدا می کنند.

کرج ۸/۱۶ - بیکاران کرج هفته گذشته

مقابل اداره کارها را بی کرج راهپیمایی داشته اند که گفته میشود به زود خوردا انجامید خوزستان

استان ری - اخیرا "طبق بخشنامه ای

که از سوی ستاندار به ادارات و موسسات مختلف ابلاغ شده است که تمام کارمندان زن با بدبا مقننه بسرکارها فرزند در غیر این صورت اجراج خواهند شد. در ضمن در خیابانها نیز پلاکاردها می بینیم برعکس است که ملجواب نصب کرده اند که هر کسی از این امر متعلق کند دستگیر شده و مشمول حد شرعی، یعنی ضربه های شلاق در ملا عام خواهد شد

کجساران - مهرماه

رژیم جنا پتکار جمهوری اسلامی که چهره ضد کارگری خویش را در سرکوب شوراها و اقمی کارگری، دستگیری و اعدام کارگران - میا رزوا بجا دشواری های فرما می بینیم - نشان داده است، اخیرا "یکی از نمایندگان شورای پالاینگا، پتروشیمی را به جرم اینکه نماینده واقعی کارگران بود، توسط سپاه دستگیر می کند. با سداران سرما به گه می پندارند و انتخا بنمایندگان شوراها سرخ کارگری همچون انضباط فرما می بینی و قلابی آنان میا شد از سوی خواستار انتخا - اساسی اشخاصی را که به وی رای داده اند بگویند. سرانجام پس از ۱۶ روز با زدا شست وی را ازاد کرده و از پالاینگا اجراج - می کنند.

گزارشی از وضعیت برخی از مناطق جنگزده

۱- فلاحیه (شا دگان) در فاصله ۶۰ کیلومتری آبادان قرار دارد و فاصله آن از سربندری ۲۰ کیلومتر است. از شهر حدود ۵۰ کیلومتر می باشد. شا دگان یکی از مناطق بومی خلق عرب بوده و چه قبل و چه بعد از قیام یکی از مراکز قتل و خورگات انقلابی و تعرضی خلق عرب بوده است. مسئله ملی، یکی از مسائل توده ها بوده و نسبت به ملیت عرب تعصب خاصی در این شهر به چشم می خورد که تا بد درسا بر شهرها می که خلق عرب مقیم هستند کمتر دیده شود. همین تعصب نسبت به مسئله تا سیرتا نیزم عرب موجب شده است که تعدادی از جوانان شا دگان غلبت تحت تاثیر افکار شوربختیست، به رژیمهای ارتجاعی عرب منطقه گرا پیش نشان دهند. در این شهر از خانها، کارگاه تولیدی و... خبری نیست عمده کارگران که در این شهر شاغل هستند کارگران عدالتی شهرداری و سایر ادارات دولتی است. می باشد و با کارگران ساختن، اکثریت توده ها به کشتا ورزی و دامپروری اشتغال دارند. اغلب کشتا ورزان قطعه زمین کوچکی دارند و در آنجا تا بی زمین طبق عرف معمول، در کشت منطقه ای در میزان محصول سهیم میشوند. اکثریت توده های این شهر خرده بورژوازی شهروده (از مرفه تا فقیر) تشکیل میدهد علاوه بر این تاجر بزرگ مالکان و سرمایه داران نیز در این شهر وجود دارند. جدا از حرکات معدودی که در زمان رژیم شاه صورت میگرفت و اغلب با شکست مواجه میشد، تا قبل از قیام حرکات تعیین کننده ای با مضمون انقلابی وجود نداشت و همواره شیوخ و سران مرتجع عشا بر حرکات توده ها را تحت کنترل داشتند و هیچگاه - پتانسیل انقلابی توده ها علیه رژیمستم اقتصاد و سیاسی و فرهنگی از سوی رژیم شاه، در جهت منافع آنان بحرکت در نمی آمد. اما در دوران قیام خلق عرب نیز همگامی تمام می توده های مردم بر علیه رژیم شاه و همپا رز برخواست. کارتون فرهنگی خلق عرب که در ارتباط با کانون فرهنگی خرمشهر بود نقش فعالی در جهت آگاهی بخشیدن به توده ها بازی نمود. سرکوب جوانان انقلابی (برهیزی مدنی و غرضی) این شهر که اغلب در کارتون فرهنگی فعالیت داشتند و با جدا دجو اختناق پس از قیام ۹ خرداد تلاش بود که رژیم برای سرکوب خلق عرب تدارک دیده بود. با آغاز جنگ موج سرکوبها و دستگیریها افزایش یافت. سطح نازل آگاهی توده ها، نبود شکل سازماندهی لازم در میان توده ها و عدم حضور فعال سازمانهای انقلابی، تمام با عیب شده است که علیه فتنه روحشیا نه رژیم، حرکت اعتراضی گسترده ای صورت نگرفت. البته نفرت و انزجار توده ها از حاکمیت کاملاً عیان و آشکار است و اعتراضات فردی بسیار گسترده می باشد.

پس از آغاز جنگ، آوارگان بسیاری بومی شا دگان آمدند و این شهر بمنوا اولین ایستگاه جنگ زدگان هراته که از آنجا بسته توان مادی خود می توانستند به شهرهای دیگر عزیمت کنند. مع الوصف تا مقطع که این شهر مورد پورش رژیم عراق قرار گرفت بیش از ۱۰ هزار نفر در این شهر و دهات اطراف آن اسکان

پا فته بودند و پس از حمله عراق، اکثریت جنگزدگان شهر را ترک کرده و در بیابانها و یا در سایر شهرها و در میان دین و خیا با آنها سکنی گزیدند.

سربندری

در ۹۰ کیلومتری آبادان قرار دارد شهری است نسبتاً نوساز و عمده ساکنین آنرا کارگران و کارکنان بندر خمینی و گمرک و... تشکیل میدهد. کارگران بندر عمدتاً "بمخورت" به معنای کارگری و قرا را دارند و بکار اشتغال دارند. در رژیم شاه آنها برای سکونت خویش مجبور بودند از خانه های چوبی و چینی (در بندر خمینی) که خود ساخته بودند استفاده کنند. اما بدلیل اعتراضات کارگران به وضع بد معیشتی از یکسو و شکل ظاهری این خانه ها از نظر افکار عمومی و کشتی ها که از خارج معموله به بندر می آید و در نهایت از سوی موجه گردیده که رژیم شاه با شرایطی اجازه ساختن خانه به آنها بدهد. این خانه ها عمدتاً با بلوک ساخته می شود. و به بلوکی ها معروف گشت کارکنان و گمرک و سایر کارکنان نیز در خانه های سازمانی در سربندری سکنی گزیدند.

این شهر که تا قبل از جنگ از شهرهای کم رفت و آمد بود بعد از جنگ به یکی از پرجمعیت ترین و پر مسئله ترین شهرهای منطقه درآمد. اسکان ۳۰ هزار نفر است. از جنگزدگان به شهر چهره دیگری بخشید. اکثر قریب به اتفاق آنان از راجحتمکشان عرب تشکیل میدهد. و از آنجا که نقاط مشترک گونا گونی از نظر طرز زندگی، فقر و فلاکت و... بین اهالی سربندری و جنگ زدگان وجود دارد رژیم موفق نشد اختلافات و درگیری را که در نقاطی چون بنهبهان و شیراز بین اهالی و جنگزدگان پدید آورد، در این شهر بجا آورد.

کارگران بندر خمینی را بدلیل نوع کار (باراندازی و تخلیه و...) معمولاً روستائیان و مهاجرین ساکنین تشکیل میدهد. توده های کرد، لیر، ترک و اخیراً "عرب عمده جمعیت این کارگران را تشکیل میدهد. سطح نازل آگاهی و پایگاه روستایی و با نتیجه تردید و نزول آنان بیشترین حربه راجحتمت است. اما هر چه بیشتر آنان فرام کرده و رژیم با ایجاد رقابت در بین آنان - بیشترین بهره را برده است. اگر سطح آگاهی و تشکل این کارگران با کسار بیکسروا مولی انقلابی ارتقا یابد، این شهر با توجه به کمیت قابل توجه کارگران می تواند کانونی جهت اعتراضات و حرکات کارگری گردد. بویژه رشید نارضایتی و بی وضع معیشت کارگران چنین زمینه ها را فراهم کرده است.

ما شه...

که قبلاً به "مخسور" معروف بود در ۱۰ کیلومتری سربندری قرار گرفته و شهری نسبتاً قدیمی است و از دو قسمت کهنه و نوتشکیل میشود. ما شهر کهنه را بیشتر اقشار میان و فقیر خرده بورژوازی تشکیل میدهند که بیشتر به کار خرده فووشی مکانیکی و... اشتغال دارند. سطح زندگی تفاوت فاحشی با ما شهر نوساز دارد. ما شهر نوساز شرکت نفت و شرکت های وابسته آن عمدتاً جهت اسکان کارگران و کارمندان خود بنا کردند. کارگران شرکت ایران و ژاپن و... قسمت کارگر نشین شهر را تشکیل میدهد. چهره مناطق مختلف شهر با تغییر وضعیت طبقه های ساکنین آن تغییر می کند. منازل کارمندان با درجات متفاوت شغلی در مناطق مختلف ساختن آنها، تجهیزات،

خیا با آنها، درختکاریها و... متشکلات ساخته شده است. کارکنان ژاپنی (شرکت ایران و ژاپن) عمدتاً "در دو کمپ" به نامهای کمپ A در ما شهر که محل اسکان کارکنان متاهل و کمپ B در حوالی سربندری که محل اسکان کارکنان مجرد می باشد میسکن داشتند که این دو مجموعه بعد از جنگ و قرا را بنی ها به کشور خود، به تصرف جنگزدگان درآمد که البته کمپ A را بیشتر کارکنان جنگزده ایرانی شرکت ایران و ژاپن تشکیل میدهند در حالیکه کمپ B در حال حاضر حدود ۲۰ هزار نفر از جنگزدگان و فقیر و زحمتکش را در خود جای داده است. کارگران و کارمندان ساکن ما شهر بدلیل وضعیت شغلی خویش از رفاه منسی برخوردار نیستند و در حقیقت جزوا قشای صرفه کارگران و کارکنان بحساب می آید. بدین دلیل از سوابق مبارزاتی مشخصی برخوردار نیستند. البته حرکات اعتراضی کارگران پتروشیمی رازی با بدستنی گردید.

امیدیه

و بطور کلی آغا جاری از آنجا که در محدوده چاههای بهره برداری نفت قرار دارد بدلیل ارتباط مستقیم کارگران و کارمندان با مسئله تولید نفت، کارگران این منطقه از سطح آگاهی بیشتری برخوردار هستند و از سابقه مبارزاتی برخوردارند.

اکثر ساکنین مناطق فوق با شناساندن شا دگان خردهای عمده خویش را از آبادان و خرمشهر بحمل می آورند. پس از جنگ جمعیت کثیری از جنگ زدگان باین منطقه آمدند و جمعیت آن دوباره بر شده است و مسائلی توده ها از کاتال مسائلی جنگزدگان میگردد.

ذهنیت توده ها و تا سیرتا کشتیکهای حاکمیت و انقلابیون ایران:

جدا از اسکان بومی که خود نیز عمدتاً از اقشار خرده بورژوازی تشکیل میشوند عمده توده های جنگزده اسکان یافته در این مناطق را خلق عرب تشکیل میدهد از نظر طبقه ای عمده این جنگزدگان را - اقشار خرده بورژوازی فقیر و زحمتکش تشکیل میدهد. در مدار کارگران فنی تولید و خدماتی بمرا تبه کمتر از سایر اقشار است (کارگران و کارمندان) که از رفاه منسی برخوردارند عمدتاً - خانواده های خود را به سایر شهرها فرستاده اند و خود فقط در خلال مدتی که سرکار هستند در منطقه می باشند (مشکلات اقتصادی - اجتماعی گوناگون تا شهر بلاواسطه ای بر روی ذهنیت توده ها باقی گذارده است. نداشتن مسکن، بیکاری، و گران بیساز اجناس، آنها را در تنگنا قرار داده است. از طرف دیگر سرکوب شدید رژیم و با جدا دجو شدیداً اختناق و ترور، زندگی را هر چه بیشتر بر توده ها سخت کرده است. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، کمی پس از آغاز جنگ - سوب سازماندهی وسیعی از ارگانهای سوب همت گماشت و با دمنشی هر چه تشنه ستمی کرد تا با سرکوب کوچکترین حرکت اعتراضی تحت عنوان زمان جنگ - تشنه جهش و... می توان بیشتر توده ها را موعوب سازد. می توان گفت که از زمان استیادای جنگ در این مناطق خانه گردی، تعقیب و دستگیری و زندان و اعدام انقلابیون و سیمبا آغا ز شد. سرکوب - راهبانی های جنگزدگان، کارگران بندر خمینی، کارگران فولاد، سرکوب انقلابیون خلق عرب بمصومی در شا دگان بقیه در صفحه ۱۲



گزارشهای روستائی

روستای احمدآباد
 قریب به اتفاق اهالی این روستا را کثرت و زانی تشکیل میدهد که فصل زمستان را با صیادی میگذرانند و واقع شغل آنها کثرت و صیادی میباشد. اهالی این روستا در انقلاب شرکت فعالی نداشتند و بدین فکر میکردند که خمینی نمیتواند کاری برای آنها انجام دهد. پس از انقلاب بدلیل فشارهای اقتصادی و اراده و ممنوعیت در صدور مشکلات کثرت و زمینین نبود. آخرین تیوان انقلابی، اهالی روستا خواستار بازگشت به شرایط گذشته بودند و تنها چند حزب الهی در روستا وجود داشتند که مردم ده نیز همواره با آنها درگیر بوده اند. عوامل بسیج بهر ترتیب که شده سعی میکنند که مردم را به مسجد بکشند بطوریکه اخیراً به بهانه تعمیر جاده آنها را به مسجد کشانند و سپس بحث در مورد تشکیل انجمن اسلامی کردند. انجمن اسلامی روستا از ۱۳ نفر که در سنین ۱۳- ۲۰ سال میباشد تشکیل یافته است و مردم ده به دلیل اینکه اساساً رژیم را قبول ندارند این عوامل رژیم را نیز نمیپذیرند اما به نظر هری آنها کم سن و سال بودن این مزدوران رژیم است. رژیم برای تحمیل عوامل خود کلیه با محتاج مردم را از طریق انجمن اسلامی توزیع میکند مثلاً نفت - قند - شکر و... توسط آنها

توزیع میشود اخیراً تا توانی روستا که از کمبود اردن شکایت دارد از سوی انجمن اسلامی به او گفته میشود که اگر اسلحه را در بسیج بنویسد رده همیه او افزایش خواهد یافت. افراد بسیج و انجمن اسلامی تلاش دارند بهر حیلهای که شده افراد خود را افزایش دهند.
 اخیراً چند تن از شاهدوستهای روستا جهت کسب قدرت وارد انجمن اسلامی شده اند. اهالی زحمتکش روستا که بدلیل عدم شکل لازم قدرتیستند مستقیماً در مقابل این مزدوران رژیم میایستند چرا که مقابله با آنها با گلوله پدیدار است - سرما به مواج میشود، اعتراضات خود را از طریق اشتقا دیه آخونده که از طرف بسیج آمده... بیان میدارند و میگویند آخوند قبلی چه کرده بود که تغییر کرد و بیای میگویند اینها (بسیجی ها) تا زده آمده اند بیای نماز میخوانند و بیای میگویند بیای شید که سنگراست، انگار ما یکبار هستیم، نمیدانند که وقتی توی شکم ما درختان بودند ما نماز میخواندیم. در مجموع بسیج و انجمن اسلامی در این روستا و سایر روستاها از جمله دریاکنار، گلستانه و... تنها دهای ورشکسته ای هستند که از طریق توزیع ما محتاج مردم تلاش میکنند خودشان را بر توده ها زحمتکش روستاها تحمیل نمایند.

کیبرد غرب

روستای سیمانی علیا در منطقه گهواره گوران و جز بخش گرنده غرب در استان کرمانشاهان میباشد. کثرت و زانی زحمتکش این روستا سالها زیر سلطه یک فئودال بزرگ قاسم حق نظری بوده اند. (تخمین زمینهای مالک را توصیف مشکل است) بعد از قیام خمینی بهمین دهقانان این روستا با کمک ویاری دیگر روستا ثانی یکبار در سال ۵۹ توانستند این زمینها را - ممان دره و زیرکشت بر بندوبه همین جهت توسط فئودال بزرگ "قاسم حق نظری و جیره" خود را نش مورد هجوم وحشیانه قرار گرفتند و چندین نفرشان مجروح و زخمی گردیدند. بعد از این واقعه دهگانها با صلاح انقلاب

اسلامی بعنوان به عنوان دست خوش به ما لک ۴۰ تن از دهقانان فقیر و بی چیز که از فرط فشار دیگران با تحمل زور و شکنجه و کمر سنگی و نا برابری رانها ورده و برای بدست آوردن حقوق حقه خویش دست به این عمل غیر شرعی و غیر قانونی زده بودند دستگیر و به زندان تحویل داده و حتی سرهایشان را تراشیده و در مقابل از هر کجا بشان ۵۰ ریال نیز گرفته و به این هم کتفا نکرده و برای هرو عده غذا ۵۰۰ ریال لایب برای مستضعفین از جیب خالی آنان ربودند. اما پس از چند روز به علت اعتراض اهالی روستا آنان را آزاد نمودند. به هر حال حاصل کشت، با مینا رزه متعده است و بهر گوناگون روستا ثانیان نصیب آنان شد. اما امسال (سال ۶۰) دستور کشت از طرف دادگاه فدا انقلاب به "قاسم حق نظری" داده شد. ولسی زحمتکشان بدلیل تجربه بدست آمده از مبارزاتشان و آگاهی به منافع خود از کشت بوسیله فئودال جلوگیری نمودند. اما اینبار سرکوب دهقانان یعنی ژاندارمری کمک آریا بشتا ۲۰۰ تن از زحمتکش روستا را که از خوش نشینان بودند دستگیر و تحویل دادگاه اسلام را به ده که به تبعید و زندان در "طاق" محکوم شدند (مدت زندان مشخص نیست) لازم به توضیح است که "طاق" در نزدیکی سرپل ذهاب است که یک منطقه جنگلی است قرار داشته و زندان ثانیان حتی در زندان نیز تا مین جانی نداشتند و هر لحظه در معرض خطر مرگ توسط همپاران و شلیک توپهای دوربرد عراق به این منطقه میباشند. بعد از این سرکوب دستور کشت به فئودال داده شد و از تاریخ ۶۰/۸/۲۳ این زحمتکشان در زندان بسر میبرند. این روستا از لحاظ مکانی با رفاهی از قبیل آب آشا میدنی، بهبادشت و... شدیداً در مضیقه بوده و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خیر سرکوب و کشتار، رفاهی برای این ستمدیدگان نداشتند است. دهقانان این منطقه با پدیدایش شکل دشواری ده و بی مینا رزه متعده و بهر گوناگون خود برای آزادی هم زنجیران خود و ممان دره و کشت زمینها بکشوند.

باز هم درباره...

بقیه از صفحه ۱۵
 ممکن است جدی پنداشته باشند. حال آنکه تاکنون از طرف رژیم جمهوری اسلامی، ۴ لایحه در جهت اطلاعات ارضی بتصویب رسیده و طرح نمایندگان پنجمین راه ملی است که برای این منظور ارائه میشود. حکومت هیچکدام از لایحه قبلی را به مرحله اجرا در نیاورد. حتی شیری پال و دم و اشکم شورای انقلاب نیز که آخرین قانون در این زمینه محبوب میشود، در ابتدای اجرا متوقف شد. این همه تنها نشانه بی برنامگی و نداشتن تمکالی های رژیم نیست، بلکه حکومت بنا به مقتضیات و مصلحت اندیشی ها و بقول خودشان برای "رفع مفسده کلی" (۱) بطور موقت، مشروط و محدود - در زمانهای - تن به عقب نشینی میدهد. اما ما به مینا رزه عقب افتاده رژیم و وابستگی ها و علائق تا بیخی آن به زمینداری بزرگ، نمیتواند حکومت را ما هیتا "و بطور جدی در مقابل به زمینداران قرار دهد. خمینی زمانی که لایحه آزادی در دستور کار دولت بود، طی سخنانی خطاب به ما حیان صنایع و - با زاریان عنوان کرد که "مملکت اسلامی است، ما لیکت را بر رسمیت میثنا سد، دولت نمیتواند خطی کند... اینطور نیست که خیال کنید که بخوانند هر کسی

کارخانه ای دارد از او بگیرند چنانچه در مورد زمینها گفته بودند که میخواهند زمینها را از مردم بگیرند حال آنکه در مورد زمین موات که هیچکس در آن زمین کاری نکرده این صحبت درست بود... اما زمینهای را که احیاناً کزده و مالک هستند چه کسی میتواند بگیرد، این مسائل مطرح نیست (جمهوری اسلامی ۱۶ تیر ۵۸). و واقعاً در جمهوری اسلامی این مسائل "املا" مطرح نیست. آنچه که خمینی و دیگر "زعمای قوم" در این باره اظهار داشته اند همان "روح" ملی حاکم بر قوانین اطلاعات ارضی است. حال اگر در این برهه با آن برهه از زمان، بنا به مقتضای نظیر فشار جنبشهای توده ای و دهقانی، بالاد گرفتن اختلافات درون حاکمیت، اختلاف روش در چگونگی برخورد با مزارع توده ها، محفلات اقتصادی و تشبیهت حکومت و با فشارهای ناشی از عجز سردر درون هیات های ۷ نفره و غیره، سخنانی به مصلحت ابراهیم میشود و حتی قوانینی از تصویب میگردد، مسئله ای تا نوبی است. که تنها در حد حرف باقی میماند و هیچگاه به مرحله اجرا در نخواهد آمد. و وقتی که "مفسده کلی" بر طرف شدن قوانین نیست "خود بخود لغو میشود". سرنوشت قوانینی که تا بحال در مورد اطلاعات ارضی گذرانده شده چیزی جز این نبوده و نمیتوانست باشد. این رژیم بنا به ماهیت و ذات خود قدم در مورد حل مشکلات دهقانان بر

نداشته و نمیتواند برآورد. رژیم که زمانی با لاجرا روی بدلیل توده ها که بر آن تکیه داشت، گاه و بسگاه شعارهایی در این زمینه میداد و با وعده و وعید و سخنان عوام فریبانه سعی در برپا پویش اهداف خود داشت اینک که مدتی است اینها ن توده های متوهم را بدنبال خود ندارد و بر سر نیزه تکیه زده است، دیگر حتی این شعارهای عوام فریبانه را هم لازم نمی بیند طرح جدید اطلاعات ارضی دال بر این موضوع است. دیگر رژیم شمشیر را از رو بسته است.

پیام کنگره...

بقیه از صفحه ۴
 و شادی شما شریک میدانیم. دستان گرمتان را میبندیم. با مرگ ما پیروز روزی انقلاب جا و بدان با دعا طره شهدای بخون غلغله غلغله گرامی ما با دما سه فروردین مبارک و مستغانا شهدا و اسرای خلق مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی نا بودا مهربا لیمم. چنانی بسرگردگسی ا مهربا لیمم آمریکا و با نگاه دا غلغله شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نخستین کنگره سازمان

بقیه از صفحه ۲

اجتماعی موجود بنحولایفنگی با تحقق اهداف انقلاب پیوند دارند. انقلاب - دمکراتیک توده‌ای ایران نه یک انقلاب سیاسی بلکه یک انقلاب اجتماعی است. این انقلاب یک مرحله‌گذار ریسوی سوسیالیسم محسوب میشود. مضمون طبقاتی آنرا دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی کارگران و اقشار متوسط و پائین خورده بورژوازی و شهروروستا تشکیل میدهد. قطعا مەروش سیاسی پرولتاریا را در انقلاب دمکراتیک بشرح زیرتعمین میکند:

پرولتاریا که یکا نه طبقه پیگیر و تابه آخر انقلابی است در مرحله کنونی انقلاب لایه‌های پائینی و میانی خورده بورژوازی و شهروروستا (دمکراسی انقلابی) را که منافع آنها در تحقق انقلاب دمکراتیک نهفته است از موضع پائین روی دمکراسی پیگیر پرولتاریا بخود مطرح میکند. لایه‌های فوقانی خورده بورژوازی (خورده بورژوازی مرفه الحال) را که بنا به خصوصیات طبقاتی خود یعنی خویشاوندی و نزدیکی با بورژوازی در انقلاب ایران در موضع بینا بیونی قرار داده و تمایلات سیاسی (ناسیونال رفرمیسم و سوسیال رفرمیسم) را نامابندگی میکند، منفرد می‌داند.

پرولتاریا بر اساس رسالتی که در دوران کنونی برعهده دارد، ما شین دولتی طبقه کارگر که از بنیاد سلطه طبقاتی بورژوازی وابسته و امپریالیسم محسوب میشود به شکل قهرآمیز درهم می‌شکند، و با استقرار دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی کارگران و زمینکشان شهروروستا (جمهوری - دموکراتیک خلق که اساسا "پرشورای" مسلح کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش خلق مبتنی است، انقلاب را به پیروزی قطعی میرساند.

قطعا مە ابزار تحقق اهداف فوق را بشروح زیر اعلام میدارد:

الف - بدون وجود حزب انقلابی پیشرو طبقه کارگر، پیروزی قطعی انقلاب تضمین نخواهد شد.

ب - دومین رکن اساسی تحقق این اهداف جبهه واحد انقلابی توده‌ایست.

ج - پرولتاریا جهت تحقق این اهداف، به یک ارتش مسلح نیازمند میباشد.

قطعا مە این سه رکن اساسی را سه جزء لاینفک محسوب میدارد که در آن نقش عمده با تائین و تحکیم هژمونی طبقه کارگر است که تضمین ادا مە انقلاب درواستای سوسیالیسم محسوب میگردد.

قطعا مە همچنین متحدین جهانی - پرولتاریای ایران را در این مبارزه جنبش‌های رها شیبش، اردوگاه سوسیالیسم و پرولتاریای کشورهای سرمایه‌داری - اعلام میکند.

اما در کنگره برسربرخی موارد مربوط به روش سیاسی پرولتاریا نقطه نظرات دیگری نیز وجود داشت که در کنگره به تصویب نرسید. از جمله برخی از رفق - نیروئی که با ید منفرد شده لایه‌های فوقانی خورده بورژوازی بلکه بورژوازی متوسط بویژه بورژوازی لیبرال -

یک قطعا مە دیگر نیز در زمینه هدف مبارزه ارائه شده که اگر چکیده آنرا بیان کنیم چنین خواهد بود: این قطعا مە جمهوری شوراهای کارگران و دهقانان و سربازان را مطرح میکند، و بر این اعتقاد است که "این جمهوری دمکراتیک است، اما نه از نوع قدیم (یعنی نهادهای دمکراتیک - پارلمانی) بلکه از نوع جدید (یعنی نهادهای طبقاتی - شوراهای این دولت از کارگران، سربازان و دهقانان متشکل و مسلح در شوراهای شکل گرفته و محصول عالی ترین مرحله تکامل انقلابی است، یعنی انقلاب حقیقی خلقی و درهم شکستن ما شین دولتی طبقه کارگر. این جمهوری بر بنیاد عا لسی - ترین شکل دمکراسی یعنی دیکتاتوری اکثریت استثنایا رشوندگان، مرکزیت خود را از طریق اتحاد شوراهای برقرار میسازد. اتحاد شوراهای مسلح، مستقل و متحد کارگران، دهقانان و سربازان آن - حکومتی است که می‌باید پر کشور فرمان براند این فرمولبندی نیز از سوی کنگره رد شد.

قطعا مە دیگری که در کنگره به تصویب رسید، پیرامون ارزیابی وضعیت کنونی گرایش‌های سیاسی تحول اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه، گروه‌بندی طبقات و احزاب و وظائف ما در وضعیت کنونی انقلاب بود.

این قطعا مە نیز که مبنای نظری آن قبلا در خبرد خلق شماره ۳ (بخش اول) - مقاله سازمان ندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی سلسله مقالات "وضعیت کنونی و تاکتیکی ما" ارائه شده بود، با لاتفاق مورد تصویب کنگره قرار گرفت و ضمن تاکید بر مسئله نیمه کاره بودن - انقلاب، بحران اقتصادی و سیاسی، - چشم‌انداز اعتلا "مبارزات آشکارا توده‌ای و از جمله احتمال وقوع یک قیام مجدد، پیروزی قطعی انقلاب را وظیفه اساسی پرولتاریا اعلام میکنند و تاکید بر قیام را امری فوری و ضروری میدانند.

قطعا مە ضمن تاکید بر تدارک سیاسی و نظامی قیام بموازات یکدیگر، سازمان ندهی جنبش توده‌ای و در رأس آن سازمان ندهی جنبش طبقه کارگر را به مثابه وظیفه اصلی تدارک سیاسی قیام اعلام میکنند و تاکتیکی را وسیع سیاسی توده‌ها را بمتابها تاکتیکی اعده ما در لحظه کنونی میدانند. در قطعا مە برامرا عتاب عمومی سیاسی بمتابها پیش شرط قیام و در این زمینه بر ایجاد کمیته‌های مخفی اعصاب در کارخانه‌ها تاکید دارد. قطعا مە همچنین به ایجاد کمیته‌های مخفی هم‌آهنگی در ادارات دولتی و مدارس، سازمان ندهی هسته‌های مقاومت در محلات و مناطق روستایی ... اشاره میکند. قطعا مە اتحاد با دمکراتهای انقلابی را بعنوان جزئی از تدارک سیاسی قیام میدانند.

در زمینه تدارک نظامی قیام به لزوم سازمان ندهی جوخه‌های رزمی با خلعت آموزش رهبران جنبش توده‌ای در اشنای قیام و اهداف فوری آن میپردازد. کنگره اتخاذ تاکتیک مسلحانه را در لحظه کنونی جز در مناطقی ویژه تاکتیک فرعی میدانند. در مصوبات کنگره قطعا مە جداگانه‌ای به شیوه برخورد به احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی موجودا خصاصی یافته - است. در این قطعا مە سازمان ندهی سیاسی

موجود به چهار دسته تقسیم میشوند:

۱- احزاب فدا انقلابی - سازمانهای وابسته به بورژوازی (بورژوازی بزرگ - بورژوازی متوسط) که همگی در زمینه سازمانهای فدا انقلابی محسوب میشوند. احزاب سوسیال شونیست نظیر رنجبران و غیره نیز در زمره احزاب فدا سازمانهای فدا انقلابی محسوب میشوند. سیاست ما در قبال این احزاب مبارزه همه جانبه علیه آنهاست.

۲- سازمانهای بینابینی - که از منافع طبقاتی و تمایلات سیاسی خورده - بورژوازی مرفه‌دفاع میکنند و در انقلاب دمکراتیک موضع بینابینی دارند، نمونه تیپیک این سازمانهای سیاسی، احزاب و سازمانهای سوسیال رفرمیست و ناسیونال رفرمیست است. سیاست ما در قبال این سازمانها انفرادی آنهاست.

۳- سازمانهای انقلابی - که خود به چند دسته تقسیم میشوند.

الف - سازمانهای سیاسی که انقلابی - ترین گرایش درون جنبش کارگری - و کمونیستی ایران را نامابندگی میکنند (طیف خط ۲)

ب - سازمانهای سیاسی وابسته به جریان موسوم به خط ۳ که گرچه بنا به اشعار فایدشولوزیک خود پذیرش تئوریک سوسیال امپریالیسم در وحدت حزبی مانی میکنند، اما ما ما دمگاه امپریالیسم امریکا و با یگانه‌داری اش را دشمن اصلی خلقهای ایران میدانند و در قبال حاکمیت موضعی انقلابی اتخاذ میکنند در زمره سازمانهای انقلابی محسوب میشوند.

ج - دمکراتهای انقلابی - سازمانهای سیاسی که از منافع طبقاتی و تمایلات لایه‌های پائین و میانی خورده - بورژوازی دفاع میکنند، نظیر مجاهدین خلق.

۴- احزاب و سازمانهای محلی - وابسته به ملیت‌های تحت ستم ایران - مورد میتوان به حزب دمکرات کردستان اشاره کرد که گرچه بنا به تحلیل ما از موضع طبقاتی این حزب، در انقلاب دمکراتیک دارای موضع بینابینی است، اما در لحظه کنونی در صف انقلاب قرار گرفته است.

بحث‌های کنگره پیرامون ارزیابی وضعیت کنونی با یک قطعا مە ویژه - پیرامون "شورای ملی مقاومت" موضع ما در قبال آن پائین یافت. در قطعا مە ای که با این مسئله خصما سی یافت کنگره چنین مقرر میدارد که این ائتلاف یک ائتلاف میان لیبرالها و خورده بورژوازیست ما دام که یک جنبش ائتلافی وجود دارد و رود به این شورا مجاز نیست. موضع ما اینست که در جهت درهم شکستن این ائتلاف از طریق فشار زپائین و ایجاد یک جبهه متحد از نیروهای چپ تلاش کنیم. بگوئیم مجاهدین خلق را از لیبرالها جدا سازیم چنانچه این ائتلاف مجاهدین و لیبرالها درهم شکست بر اساس برنامها قابل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک با آنها بمنظور سرنگونی رژیم متحد شویم.

در زمینه برخورد به شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق یک قطعا مە دیگر نیز از سوی برخی از رفق ارائه شد که به تصویب نرسید. این قطعا مە "شورای ملی مقاومت" را یک ائتلاف لیبرال - دمکراتیک میدانست و سیاستی که در قبال آن تعیین میگردد "قرار داد اتحاد دمکراتیک - انقلابی توده‌های مردم در برابر" شورای

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

بقیه در صفحه ۱۲



گزارشهای روستائی

روستای احمدآباد

قریب به اتفاق اهالی این روستا را کثا ورزانی تشکیل میدهند که فصل - زمستان را با صیادی می گذارند و در واقع شغل آنها کثا ورزی و صیادی - میباشد. اهالی این روستا در انقلاب شرکت فعالی نداشتند و بدین فکری میکردند که خمینی نمی تواند کاری برای آنها انجام دهد. پس از انقلاب بدلیل فشارهای اقتصادی و راه و ممنوعیت درمید و مشکلات کثا ورزی و همچنین نبود اخترا تیا و انقلابی، اهالی روستا خواستار بازگشت به شرایط گذشته بودند و تنها چند حزب الهی در روستا وجود داشتند که مردم ده نیز همواره با آنها درگیر بوده اند. عوام مل بسیج بهتر ترتیب که شده سعی میکنند که مردم را به مسجد کثا نند بطوریکه اخیرا "به بهانه تعمیر جاده آنان را به مسجد کثا نند و سپس بحث در مورد تشکیل انجمن اسلامی کردند. انجمن اسلامی روستا از ۱۳ نفر که در سنین ۱۳ - ۲۰ سال می باشد تشکیل یافته است و مردم ده به دلیل اینکه اساسا "رژیم را قبول ندارند این عوام مل رژیم را نیز نمی پذیرند اما - بهانه ظاهری آنها کم سن و سال بودن این مزدوران رژیم است. رژیم برای تحمیل طریق انجمن اسلامی توزیع میکنند مثلا - نفت - قند - شکر و... توسط آنها

توزیع میشود اخیرا "تا نوای روستا که از کمبود آرد شکایت دارد از سوی انجمن اسلامی به او گفته میشود که اگر اسمش را پور بسیج بنویسد آرد سهمیه او افزایش خواهد یافت. افراد بسیج و انجمن اسلامی تلاش دارند به هر حیل ای که شده افراد خود را افزایش دهند.

اخیرا "چند تن از شا ه دوستهای روستا - جهت کسب قدرت وارد انجمن اسلامی شده اند. اهالی زحمتکش روستا که بدلیل عدم شکل لازم قادر نیستند مستقیما " در مقابل این مزدوران رژیم با بایستند چرا که مقاومت آنان با گلوله یا پاداران - سرما به مواجیه میشود. اعتراضات خود را از طریق انتقاد به آخونده که از طرف - بسیج آمده و... بیان میدارند و میگویند آخوند قبلی چه کرده بود که تغییر کرد و آیا می گویند اینها (بسیجی ها) تا زه آمده اند بما نما زیا د می دهند و یا می گویند به مسجد بیا شید که سنگ راست، انگار ما بیکار هستیم، نمیدانند که وقتی توی شکم - ما در شان بودن ما نما زیا میخوانندیم. در مجموع بسیج و انجمن اسلامی در این روستا و سایر روستا ها از جمله دریا کنار، گل سپین و... و رشکتهای - هستند که از طریق توزیع ما بحتاج مردم تلاش میکنند خودشان را بر آورده ها - زحمتکش روستا ها تحمیل نمایند.

کرنند غرب

روستای "سیمانی علیا" در منطقه - گهواره گوران "و جز بخش "کرنند غرب" در استان کرمان نشا نه میباشد. کثا ورزان - زحمتکش این روستا سا لها زیر سر یک فتوال بزرگ قاسم حق نظری بوده اند. (تخمین زمینهای مالک زالومفت مشکل - است) بعد از قیام خونین بهمن دهفانان این روستا با کمک ویا ری دیگر روستا ثیان یکبار در سال ۵۹ تنوا نستند این زمینها را - مما دره و وزیر کثا نند و به همین جهت توسط فتوال بزرگ "قاسم حق نظری" و جیره - خوا را نش مورد هجوم وحشیانه قرار گرفتند و چندین نفرشان مجروح و زخمی گردیدند. بعد از این واقعه دادگاه با صلاح انقلاب -

اسلامی بعنوان به عنوان دست خوش به مالک ۴۰ تن از دهقانان فقیر و بی چیز که از فرط فشا ردیگری تا تحمل زور شکنجه و کورسنگی و نا برابری را نیا ورده و برای بدست آوردن حقوق حقّه، خویش دست به این عمل غیر شرعی و غیر قانونی زده بودند و دستگیر و زندان تحویل داده و حتی سرها یشان را ترا شیده و در مقابل از هر کدا مشا ن ۵۰ ریال نیز گرفته و به این هم اکتفا نکرده و برای هرو عده غذا ۵۰۰۰ ریال لاد برای مستضعفین! از جیب خالی آنان ربودند. اما پس از چند روز به علت اعتراض اهالی روستا آنان را از زندان نمودند. به هر حال حال کثا نند، با مبارزه متحدانه و پیگیری اهالی روستا ثیان نصیب آنان شد. اما امسال (سال ۶۰) دستور کثا نند از طرف دادگاه زندان انقلاب به "قاسم حق نظری" داده شد. ولی زحمتکشان بدلیل تجربه بدست آمده از

مبارزاتشان و آگاهی به منافع خود از کثا نند بوسیله فتوال جلوگیری نمودند. اما ا بزار سرکوب دهقانان یعنی ژاندا رمی بکمک ارباب شتافت و ۲۰ تن از زحمتکشان روستا را که از خوشبختان بودند دستگیر و تحویل دادگاه اسلام آباد که به تبعید و زندان در "طابق" محکوم شدند (مدت - زندان مشخص نیست) لازم به توضیح است که "طابق" در نزدیکی سرپل ذهاب که یک منطقه جنگی است قرار داشته و زندان نیان حتی در زندان نیز تا مین جانی ندا شته و هر لحظه در معرض خطر مرگ توسط بمباران و شلیک توپهای دوربرد قرار می باشد. منطقه می باشد. بعد از این سرکوب دستور کثا نند به فتوال داده شد و از تاریخ ۲۳/۸/۶۰ - این زحمتکشان در زندان بسر می برند. این روستا از لحاظ مکانات رفاهی از قبیل آب آشامیدنی، بهداشت و... بشدیدا " در مضیق بوده و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خبر سرکوب و کثا نند، ارضا نی برای این ستم دیدگان ندا شته است. دهقانان این منطقه با بدبختی شکل در شورای ده و مبارزه متحدانه و پیگیری خود برای آزادی همزنجیران خود و موا دره و کثا نند زمینها بکشوند.

ندا شته و نمی توانند بردارد. رژیم که زمانی با لاجبا رو بدلیل توهم توده ها که بر آن - تکیه داشت، گاه و بیگاه شاعرهای در این زمینه میدا د و با وعده و وعید و سخنان عوام فریبانه سعی در پرده پوشی اهداف خود داشت اینک که مدتی است آنچنان - توده های متوهم را بدینا ل خود ندارد و بر سر نیزه تنگ شده است. دیگر حتی آن - و شاعرهای عوام فریبانه را هم لازم نمی بیند طرح جدیدی از اصلاحات برای این موضوع است. دیگر رژیم شمشیر را از روسته است.

پیام کنگره

بقیه از صفحه ۴
وشادی شما شریک میدا نیم. دستان - گرمتان را می فشاریم.
با مرگ با پیشتاریم.
جا ویدان با داغ طره شهدای بخون خفته خلق
گرامی با دمما سه فرور آفرین مقاومت
خانواده شهدا و سرای خلق
مرگ بر رژیم جمه وری اسلامی
نا بودا مهربا لیسیم. جهان بی سرکودگی
امهربا لیسیم آمریکا و با بگاه دا غلبش
شرکت کنندگان در اولین کنگره سا زمان
چریکهای فدائی خلق ایران

کارخانه ای دارد از او بگیرند چنانچه در مورد زمینها گفته بودند که میخواهند زمینها را از مردم بگیرند و حال آنکه در مورد زمین موات که هیچکس در آن زمین کاری نکرده این صحبت درست بود..... اما زمینی را که ا حیا کزده و مالک هست چه کسی میتواند بگیرد. این مسائل مطرح نیست (جمهوری اسلامی ۱۶ تیر ۵۸).

و واقعاً "در جمهوری اسلامی این مسائل اطلاع مطرح نیست. آنچه که خمینی و دیگر "زعما ی قوم" در این باره اظهار داشته اند همان روح "اطلی حاکم بر قوانین اصلاحات ارضی است. حال اگر در این برهه با آن برهه از زمان، بنا به مقتضای تنظیم فشا رجنش های توده ای و دهقانی، بالا - گرفتن اختلافات درون حاکمیت، اختلاف روش در چگونگی برخورد با مبارزات توده - ها، مفضلات اقتصادی و تشبیه حکومت ویا فشا رهای ناشی از عارضی در درون - هیات های ۷ نفره و غیره، سخنانی به مصلحت ایجاد میشود و یا حتی قوانینی از تصویب میگردد، مسئله ای ناشی است. که تنها در حد حرف باقی میماند و هیچگاه به مرحله اجرا در نخواهد آمد. و وقتی که "مفسده کلی" بر طرف شد آن قوانین نیز خود بخود لغو میشود. سر نوشت قوانینی که تا بحال در مورد اصلاحات ارضی گذرانده شده، چیزی جز این نبوده و نمی توانست باشد.

این رژیم بنا به ما هیت و نا توانی خود قدیمی در مورد حل مشکلات دهقانان بر -

باز هم درباره ...

بقیه از صفحه ۱۵
ممکن است جدی بندا شته باشد. حال آنکه تا کنون از طرف رژیم جمهوری اسلامی، ۴ لایحه در جهت اصلاحات ارضی بتصویب رسیده و طرح نما بیندگان پنجمین راه حل است که برای این منظور ارائه میشود. حکومت هیچکدام از لایحه قبلی را مرحله اجرا در نیامد. و حتی شیری پال و دم و اشکم شورای انقلاب نیز که آخرین قانون در این زمینه محسوب میشود، در ابتدای اجرا متوقف شد. این همه تنها نشانه - بی برتا مکی و ندانم کاری های رژیم نیست، بلکه حکومت بنا به مقتضیات و مصلحت اندیشی ها و بقول خودشان برای "رفع مفسده کلی" (۱) بطور موق - مشروط و محدود - در زمانها یی - تن به عقب - نشینی می دهد. اما ما هیت بغایت عقب افتاده رژیم و وابستگی ها و علائق تاریخی آن به زمینداری بزرگ، نمی تواند حکومت را ما هیتا " و بطور جدی در مقابل ما هیتا زمینداران قرار دهد. خمینی زمانی که لایحه ای بزدی در دستور کار دولت بود، طی سخنانی خطاب به ما حیان صنایع و - با زاریا ن عنوان کرد که "مملکت اسلامی است، ما لکیت را بر سمیت می شناسد، دولت نمی تواند تخطی کند. و بطور نیست که شما خیال کنید که بخوا هند هر کسی

اخبار مدارس

مهرماه طبق اطلاعات رسیده، در یکی از مدارس ابهر، رفقای هوا را علامیه‌های سازمان را دستنویس کرده و در مدرسه پخش می‌کنند یکی از علامیه‌ها بدست مدیر مدرسه می‌رسد و یکی این خیال باطل که می‌خواسته است تا هیت کفای روفا انقلاب را آفشا کند اعلامیه را از پشت بلندگوبرای دانش آموزان میخواند، دانش آموزان هم که تشنه شنیدن مطالب اعلامیه بوده اند هنگام خواندن این اعلامیه با دقت به آن گوش میدهند و در مدرسه سکوت کاملی حکمفرما میشود. این حرکت با شکوه و یکباره در دانش آموزان - جهت محکمی بردگان رژیم مصلحانیاوه - گویش میباید.

تبریز

آب انما - در یکی از دبیرستانهای تبریز دانش آموزی را به علت نداشتن حجاب اسلامی به کمیته میبرند. در آنجا وقتی معلوم میشود که کن تهران بوده است با گرفتن اسم و آدرس مدرسه اش در تهران آنجا تماس می‌گیرند تا از موضوعی آگاه و مطلع شوند. این اقدامها نگرگوشه ای از اقدامات مذبحخانه و ففقا با رژیم است. رژیم با اقدامهای اعمال گورخویش را به دست خودخواهد کند.

مسجد سلیمان

پس از گذشت ۲ ماه از سال تحصیلی هنوز اکثر مدارس تعطیل است. آموزش و پرورش علت تعطیلی را سکونت چنگزگان در مدارس اعلام نموده است. بدین ترتیب حاکمیت میکوشد تا یک تیردوشان بزندان زده شود. جاشی را برای چنگزگان نداشتند و خود را طرفدار چنگزگان نیز بزند و از طرف دیگر مانع تشکل دانش آموزان در مدارس کرد.

تهران

مدرسه سعید نفیسی - ۶۰/۸/۳۰ دانش آموزان کلاس چهارم ربا ضی این دبیرستان که به علت منحل شدن مدرسه لیلخا لدا زان - مدرسه به اینجا انتقال یافته اند تا به حال که نزدیک به ۱۰ متحان تا سه ماهه اول است دبیرریا ضی نداشتند. در راه به با این مسئله دهها بار به نا حیه ۷ رجوع کرده اند ولی موفق نشده اند. آخرین بار که به نا حیه می‌روند با جمعی از معلمین و دبیران و بیگادرا سالن تا حیه که منتظر گرفتن پست و رفتن به کلاس برای تدریس بودند مواجه شدند. این دبیران به دانش آموزان میگفتند: شما دنبال معلوم دبیر میگرددید ما دنبال دانش آموزان، دانش آموزان همان روز به اطاق رئیس نا حیه آقای فیض مراجعه میکنند و میگویند چگونه است که اینهمه دبیر در سالن حضور دارند و ما بدون دبیر هستیم. آقای فیض میگوید: اینها از نظر اخلاقی فاسدند، علاوه بر این مسئله، مسئله آیدیکر نیز هست که بر طبق طرح آموزش و پرورش - دبیر مردمی کلاسه ای دخترانه نمی‌فرستند چون اعتبار دارد و رنگه ممکن است دبیر مردمی جوان و مجرد باشد و نخواستند در مدرسه پیدا شود. دانش آموزان طی رفت و آمدها ضی که به دفتر مدرسه وطی اعتبار ما تی که به دبیر مدرسه نموده اند، مدبر را زحمت طلب مسئولیت نمودند و آقای فیض را مسئول معرفی میباید و هنوز که هنوز است دبیری که بتواند با سگوشه مناسبت درسی چه خواهد بود به کلاس چهارم ریاضی این دبیرستان بافت نشده است.

تهران

دبیرستان زینب، هفته سوم با بان - در دبیرستان زینب جلسه اولیا و معلمین

مدرسه تشکیل میشود. قبلا دانش آموزان را تهدید کرده بودند و گراولیا، شان حاضر نشوند، آنها را از خواهند کرد. خانوادها شرکت میکنند. مسئول مدرسه میگوید: به سخنرانی یکی از معتمدین محل گوش کنید. آنجا یک آقا حدود ۲۴ ساله برشود ربا ره - تعلیم و تربیت سخنرانی میکنند. صحبتها قوی کنجکاویها نوا دهها را بر میمانند و سپس از تحقیق معلوم میشود که وی زاولیا، دانش آموزان و معتمد محل نبوده، بلکه معتمد اولیا، مدرسه میباشد.

آموزش و پرورش تهران - مدرسه ۱۷ - شهروید در منطقه ۱۳ - در جلسه شورای دبیران دبیران به با زوسی بدنی زجا نب دانش آموزان حزب اللهی اعتراض کرده و خواهان این میشوند که این عمل توسط ناظمین یا مستخدمین بعمل آید. در همین جلسه به تبیین بین اعما یا نعمان اسلامی و سایرین اعتراض میشود. ناظم مدرسه میگوید: اگر حزب اللهیها کنایه شایسته فراد بر اینان - هزاران حرف در میآورند و نمیدانند همکاران سال گذشته مشمول آنها مات گوناگون - خواهیم شد، اگر به ما این اختیارات داده شود ما نیز اینگونه تبیینها را قائل نخواهیم شد. معلمین در این جلسه خبر خودهای هانت آمیز دانش آموزان حزب اللهی اعتراض داشتند که مگر بدفعا از حزب اللهیها گفت برداشت شما از حزب اللهیها نا درست است. ما اینجا نیامده ایم که حزب اللهیها را محکوم کنیم.

آموزش و پرورش تهران - در منطقه ۱۴ یکی از معلمین انقلابی و موردتأثیر رژیم، سرکلاسی از دانش آموزان خواسته بود روبرویها را جلوی کشند. دانش آموزان اعتراض کرده و گفتند در کلاس غیر از ما و شما کس دیگری نیست و ضرورت ندارد روبرویها را جلوی کشیم. این معلم به دلیل اینکه گفته بود "حرف شما درست ولی میبویم" از مدرسه اخراج میشود.

آموزش و پرورش تهران - حاکمیت که میکوشد تا با توسل به انوع غیرتنگه جیره - خواهان خوشی را در ادارات و موسسات بکار بگمارد. در ادارات و موسسات وولتی بدلیل واهی از استفاده افرادنا شناخته زوسی - تنها دها میصلاح "انقلابی" سربا زمینزند. دو موردی که اخیرا "در استفاده دبیران در تهران موجب مردود شدن متقاضی گردیده - است ذکر میشود:

- ۱- زن برادر متقاضی ضی حجاب است
 - ۲- این متقاضی که طلب شغل دبیر است چگونه مسلما نیاست که مسجد محل ویرانمیشناسند؟
- آموزش و پرورش تهران - ۲۸/۲۸ آب انماه طبق یک بخشنامه تمام معلمین و دبیران و معاونین منطقه ۱۷ آموزش و پرورش در ساعت ۴ بعد از ظهر در اداره جمع شوند. حدود یک ساعت حضور و غیاب آنان طول کشید. رئیس اداره شروع به صحبت میکند. حاضرین که وی را قبول نداشتند به سخنان وی توجه نکرده و سپس دسته دسته شروع به خارج شدن میکنند. رئیس مکتبی فریاد میزند برادر در را ببندید و نگذارید که اینها خارج شوند (معلمین زن خیلی بیشتر بودند) جلسه به هم میخورد. رئیس خواهش میکند که دقیقه به دقیقه بدهند تا حرفهایش را بزند، معلمین به هم میپیوندند و خنده با زخم دبیران رفتن میکنند. رئیس نا لایق از گور در گرفته میگوید "اگر این چند دقیقه را با کت نیا میدوبه حرفهای من گوش ندهید، بعدا "به مدرسه شما آمده و هر چه اینجا گفته ام ز شما سوال خواهم کرد." این جمله باعث میشود که معلمین او را هت کنند. بلاخره رئیس پشت بلندگوبرای دبیران در در را با زکن بگذارد و برود و با این ترتیب جلسه پایان میپذیرد. چند روز بعد نیز اولیا - دانش آموزان در مقابل اداره این رئیس ادا راه مکتبی و نا لایق را کتک زده بودند.
- آموزش و پرورش - اخیرا "بخشناهای به مدارس ابلاغ شده و از مسئولین خواسته اند

هر چه سر به سر نسبت به آن عمل نمائید. بخشنا به شما به شرح زیر است: "خواهشمند است - خیلی فوری ملاحیبت اخلاقی، دینی و کاری را معتقد بودید به جمهوری اسلامی نظام فحشی و راننا اخروقت ادا ریز و زشنبه ۵/۸/۱۸ به گارپردازی ارسال دارید.

مسئله ای که در این رابطه طرح میشود - اینست که ملاحیبت اخلاقی و دینی از نظر مسئولین چیست؟ وجه کسائی آنرا تا شنیدی نمائید؟

این بخشنامه در شرایطی مادمیشود که گران و بیگاری و کسبایی پیدا میکنند و زحمتکشان و تهیدستان بیش از دیگران - زیرا این فشار رگمورم کرده اند. در چنینیست شرایطی ابلاغ چنین بخشنامه ای چیزی نیست جز تهدید این زحمتکشان به اخراج چیزی - نیست جز سگوب هرگونه مخالفتها رژیم افشا - اینگونه بخشنامه ها وظیفه همبستگی نیروهای انقلابی است.

آب انما - دبیرستان وحدت - دانش آموزان این دبیرستان به عنوان اعتراضی به اعدا میگنجا که قبلا "دانش آموزان - مدرسه بوده است تصمیم میگیرند که روبروی مشکی سرشان بکنند. روزی که قرار بوده این تصمیم عملی شود با سداران دمدمدرسه - ایستاده بودند تا کنایه که روبروی مشکی سر داشتند دستگیر کنند. طبعی غم این اقدام - تعداد از یاد دانش آموزان روبروی مشکی سرشان کرده بودند.

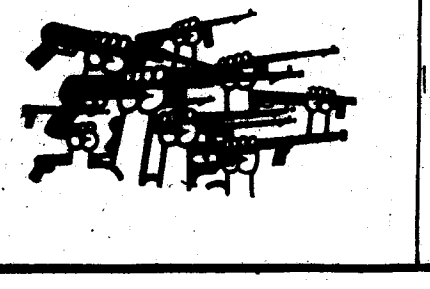
اخبار

تهران - ۹/۱۰ -

چندی پیش توسط ما مورین شهرداری تهران به دهکده ان اعلام شده که بساط - هایشان را جمع کنند. و در این روز رژیم اقدام به جمع آوری بساطهای میدان انقلاب تا صدق نمودن اساس آنها را توسط با سداران در یک ماشین ارتشی ریختند. این حرکت با سداران باعث اعتراض مردم شد. دهکده ان می گفتند چکار میکنیم - آیا دزدی میکنیم. بر سداران میگفتند - به ما مربوط نیست. بر سداران میگفتند - خودتان. میبویستید در تهران بمانید. دهکده ان میگفتند: "هر کجا برویم آسمان همین رنگ است"

آب انما - اخیرا "در کلانتری ۱۱ زندان جدیدی ساخته اند که نسبت به زندان قبلی بزرگتر است. در این کلانتری از طرف کمیته - مرکز احکام شروع فرستاده اند که خود می توانند دستگیرشدگان را محکوم و اعدا نمایند.

این کلانتری و کمیته مربوط به آن - وظیفه اش رسیده که به قاچاق و مواد مخدر بوده است ولی از ۳۰ خرداد به بعد تقسیم گار شده به این شکل که کلانتری به قاچاق و مواد مخدر میپردازد و کمیته که قبلا مسئول اینکار بوده گاردستگیری - انقلابیون را بعد گرفته است.



در حاشیه مصاحبه‌های دادستان

بقیه از صفحه ۱

موسوی تبریزی مصاحبه روز و شنیده خود را با این جملات آغاز کرد: «من عقیده ام به بنیست که در محیط خاصی به برادران پاسدار، کمیته‌ها، بازجوها، دادستان‌ها، کارمندان اداری و غیره اداری آموزش لازم داده شود. نحوه دستگیری و جمع آوری دلایل و مدارک و بازجویی و غیره برای آنها گفته شود که اگر همه این مسائل رعایت شود قضاوت اسلامی استوارتر می‌شود و می‌توانیم بهترین دادگاه را در اینجا موسوی تبریزی، بنیست، در عین حال با مباحث انقلاب - می‌خواهد بگوید اگر «خلاصا که در سبب رویه - شی» در دادگاه‌ها بوده است و اگر فردی بدون وجود دلیل و مدارک محکوم شده این تصمیم توجیه با زجوها و دادستان‌ها و کارمندان اداری و غیره اداری دادگاه‌ها بوده که آموزش لازم ندیده‌اند و اگر نه «دستگاه قضا یا جمهوری اسلامی» هیچ تقصیری ندارد و خلاصه اینکه موسوی تمام کلاه و کوزه‌ها را بر سر این با آن ماحسور شکسته و خود را تبرئه و بر سر دستگاه با صلاح قضا یا جمهوری اسلامی هم آب تظلم میریزد. در حالیکه بنظر میرسد این دادستان فرا موش کرده با خود را موشی زده است که با رها همین او بود که در مقابل خبرنگاران داخلی و خارجی و ملیونها بیننده تلویزیون اظهار داشت که «ما برای اشخاصی معا ربا احتیاجی به تشکیل دادگاه نداریم و می‌توانیم آنها را در دادگاه محاکمه کنیم» (زخمی‌های آنها را هم تمامش کنیم و با کمال قساوت و سنگدلی چنین هم کردند و میکنند و پیر - وضع است وقتی دادستان بیدا دگا‌های با صلاح انقلاب چنین فتوا و آموزش دهد! تو وقت چه توقعی میتوان از پاسدارها کمیته‌ها، بازجوها و دادستان‌ها و ... داشت؟! و حال هم که از دادن آموزش‌های لازم سخن می‌گوید مسلم است که اگر این آموزشها از نوع همان فتواها باشد

البتة و مدارک لبتة شکی نخواهد بود که دادگاه‌های شرع آنها «بهترین دادگاه» در دنیا خواهد شد!

در این مصاحبه موسوی تبریزی در زمینه رفتارها و زندانبانان از ارشاد زندانبانان سخن می‌گوید و در این رابطه از در اختیار گذاشتن «میاد دل یک میلیون تومان کتاب» هم چنین روزنامه - تلویزیون مدارک بسته آموزشی و جنسی و بدشودر داخل بسته‌ها و سولولهای زندانبانان دادستان میده و همه اینها را حساب تا همین مسائل رفتاری زندانبانان می‌گذارد در حالیکه اگر همه ادعا های موسوی - تبریزی درست باشد، تمام اینها در «اقدامات تبلیغاتی یک جامعه حکومتی» و هدفش شستوی مغزی زندانبانان و در حقیقت نوعی شکنجه روحی است. ساز موسوی ستوال می‌کنیم مگر در زندانبانان شاه هزاران جلد کتاب با مورث من برای وطن، انقلاب سفید و سایرکتیب تبلیغاتی رژیم موجودند است؟! با در اختیار گذاشتن این کتب و وادار کردن زندانبانان بخواندن این اراجیف که تحت عنوان «ارشاد» بکار برده میشد! بجای و ساز رفتاری برای زندانبانان بود؟! و مگر شما همینکار را عینا «تکرار نمی‌کنید؟! مگر در زمان شاه جنایتکار در تمام بندهای زندانبانان را دیوبتو تلویزیون وجودنداشت که دانشا گوش و چشم و اعصاب زندانبانان را تحت سبازان تبلیغاتی رژیم قرار میداد و مگر اکنون - بنا با عتراف خود شما - این تلویزیون ها با برنام‌های برای زندانبانان ... جزاین وظیفه‌های دارند که با تبلیغات ممشزکننده جمهوری اسلامی ولایت فقیه‌ی برا عصاب زندانبانان سوهان بکشند؟! اما آنچه موسوی تبریزی هیچگاه بیان نشده است اینست که در زندانبانان به موازات این اقدامات - که خود جنایتی است - هر روز انجام می‌گیرد: اعمال شکنجه‌های قرون وسطای زندانبانان

ندان ملاقات، انجام اعدا مهای مصنوعی شرکت اجباری زندانبانان در مراسم اعدا مهای در سرگها ان واجبارانان بنه تا شبدا اعدا مهای فرستان ملوات وحتی وادا ر کردن زندانبانان به زدن شلاق بنه همینجبران خود و یا زدن شیر خلاص و یا کشتن زندانبانی دیگر که در موا ردا خبر چینی است اعمالی حتی در رژیم شاه هم سابقه نداشته است!

موسوی تبریزی از شرکت زندانبانان در نماز جماعت و شرکت در مراسم عزاداری و رفتن به بهشت زهرا که رژیم برپا می‌کند حرف می‌زند و اینرا دلایلی برموفقیت سیاست زندانبانان می‌داند. حساب می‌آورد در حالیکه غافل از آنست که مردم فرا موش نگرده اند که رژیم شاه هم با برپا کردن جشنهای زورکس در زندانبانان و اجبار زندانبانان به شرکت در اینها اعدا مهای می‌کند که زندانبانان «شاه شد» اما موسوی تبریزی نمی‌گوید که آنها یک پله هم از رژیم شاه جلوتر رفته‌اند و ستا شده اند و بنه سنا جلودر روزگار شوروا خانوادها می‌توانند فرزندان شان را ببینند آنها را به این گناهان نندوبسا این ترفندان آنها هم بنخوانان سنا هسی لشگرد شوی تلویزیونی استفاده کرده - اند! آری موسوی تبریزی از شرکت «سوی زندانبانان ارشاد شده» در این مراسم سخن میراند ولی نمی‌گوید که در مقابل تهدید به مرگ زندانبانان است که آنان به چنین مراسمی کشیده می‌شوند موسوی تبریزی با کمال وقاحت در بهشت دیوارهای بلند و درهای بسته زندانبانان مخوف ایران که دست‌کمی از سبها انهای قرون وسطی ندا ردم ز زندگی خوش و خرم زندانبانان که در حقیقت با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند می‌زند ولی وقتی پای اشیاء اعدا مهای بنیست بمان می‌آید زبانش به لکنت می‌افتد. او که وضع زندانبانان را - برای خبرنگاران هم نند بهشت برین توصیف می‌کند وقتی خبرنگاری می‌پرسد: «آیا اجازة اعدا مهای می‌شود که خبرنگاران خارجی از زندانبانان زندانبانان اوین باز دید کنند تا سخن می‌دهد: «این مسئله با زدید، مسئله قانونی نیست و بستگی به دادستان کل دارد. و بستگی است که دم خروس بیرون می‌افتد و معلوم می‌شود چقدر دادستان کل انقلاب که اینک ما سک گر به زاهدوعا بی را به چهره زده است راست می‌گوید و در گرفتارن ما دقیق است!

کمک‌های مالی دریافت شده		مجموعه مالیاتی		شهریه		اسکندر		دکتر نوری		رفیق	
الف	۱۶۰۰	۲۲۲	۵۰۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ب	۲۰۵۰۰	۲۲۲	۱۱۲۵	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ج	۱۹۹۹	۲۲۲	۵۶۵	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
د	۲۰۰۱	۲۲۲	۵۵۵	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ه	۵۰۰۵	۲۲۲	۵۱۳۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
و	۲۰۲۵	۲۲۲	۲۱۱۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ز	۵۰۳۳	۲۲۲	۱۰۵۶	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ح	۵۰۳۳	۲۲۲	۲۰۵۶	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ط	۱۰۰۳۳	۲۲۲	۲۰۵۶	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ی	۵۱۲۵	۲۲۲	۵۰۵۵	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ک	۲۰۰۲	۲۲۲	۵۱۰۰	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ل	۱۵۲۰	۲۲۲	۲۱۴۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
م	۵۱۱۱	۲۲۲	۱۸۲۴	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
ن	۱۵۱۹	۲۲۲	۲۱۱۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲
س	۱۵۱۹	۲۲۲	۱۲۲۰	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲

استقلال - کار - مسکن - آزادی

بازهم درباره مسأله ارضی و هیئت حاکمه

دریال گذشته بنا بدستور خمینی، اجرای بند "ج" و "د" از قانون اطلاعات ارضی متوقف شد. دستور توقف اجرای اطلاعات ارضی در زمان موقت گرفت که جنسک ارتعای ایران و عراق افکار عمومی را به خود معطوف داشته بود، حکومت به بهانه شرایط جنگی، این توقف را توجیه کرده و موقتی بودن آنرا خاطرنشان میساخت. طی این مدت، سران حکومت با سخنان - کجادهای رومریز خود، سعی کردند زمینه های لازم را برای دائمی کردن توقف اجرای بند "ج" و "د" فراهم آورند. در عین حال، از آنجا که هنوز شرایط برای اعلام نیت نهایی رژیم در مورد مسئله ارضی و دهقانان فراهم نبود، دولت سران عوام فریبانه با اتکا به شرایط جنگی، حل مسئله را به اتمام جنگ و در واقع به آینده ای نامعلوم موکول کردند.

البته برای توده های آگاه و بویژه - دهقانانی که خود مستقیماً با سیاستهای فدخلقی رژیم مواجه بوده اند، نتوانستند حکومت در حل مسئله ارضی از همان ابتدا روشن بود. رژیم، هیچگاه در مقابل به خواسته های واقعی دهقانان زیرکوب جنبش - های انقلابی آنان تردیدی بخود راه نداده و این امر برای توده های دهقانی میبارزگان "لا قابل لمس" است، اما عجز حکومت از اجرای قانون دست و پا شکسته و رفرمیستی شورای انقلاب که تحت فشار شدید جنبش های دهقانی و برای به انحرف کشاندن مبارزات آنان تصویب شده بود، بر همه کس آشکار نبود. به همین دلیل، و از آنجا که حکومت هنوز بمقدار زیادی نیروی توده های متوهمانگه داشت، اولیاء اموریستطور پوشتان این عجز و مخفی داشتن نیت نهایی خود، به بندبازی برداخته و با سخنان مبهم و در نقیض خود، از برخورد صریح به مسائل دهقانی طفره رفته و موضوع را به آینده موکول می کردند. طی این مدت، ارگانهای مختلف حکومتی، هر یک، مسئولیت شروع و اجرای قانون اطلاعات ارضی را بطور ضمنی به یکدیگر کاله میدادند، برای اینکه، از یکسو مستقیماً در مقابل توهم توده های نسبت به توانایی های خود قرار نگرفته و با دفع الوقت کردن موضوع را از سر - بگذرانند و از سوی دیگر مستقیماً در مقابل بزرگان مبارکان و روحانیت حامی آنها (گلبانگانی، مرتضی، ...) که بدون پرده پوشی و مصلحت اندیشی های دولتمردان نیت اصلی خود را پوشیده نمی داشتند - قرار نگیرند، اما این بازی نیز نمی توانست مدت مدیدی ادامه یابد. و از آنجا که بظاهر این خمینی بود که آخرین تصمیم در مورد اطلاعات ارضی - یعنی توقف بند "ج" و "د" را گرفته بود، هم او نیز بود که میبایست مسئولیت تصمیم گیری در این باره را رسماً روشن کند. و با لاف و خمینی در پاسخ نامه، رئیس مجلس اختیار تصمیم گیری را به مجلس واگذار نمود.

خمینی با این عمل، ضمن اینکه همانند بسیاری از موار در گذشته، مسئله را از سر باز میکنند و مکان فریبکاری های هیئتکسی را برای خود محفوظ میدارد، در عین حال با تاکید بر محدود بودن، موقتی بودن و اما و اگرهای شرعی دیگر در این مورد، بطور ضمنی اطمینان های لازم را - زمینداران بزرگ "محترم" و آب و عظام مبتنی بر عدم تخطی از قوانین اولیاء اسلام که در آن احترام به مالکیت لازم لرعایه است میدهد. رفرمیستانی نیز در همین زمینه اظهار داشت که ما به مجلس اجازه دادند که برای برطرف کردن مفیده کلی بطور

موقت و محدود تصمیماتی گرفته شود که این تصمیمات پس از رفع شدن عناوین ثانویه (مثلاً پس از رفع شدن فشار دهقانان که از نظر رژیم یک مفیده کلی است) خود بخود لغو شود. رفرمیستانی با بیان این موضوع که در گذشته از طرف مجربان تقسیم ارضی افراط کاری هایی بعمل آمده است، - متذکر شد که "اما ما از این وضع خیلی نگران بودیم و ناچار بودیم که به نام قانون نجات و نجاتی شده و میشود. ... اگر چنانچه مجربان از حدود معین شده تجاوز نکنند با تخریب میشوند و جلوی اینگونه تجاوزها با شدت گرفته شود" (کیهان ۶۰/۷/۲۰) البته منظور ما از اینگونه تجاوزها، تقسیم اراضی با راهی از مالکان بوسیله معدودی از هائی های ۷ نفره است که خوشبختانه قانون اطلاعات ارضی شورای انقلاب را جدی گرفته بودند. و حال لابد اینگونه "مجربان" افراط کار "که فقط در جهت تحقق قانون آبی و رفرمیستی شورای انقلاب بوده اند، با پذیرای جلب اطمینان - زمینداران "تعقیب قانونی و تعزیر - شرعی شوند!"

بدنبال نامه: خمینی، سران حکومت در انتقاد از تند رویها و افراط کاریهای گذشته گوی سبقت از یکدیگر بر بوده و در جهت جلب اطمینان زمینداران به سابقه برداختند، و در تفسیر و تفسیرهای که از قانون اطلاعات ارضی بعمل آوردند، - اصولاً منکر وجود بند "ج" و "د" شدند. اگر چه این واقعیتی است که در قانون واگذاری زمین مصوب شورای انقلاب، با وجود تبصره - های متعدد در بند "ج" و "د"، این دو بند حتی در همان خود دارای رائی تفسی میشد، اما اعتراف بی پرده کلیه سران - قوم "سینی برای اینکه منظور از قانون فوق فقط واگذاری اراضی موات بوده است، تاکنون با این صراحت مطرح نشده بود. بعنوان مثال آیت الله مدوقی در این باره اظهار داشت: "از جمله چیزهایی که قابل انتقال است، اراضی موات است. مال خدا هست و بیفیسر... با یاد اراضی که مال خدا و بیعیمبر است باذن فقیه جامع الشرایط و حکومت اسلامی بین یک مشت مردمان بیبنوای مستضعف تقسیم شود" (اطلاعات ۶۰/۸/۱۴) چه گرامتی، چه بیذل و بیخشیا آنچه که مدوقی بیان داشته، طرز فکریست برهيات حاکمه است، از همین دیدگاه است که بجز زمین موات که قابل - انتقال است، مالکیت بقیه اراضی، اعم از با برود ابر، حق طبیعی و شرعی محسوب می شود، که "باذن فقیه جامع الشرایط" هم قابل انتقال نمیباشد.

در این باره، دولتمردان مزوری که هیچگاه نخواسته اند حرف خود را صریح و واضح بیان دارند، در شرایط فعلی که رژیم سال قانون را بنا سال جلوگیری از تجاوزها و مماندها "اعلام کرده و در جهت دلگرم کردن و تشویق سرما به داران و زمینداران از هیچ کوششی در پیغ نمیورزد، بطرز بر بارگاه رانی نیت خود را در جهت حفظ منافع زمینداران بزرگ بر ملا میزند. ببینید موسوی اردبیلی، پس از اعلام اجازه نامه خمینی به مجلس مسئله را چگونه سفید کرده بیان میدارد "البته مسئله مالکیت مسئله ریشه داری است و با بدرویش بمقدار عمیقتر بحث کرد، یعنی ما با شمش و بگوئیم که عناوین ثانوی تقاضا کنندگان مالکیت بکلی بکنیم. مشکل است، بحث پیچیده است در مورد محدودیتش هم با زمینکلی و غیرکلی، موقت و غیر موقت و شخصی و کلی فرق میکند

(کیهان ۶۰/۷/۲۰) البته سخنان موسوی اردبیلی پیچیده و سفیض است. میبایست منظور او را آنجا که ما بدینمیتند - دلگرم میشوند (مالکان، گلبانگانی، - مرتضی و ...) بخوبی درک می کنند و با این زبان آشنا هستند.

بهر حال، تحت این شرایط، لایحه - اطلاعات ارضی که در شهریور ماه به هیات دولت جهت تصویب و ارائه نهای به مجلس داده شد، همچنان در بانگانی هیات دولت را کدما نده است. این لایحه همان قانون اطلاعات ارضی شورای انقلاب است با - مقداری تعدیل در جهت برداخت حق نسبی به مالکان که به قول وزیر کشاورزی گویبنا این تصویبات نیز حذف شده، در عین حال در این زمینه با امضاء ۱۶ تن از نمایندگان جهت تصویب به مجلس ارائه شد. در طرز ارائه شده رفرم نظراً لالفاظ و عبارات - انقلابی و شمار گونه که در بخش های آن به چشم میخورد، ابتدا "مسئله محدودیت مالکیت و تقسیم زمین مطرح است. نسام طرح نیز که عبارتست از طرح قانون - رسیدگی به مالکیت زمینهای زراعی و اعیان و واگذاری اراضی بر همین اساس انتخاب شده است. چنانچه از نام طرح بر میآید، وظیفه آن رسیدگی به مالکیت است و نه چیز دیگری، توکلی، یکی از نمایندگان امضاء کننده طرح فوق، خود به صراحت هدف از ارائه طرح را با زگرداندن احترام مالکیت و تفهیم این امر که - اساساً بیش از سه برابری بر زمین - داشتن خلاف اسلام نمی باشد، عنوان کرد و ی گفت اگر غیر از این باشد با "طیما" باب مزارعه و اجاره کلا ز مسلمات فقه شیعه است تعطیل شدنی و فدا رزش گردد که این معنا بر با اسلام است (اطلاعات ۶۰/۸/۱۴).

بنابراین، آنچه که در طرح مطرح است به رسمیت شناختن مالکیت محدود بر اراضی مزروعی است و در خوشبختانه ترین حالت، هدف طرح حد اکثر می تواند بررسی شرعی بودن یا نبودن (؟) مالکیت باشد که بهر حال دخیلی به مسئله اطلاعات ندارد. آنگاه که نمایندگان مجلس میپردازند چنان ششور است که حتی قاض، هرندی دبیر ستاد مرکزی واگذاری زمین ضمن اذعان به این امر که طرح مزبور نمی تواند در حقیقت آن را محسب بخشی از اصل ۲۹ قانون اساسی (بررسی شرعی بودن مالکیت) است تا شدن و غیر ممکن رزها می گردد.

در حقیقت آنچه که طرح نمایندگان - دنبال میکند، نه واگذاری زمین و نه حتی چنانچه ادعا شده رسیدگی به مالکیت زمین می باشد بلکه طرح مزبور بموازات جهت گیری های آشکاری که اخیراً هیات ها که در اطمینان دهی به بخش عمومی در پیش گرفته، قرار دارد. هدف این طرح - دلگرم کردن و رفع هرگونه نگرانی از - زمینداران بزرگ است و همچنین تعیین تکلیف رسمی با قانون واگذاری زمین مصوب شورای انقلاب است، که به هر حال به علت ابهاماتی که در برندهای آن و بویژه دو بند "ج" و "د" وجود داشته، سبب "افراط" کاریها می "از جانب معدودی از مجربان واگذاری زمین شده که "روح" قانون را که همانا تقسیم اراضی موات بود، درک نکرده بودند.

عدم درک "روح" قوانین واگذاری زمین تنها به معدودی از هائی های ۷ نفره محدود نمی شد، بلکه در آن مقطع - به علت توهم توده ها به مالکیت نشانه های عوام - آفرینانه و مصلحت گرایی حکومت را بسیاری بقیه در صفحه ۱۰



اخبار

زندانیان اوین - رژیم جمهوری اسلامی که به عیب برآین با وراست که با بند کشیدن فرزندان قهرمان خلق درسیا هجالیها سنگ و ترمور آریا مهری قادرخواهد شد شعله انقلاب را که هر روز سوزا شتر شده و می رود تا گل خاکمیت زانیه خاکستر تبدیل سازد - خاموش نماید ، علاوه بر روزگاریها ، هتلهای و اصطبلهای که تبدیل به زندان کرده است هر روز به با زیاد شدن زندانیان کرد بهترین فرزندان خلق می آفریند طبق اطلاعات رسیده از زندانیان اوین ۴ خیرا ۸ دستگاه از آریا مهری از اوین را که فعلا متعلق به ساواکها بوده است بصورت با زیاد شدن دستگاه در آورده است .

زندانیان قزلحصار - ۸/۱۶ - خانواده های زندانیان در مقابل زندانیان برای ملاقات متعین می شوند . یک آخوند با سه چهارم با سدا بر برای جمعیت صحبت می کند و قسمی می بیند صحبت بی نتیجه است فرستگان آتش میدهد ولی با سدا بران ظاهرا تسمرد می کنند . آخوند با سدا بران "صحنه زاتسورگ" و تخمین ادا می بیند می کند .

قزلحصار - ۶۰/۹/۷ - با زهم روز جمعه برای سومین بار به ساواکی ها و ساپروا بستگان به رژیم سابق ملاقات دادند و کلیه تسهیلات برای آنان و خانواده ها نشان فراموش کلیه ملاقات ها حضوری است و آنان در مدت ۲۰ دقیقه اش با نیم ساعت ملاقات خود هر چه بخوانند با ملاقات کنندگان رد و بدل می کنند . خانواده ها هم مرتب به سدا بران سفارشات مخصوص می کنند و آنان نیز نوکری - ما با نه چشم ، چشم می گویند .

تهران - آریا نامه - یکی از دانشجویان خارج از کشور که حدود ۴ ماه قبل به ایران آمده بود ، یکشنبه سدا بران به در خانه وی در تهران پارس آمده و را به اسم کوچک صدا میزنند و خود را معرفی می کنند و آنها حکم جلب او را به وی نشان میدهند ، در این هنگام او اوا قدامه فرار می کند (معلوم نیست به چه علت) با سدا بران او را از زینت زده و تیر خلاص را هم به او - میزنند . پس از یکی کوروز پی گیری معلوم میشود او را اشتباها "کشته اند" . با سدا بران مذکور به در خانه آمده و طلب بخشش می کند و ۲۰۰ هزار تومان هم خون بهاء با خودش می آورد . این قضیه انعکاس زیادی در تهران پارس داشته و مردم مرتباً از آن صحبت می کنند .

ارومیه - ۸/۲۴ - در نواحی غربی ارومیه شهرک فرهنگیان واقع شده تمام زحمتگشان این منطقه از روستاهای اطراف اند که در نتیجه فقر و بی خانمانی به این منطقه پناهنده شده و با هزاران مصیبت و بدبختی خانه های بسیار محقری از بلوک ساخته اند و فرزندان خود را در آن جای داده اند . این شهرک فاقد آب و برق است . زحمتگشان این منطقه برای گرفتن آب لوله کشی با رها نه استناداری و شهرداری مراجعه کرده اند ولی هر بار از آنها جواب رد شنیده اند . آخرین بار پس از جرح و جرح استناداری پاسخ میدهد . برای شما آب نیست . شما فعلا انقلابی هستید " زحمتگشان در مقابل بار و سراسی - های استناداری جواب میدهند " آری ، ما به حکم فرمان های پوتنی رعیت خوش نشین لقب گرفتیم ، و به حکم دولت به اصطلاح مستضعفان ، فعلا انقلابی هستیم . در روزهای قبا شما به ما وعده آب مجانی و برق مجانی و نفت مجانی میدادید ولی الان ما را فعلا انقلابی میخواندند . کارگران

وزحمتگشان این ناحیه تصمیم گرفته اند که اگر در عرض چند روز به آنها آب ندهند ، تمام زننها را با لبا سهای کشید و بچه ها جمع نموده و همراه خودش با استناداری ببرند و از استناداری بخواهند تکلیفشان را روشن کند وگرنه همان جا تحمّن کنند .

کرج - آریا نامه : با سدا بران و بسیجی ها به پناهنده تفتیش اتموبیلها در جاده های که به چند دهه اطراف شهر بار کرج منتهی میشود به آنها دستبرد میزنند . یک سرباز با ده که عصبی شده و خودش در چند شب با سدا ری میداده است متوجه این موضوع شده از بسیج استعفا میدهد و موضوع را به تنهایی اهل میگوید . بسیجی ها که آریویشان رفته چو در یک نیمه شب به خانه او آمده و میگویند " ما اگر بخوانیم میتوانیم تورا خیلی سریع بکشیم ما حالا نمی کشیم اگر بکشیم زدیگر مسائلی را که در بسیج اتفاق می افتد جای دیگری گفتی تورا خواهیم کشت " او این مسئله را به ما درش و ما درش به اهل میگوید " فعلا هنوز مسئله ای پیش نیا آمده است .

۶۰/۸/۱۹ موضوع: پرتاب گلوله های توپ دوربرد عراق به طرف خانه های مسکونی شهر

امروز ساعت ۱۰/۵ صبح رژیم مزدور - بعث عراق چهار گلوله توپ به طرف شهر پرتاب کرد که موجب خسارات مالی و جانی شد ، یکی از گلوله ها درست کنار یکی مینسی بوس آبی رنگ که ۳۱ تن مسافر داشت خورده بود . مینسی بوس مذکور که از اندیمشک به طرف اهواز حرکت کرده مورد اصابت ترکش قرار گرفته بود . تمامی مسافرین سوخته بودند بطوری که فقط مقداری استخوان و پوست سیاه شده در کف ماشین دیده میشد . وقتی که به محل حادثه رسیدیم ، دو مورد میانسال با حلبی آب بطرف ماشین ریختند و صدای آژیر آمبولانس بلند شد ، دو نفر از آمبولانس که پناهنده شدند ، یکی آنها گفت کسی نیست ببریم ، اینها که چند تا استخوان سیاه شده هستند ، مردمی که در آنجا جمع شده بودند در حالی که گریه میکردند فحش نشا رخمینی و مدام میکردند

برای مقابله با سیاستهای ضد کارگری رژیم

کمیته های مخفی چاپخانه ها را

بوجود آورید

دوستان کارگر:

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی امروز در جنگل بحران، دیوانوار هر صدای حق طلبانه ای را با گلوله و اعدام پاسخ میگوید و کارگران و روشنفکران انقلابی را در جهت منافع سرمایه داران به مسلخ میفرستد.

کارگران مبارز شهر صنعتی البرز را که در کسب خواسته هایشان با خواسته بودند به گلوله می بندد، نمایندگان کارگران شرکت واحد، صنعت نفت، صنایع دفاع، کفش ملی... و دهها و صدها مجتمع کارگری را در غیاب کارگران و خانواده هایشان می رباید و به زندان و اعدام محکوم می نماید.

کارگران مبارز صفت چاپ:

در شرایطی که گران، تورم، بیکاری، مشکل مسکن و هزاران کمبود دیگر کمرمان را خم نموده، بسیاری از کارگران چاپخانه های بزرگ و کوچک مانند خواندنیها، درخشان، مسعود سعد، پرچم، آریا، زندگی و... تا به حال اخراج و کارگران دهها چاپخانه دیگر در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند و قوانین ضد کارگری چون ماده ۳۳ در دست سرمایه داران همچون مسلسل با سدا بران عمل می نماید و بدون مجوز و با تأیید شرعی امام خمینی هر زمان که منافشان از جانب کارگران مبارز بخطر افتد دست به اخراج می زنند. اکثریتی ها و توده ایهای خان در پشت رهبری امام هنگام با سیاستهای ضد کارگری رژیم سینه چاک می دهند و به خوش رقصی مشغولند.

وزارت کار (فرمایان) سندیکاهای را منحل اعلام می کند و حق عضویت های ما را از دوره پیش به امانت در دست شکوهی ها این کاسه لیسان خود به ودیعه برای ایجاد انجمن های اسلامی فرمایشی می نماید تا با کمک بزگرویدگان مکتبی خود چون زمانی و امیر خیرمینه تحقیر و سرکوب کارگران صنف بردارد، تشکیل صندوق بیکاری و کمیته های مخفی چاپخانه ها هر چه بیشتر ضرورت می یابند.

مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد خودها و سندیکاهای انقلابی کارگران و زحمتگشان
پیش به سوی تشکیل کمیته های مخفی چاپخانه

کارگران پشرو صفت چاپ

۱۳۶۰/۹/۲۱

کارگران عزیز این اعلامیه از زیرسوزهای رژیم خونخوار خمینی بدست شما هر سه به هر وسیله ای که می توانید آرا تکثیر و بدست دیگر کارگران برسانید.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رقم اعدای انقلابیون که توسط رژیم
جائیتکار اعلام شده، ظرف ۵ ماه گذشته
از مرز دو هزار گذشت

با اذعان به اعدای ماه آبان، اعدای تیرمرداد و شهریور و مهر، رقم اعدای انقلابیون به بیش از دو هزار نفر رسید. البته هما نظریه که ما پیوسته متذکر شده ایم اینها ارقامی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی منتشر کرده و پرواضح است که اعدای مخفیانه و کشتار رژیم شکنجه را در برنمیگردد. ما به رژیم زحمت قساوت و جنایت با ۷۰۰ اعدای دریکماه، زکوردی بی نظیر در جهان بجا گذاشتیم و همزمان با این اوج جنایت، اعتراضات جهانی هم اوج تازه ای یافت. از این روز رژیم سفاک جمهوری اسلامی بیک عقب نشینی موقتی در رابطه با اعلام اعدای مهاجرت زده بطوریکه می بینیم اعدای اعلام شده توسط رژیم در آبان ماه حدود ۲۰۰ نفر رسیده است. در مقابل خبرهای رسیده حاکی از اعدای مخفیانه و در همین حال شدت کشتار مردم و مبارزان در کوه و غیا با آنها بوده است. با اعلام اعدای مهاجرت که مجدداً در آذرماه موج اعدای قوس صعودی را طی کرده بطوریکه در هفته اول آذر به تنهایی حدود ۱۵۰ نفر از مبارزان و انقلابیون به جوخه های اعدا مسپرد شده اند. و اینها رژیم که در اعتراضات جهانی افکار عمومی جهان به موضع تدافعی رفته بود با برنامهریزی بیهوده مبارزاتی در آذرماه تهران و سپس در جلوی فرونگاه قدس و تبلیغاتی که حول آن برپا شده اند، کوشش میکنند که مناسب را برای شدت اعدای مهاجرت و مبارزان فراهم کنند. هما نظریه که قبلاً هم متذکر شدیم - اساسی و مشخصات و وابستگی گروهی انقلابیون اعلام شده آتظوری است که رژیم در رسانه های گروهی اعلام کرده است.

درد و افتخار به همه شهدای انقلابی خلق

قبل از ۸/۲ قاشم شهر	۱	قربان قربینی
۲	عباس میرزائی	
۳	محمد رضا خاچی	
۴	نوراله کا کوئی	
۵	هاشم ناظری	
۶	چنگیز کاوایی	
۷	درویش قصابی	
۸	بابعلی بزدان پناه	
۹	موسی رزاقی	
۱۰	محمدحسین مهدی پور	
۱۱	قدمعلی فرهادی	
۱۲	عباس سعلی مزیدی	
۱۳	غلامشیشه کروی	
۱۴	صمدطالبی	
۱۵	غلامرضا گرشا سبی	
۱۶	رضا خا ط آزاد	
۱۷	زهرا رمضان زاده	
۱۸	۷/۲۹ اقبال	
۱۹	داودتاجعلی فامیله	
۲۰	۷/۲۸ سیدجلال کیا بی	
۲۱	۷/۲۸ کیلان	
۲۲	غلامحسین سا جدی	
۲۳	حیدر مریان	
۲۴	۸/۲۷ دزفول	
۲۵	محمدحسین کیا نی پور	
۲۶	۸/۲۵ بهشهر	
۲۷	پروانه مهربان	
۲۸	مهری اولیان	
۲۹	واحد قریب دشتی	
۳۰	سیدحسین هاشمیان	
۳۱	حسن خان محمدی	
۳۲	۸/۲۷ دزفول	
۳۳	رضا معلم	
۳۴	قبل از ۸/۶ مهاباد	

۲۹	رحیم سنبلی	۲۹	سیدحسین موسوی مقدم
۳۰	عباس تکمه چی	۳۰	اسکندر آزاده
۳۱	علی جهان نگیری	۳۱	احمدبا عتر
۳۲	مصطفی بختیاری	۳۲	سیدمرتضی حسینی
۳۳	بوشهر	۳۳	رحیم ولی زاده
۳۴	۸/۲۳	۳۴	ابراهیم محمدیان
۳۵	سیدحسین موسوی مقدم	۳۵	عبدالرضا صباغ
۳۶	اسکندر آزاده	۳۶	بوشهر
۳۷	احمدبا عتر	۳۷	اسعدموبد
۳۸	سیدمرتضی حسینی	۳۸	هران قبل از ۸/۷
۳۹	رحیم ولی زاده	۳۹	مهدی مفری
۴۰	ابراهیم محمدیان	۴۰	بهنام جوادی اصل
۴۱	عبدالرضا صباغ	۴۱	حسین بیگانه
۴۲	بوشهر	۴۲	محمدرضا دار
۴۳	اسعدموبد	۴۳	محمدرضا انجاری
۴۴	هران قبل از ۸/۷	۴۴	طوبی رحیمی
۴۵	مهدی مفری	۴۵	جاری ۸/۶
۴۶	بهنام جوادی اصل	۴۶	داودبا شای
۴۷	حسین بیگانه	۴۷	کریم سروری
۴۸	محمدرضا دار	۴۸	حسین خادمی
۴۹	محمدرضا انجاری	۴۹	مسعود کجی
۵۰	طوبی رحیمی	۵۰	خلیل مشعلی
۵۱	جاری ۸/۶	۵۱	طا هر مشعلی
۵۲	داودبا شای	۵۲	غلامفرخ الشمرانی
۵۳	کریم سروری	۵۳	احمدلطفا اله صالح فر
۵۴	حسین خادمی	۵۴	علیرضا اله قلیان
۵۵	مسعود کجی	۵۵	پرویز زندی
۵۶	خلیل مشعلی	۵۶	احمد جهان
۵۷	طا هر مشعلی	۵۷	شاهرخ پاریسی
۵۸	غلامفرخ الشمرانی	۵۸	قاسم ابوعلینی
۵۹	احمدلطفا اله صالح فر	۵۹	جوادفرخ مندی
۶۰	علیرضا اله قلیان	۶۰	محمدخسروی پور
۶۱	پرویز زندی	۶۱	قبل از ۸/۹ بوشهر
۶۲	احمد جهان	۶۲	محمد رضا موسوی مقدم
۶۳	شاهرخ پاریسی	۶۳	اصغر نصیر
۶۴	قاسم ابوعلینی	۶۴	ما بر سرین پور
۶۵	جوادفرخ مندی	۶۵	سیدجمال الدین سعادت
۶۶	محمدخسروی پور	۶۶	عبدالرضا کا زرونی
۶۷	قبل از ۸/۹ بوشهر	۶۷	ابراهیم داودی
۶۸	محمد رضا موسوی مقدم	۶۸	غلامحسین گواهی
۶۹	اصغر نصیر	۶۹	عباس گلستانی
۷۰	ما بر سرین پور	۷۰	قاشم شهر قبل از ۸/۹
۷۱	سیدجمال الدین سعادت	۷۱	قربان تعلق فرهادی
۷۲	عبدالرضا کا زرونی	۷۲	احمد روحانی
۷۳	ابراهیم داودی	۷۳	فریبرزقلی زاده
۷۴	غلامحسین گواهی	۷۴	بهروز یعقوب زاده
۷۵	عباس گلستانی	۷۵	منوچهر زائی
۷۶	قاشم شهر قبل از ۸/۹	۷۶	نها و نهد
۷۷	قربان تعلق فرهادی	۷۶	میرفتح میری
۷۸	احمد روحانی	۷۷	مصطفی قیاسی
۷۹	فریبرزقلی زاده	۷۷	اصفهان ۵ و ۶/۸
۸۰	بهروز یعقوب زاده	۷۸	سیاوش ابزیدی
۸۱	منوچهر زائی	۷۹	کاظم قاریان
۸۲	نها و نهد	۸۰	پروین احمدی
۸۳	میرفتح میری	۸۱	سیمانه تهرانی
۸۴	مصطفی قیاسی	۸۲	حمزه کریمی
۸۵	اصفهان ۵ و ۶/۸	۸۳	محمدعلی مالدقی
۸۶	سیاوش ابزیدی	۸۴	سیدالله شیخ
۸۷	کاظم قاریان	۸۵	مجتبی بیگی
۸۸	پروین احمدی	۸۶	سیدبا زرگان
۸۹	سیمانه تهرانی	۸۷	شهناز عبدالهی
۹۰	حمزه کریمی	۸۸	قوچان
۹۱	محمدعلی مالدقی	۸۸	محمودا زوچی
۹۲	سیدالله شیخ	۸۹	حسین موسوی زاده
۹۳	مجتبی بیگی	۹۰	علی خاکپور
۹۴	سیدبا زرگان	۹۱	فریده قربانی
۹۵	شهناز عبدالهی	۹۲	کرج
۹۶	قوچان	۹۳	رضا نیساری
۹۷	محمودا زوچی		
۹۸	حسین موسوی زاده		
۹۹	علی خاکپور		
۱۰۰	فریده قربانی		

۹۲	هما بون کریمی	حزب دیگرات
۹۳	قبل از ۸/۱۱ شهید	"
۹۴	سعید اردوبادی	"
۹۵	هاشم حسین مقان	بیکسار
۹۶	علیرضا اعتصامی	"
۹۷	اکبر دعا بی	مجا هدین خلق
۹۸	مسعودبندار	"
۹۹	محمد هنرکار	"
۱۰۰	غلامرضا عطایی کاربزی	"
۱۰۱	عبدالرفیعی الیزه ای	"
۱۰۲	احمدرضا محمودزاده	"
۱۰۳	بهرام فارسی	"
۱۰۴	شهید ۸/۱۲	"
۱۰۵	علی حقیقی کا خکی	"
۱۰۶	محمد رضا افکشانی	"
۱۰۷	جواد برشتیان الساداتی	"
۱۰۸	محمدبا عزت	"
۱۰۹	سعیدرضا بی	"
۱۱۰	تیمور فلاهی	"
۱۱۱	غلامرضا حیرانی	"
۱۱۲	عیدرضا زکی	"
۱۱۳	حمید نورسی	"
۱۱۴	علی جمفری	"
۱۱۵	مهدی پوررمضان	"
۱۱۶	حمیدرضا بی	"
۱۱۷	علی اصغر فلاهی	"
۱۱۸	سید محمد جعفرزاده	"
۱۱۹	غلامرضا قاشان	"
۱۲۰	علی مهری	"
۱۲۱	ابراهیم (فرهاد)	"
۱۲۲	مهدی رفعت پور	"
۱۲۳	ابراهیم بروزوی	"
۱۲۴	ری ۸/۱۸	"
۱۲۵	محمد عبیدی	"
۱۲۶	سپروس هزبر	"
۱۲۷	محمود تقیان	"
۱۲۸	بندر عباس ۸/۱۳	"
۱۲۹	علی بهروزی	اعلام نشده
۱۳۰	محمدحسین براه	"
۱۳۱	محمد سلیمان بی	"
۱۳۲	علی برشتیان ۸/۱۵	"
۱۳۳	دزفول ۸/۱۲	"
۱۳۴	جمال آرا	"
۱۳۵	عبدالحسین سا جدی	"
۱۳۶	بهنام رحمانیان	"
۱۳۷	عبداله ترازودار	"
۱۳۸	کجسا ران ۸/۱۷	اعلام نشده
۱۳۹	نجف هنرجویان	"
۱۴۰	یوسف دعوت الحق	"
۱۴۱	تبریز ۱۸ و ۱۹/۸	"
۱۴۲	اصغر حافظی نیا	"
۱۴۳	مرتیم سعیدی	"
۱۴۴	غلامرضا سبانی	"
۱۴۵	حمیدتلمیسان	"
۱۴۶	شاهپور سا جدی	"
۱۴۷	سعید مغربان	"
۱۴۸	نعمت الله شاهرخ	"
۱۴۹	فاطمه مسگرهویی	"
۱۵۰	محمد رضا ابراهیم زاده	بیکسار
۱۵۱	بهاء الدین توکلی	"
۱۵۲	رحیم کمری	"
۱۵۳	حمید توروند	"
۱۵۴	بهروز فلاهی	"
۱۵۵	محمد رضا شبروچی	"
۱۵۶	نعمت الله مهاجرین	"
۱۵۷	شهریار رسولی	"
۱۵۸	نا سرور زبیکر	"
۱۵۹	همدان ۱۸ و ۱۹/۸	"
۱۶۰	غلامرضا خاکسار	مجا هدین خلق
۱۶۱	حسین روحانی	"
۱۶۲	حسین منقی	"
۱۶۳	بیرجند ۱۸ و ۱۹/۸	"
۱۶۴	احمد حسینی	"
۱۶۵	احمد رضا پور	"
۱۶۶	قبل از ۸/۱۰ (درگیری)	"

نقشه در صفحه ۱۹

زندانی سیاسی به همت

بقیه از صفحه ۲۰

میآیم و برای یک هفته هوا ذخیره میکنیم... در جواب مادری که زوجه فرزندش نگران بود می گفت: فرقی نمیکنند، مگر فقط بچه تو اینجا است، همه اینها بچه های ما هستند، هیچ فرقی نمیکنند، اگر بی خواهی که تو کشیدی منم کشیدم، اگر بی پولیسی بچه ات بود، کارگری و بهر صحت بزرگ کردن کشیدیم... با یکداری کنیم که بچه هایمان هسکی با هم آزاد شوند... زن میانگنال دیگری گفت: "ما دیگر هسکی از یک خانواده هستیم، با ما اینجا بخت هم را دادند خدا با شیم، چه روزها می که با هم اینجا بودیم و کنگس خوردیم و آب جوش روی سرمان ریختند و زن دیگری اینجا ایستاده بود و نقدن گریه کرده بود که تمام صورتش قرمز شده بود... می گفت دو برابر درش را گرفته اند، یکی از مادران بواغی در کوشش گفت: چهره جلوی پا ندارد، دشمن برادرش گریه می کنی و خودت و برادرش و ما برزندان نیان را خرد می کنی؟ ما در دیگری می گفت: "بگذازم مردم ببینند که زندانیان سیاسی خانواده دارند و آنها هر روز بر سر آغشان میآیند تا آقاسی موسوی تیریزی بگوید که آنجا که آدرس و اسم و قبا می کشان را گفته اند، جا زده ملاقات با خانواده شان را دارند، "بگذازم مردم ببینند که رژیم برای ملاقات زندان به زندانیان دروغ میگویند و بهانه میبرند" آری خانواده بزرگی پوست تمام می آیران و خانواده کارگران و زحمتکشانی که دیگر به این رژیم و دروغها پشاعتی ندارند و هر روز نسبت به این رژیم ضد خلقی و حرکات فاشیستی اش آکا هترمی شوند. به قول زحمتکشی "این زندانیان سیاسی هر یک سوری هستند که در جا معده پنده درسا به آنها کارگران و زحمتکشان آزادتر زندگی خواهند کرد و به همین دلیل امروز با بدم - و از آرمات و آرزوهای آنها اهداف مقدس شان برای مردم سخن بگوئیم".

۶۰/۹/۷

یکی از مادران مدتی بود که غیبت داشت، یک روز آمد و از جریان پرسش گفت: "به ما گفتند که میتوانید به ما شید ملاقات ما هم رفتیم و به مدت ۲ روز به هر کسی از ما میل که میخواست او را ببیند ملاقات دادند. هدفشان از این ملاقات دادن برای درهم شکستن روحیه فرزند ما و او را برگردان وی به لودان ما بر هر زمان نش بود، در همان ملاقات اول پرسید که یک دست هم تیر خورده بود و شگفتی هم شده بود، از من خواست که به مرکز راضی شوم زیرا نمی توانی بکنی را لاسو بدهد و به حال هموی را اعدام خواهد کرد. پرسید در تمام مدت ملاقات روحیه بسیار عالی و قوی داشت و فقط یک بار که پدر بزرگش به پیش افتاده بود و از وی خواسته بود به جوانیش رحم کند و توبه نما بدیدت منتقل شده و می آرزید "بچه را بفرزندش را اعدام کند، به خاطر ما در می آرزید گریه می کرد و هفته قبل به همراه ۳۶ مبارز در اولین اعدام کرده بودند.

۶۰/۹/۸ ساعت ۹/۵ صبح صدای فریاد یک مادر بلند شد، اینطور معلوم شد که از اعدام فرزندش خبر نداشت و همانجا در روزنامه جمهوری اسلامی خزانده بسود مرتباً "فریاد میزد و به مزدوران رژیم فحش میداد، چند نفر هم همراهش بودند از دست دستگیری اش سبی میکردند و راه هر چه زودتر از آنجا ببرند ولی او مقاومت میکرد و میگفت: "آخه من عزیزم اینجا است کجا بروم؟ در همین وقت یک بار با بلند میگفت: به فریادهای این زن توجه

نکنید و منافق است و کارش همین شلوغ کردن جلوی اوین است... هنوز یک ربع از جریان این زن نگذشته بود که یک پدر زده یک بودندش بر زمین شود چند نفری زیر پایش را گرفتند، وی مرتب گریه میکرد و میگفت: آخه این بچه تمام امیدن بود، این جریان در مورد ما درو یک پدر دیگر اتفاق افتاد، یکی از پدرها فوق العاده جوان بود و میگفتند دخترش ۱۲ ساله بود.

امروز با سدازان اجازت هیچ گونه تجمع نمی دادند و مرتب همه را به ما تذدن در صف ها و با ترک محل دعوت میکردند. شنبه ۶/۹/۷ - امروز یکی از مادران آمده بود و به ساداری میگفت: "به من گفتند سرت معدوم شده است، اگر معدوم شده چرا اش را در روزنا مع نوشتید؟ چرا وضیت ما را نمی دیدید؟" با سادارها گفتند "برو بخت زهر با بزرگ قانوسی آنها از مرگش مطمئن می شوی و دیگر اینجا می آیم ما را می کشی".

امروز اعلام کردند که هر کسی حق دارد ماهی یک بار بیول و سه ماه یک مرتبه لباس بیاید و هر کس پول زودتر بیاید و در می رود به حساب ۱۰۰ و هر کس لباس بیاید و در می رود به دیگر به اسم نمی خوانند و فقط شما را به هر قبضی را می خوانند، تعدادی از مادرها به این روش اعتراض کردند و گفتند ما سواد نداریم چرا اسرا نمی خوانید، گفتند اگر اسامی را بخواهیم تا قفسین میآیند یا بداند داشت می کشند و می کشند که چه کسی در زندان است، ما درها گفتند ما قفسین از پرسش خانواده ها و آشناها می فهمند چه کسی در زندان است؟! احتیاج به یادداشت ندارند یک یا ساداری هم آمد و گفت می خواهم نیم هزار نفر را آزاد کنیم ولی چون من قفسین بعب گذاشتند دیگر آزاد نمی کنیم که پس حرف همه را به خنده انداخت چون برای چندمین بار در طول ۶ ماهها اخیر نظیر این حرف را می شنیدند.

رژیم تنها چاره را در برهم زدن ارتباط مادران با هم میداد، دنبه همین علت اجازت کوچکترین تجمع را نمی دهد، البته همیشه هم حقوق نسبت و هروقت مادران لازم بداندند و راده کنند از جایشان تکان نمی خوردند و با سدازان به زور سلطه هم نمی توانستند کار می کنند، بتا زگیها اسلام کرده اند حتی در صف ها که ایستاده با هم صحبت نکنند زیرا حواسی با سداها پیوست میشود! البته برای یک لحظه هم نتوانستند صدای گفتگوی مادران و پدران را خاموش کنند، طی دو هفته اخیر مرتب قول داده اند که از اول برج ملاقات خواهند داد و به زودی با مینی بوس به لونا پارک خواهند رفتند، مدوما دران را با خود خواهد برد تا فرزندانشان را ملاقات کنند!! البته هیچکدام از مادران این حرفها را باور نمی کنند، روز پنجشنبه صبح ۶۰/۹/۱۲ با سدازان اعلام کردند که سه نفر در زندان خودکشی کرده اند، با سدازان گفتند ۶۰۰ نفر در زندان هستند و ما نمی توانیم که مرتب به همتان برسیم.

روز ۶۰/۹/۱۹ خبر اعدام ۱۷ ساله ای را به ما خوانده، کارگزارش دادند ما دروغها هرش فریاد میزدند و می گفتند او را به جرم کسب مالی به ما هدی اعدام کردند.

پنجشنبه ۶۰/۹/۱۹ که ما در می گفتند که دخترش اعدام شده، ما درش میگفتند فقط ده روز دستگیر شده رفته بود سرخا بان لطفین برزند و برگردد.

لونا پارک - (نزدیک زندان اوین) طبق معمول جلوی محوطه لونا پارک از ساعت ۷ صبح شلوغ میشود، با وجود اینکه خانواده ها کمتر هر روز میآیند و حتی آنجا که خیلی پیگیر هستند هم یک روز در میان -

نکنید و منافق است و کارش همین شلوغ کردن جلوی اوین است... هنوز یک ربع از جریان این زن نگذشته بود که یک پدر زده یک بودندش بر زمین شود چند نفری زیر پایش را گرفتند، وی مرتب گریه میکرد و میگفت: آخه این بچه تمام امیدن بود، این جریان در مورد ما درو یک پدر دیگر اتفاق افتاد، یکی از پدرها فوق العاده جوان بود و میگفتند دخترش ۱۲ ساله بود.

امروز با سدازان اجازت هیچ گونه تجمع نمی دادند و مرتب همه را به ما تذدن در صف ها و با ترک محل دعوت میکردند. شنبه ۶/۹/۷ - امروز یکی از مادران آمده بود و به ساداری میگفت: "به من گفتند سرت معدوم شده است، اگر معدوم شده چرا اش را در روزنا مع نوشتید؟ چرا وضیت ما را نمی دیدید؟" با سادارها گفتند "برو بخت زهر با بزرگ قانوسی آنها از مرگش مطمئن می شوی و دیگر اینجا می آیم ما را می کشی".

امروز اعلام کردند که هر کسی حق دارد ماهی یک بار بیول و سه ماه یک مرتبه لباس بیاید و هر کس پول زودتر بیاید و در می رود به حساب ۱۰۰ و هر کس لباس بیاید و در می رود به دیگر به اسم نمی خوانند و فقط شما را به هر قبضی را می خوانند، تعدادی از مادرها به این روش اعتراض کردند و گفتند ما سواد نداریم چرا اسرا نمی خوانید، گفتند اگر اسامی را بخواهیم تا قفسین میآیند یا بداند داشت می کشند و می کشند که چه کسی در زندان است، ما درها گفتند ما قفسین از پرسش خانواده ها و آشناها می فهمند چه کسی در زندان است؟! احتیاج به یادداشت ندارند یک یا ساداری هم آمد و گفت می خواهم نیم هزار نفر را آزاد کنیم ولی چون من قفسین بعب گذاشتند دیگر آزاد نمی کنیم که پس حرف همه را به خنده انداخت چون برای چندمین بار در طول ۶ ماهها اخیر نظیر این حرف را می شنیدند.

رژیم تنها چاره را در برهم زدن ارتباط مادران با هم میداد، دنبه همین علت اجازت کوچکترین تجمع را نمی دهد، البته همیشه هم حقوق نسبت و هروقت مادران لازم بداندند و راده کنند از جایشان تکان نمی خوردند و با سدازان به زور سلطه هم نمی توانستند کار می کنند، بتا زگیها اسلام کرده اند حتی در صف ها که ایستاده با هم صحبت نکنند زیرا حواسی با سداها پیوست میشود! البته برای یک لحظه هم نتوانستند صدای گفتگوی مادران و پدران را خاموش کنند، طی دو هفته اخیر مرتب قول داده اند که از اول برج ملاقات خواهند داد و به زودی با مینی بوس به لونا پارک خواهند رفتند، مدوما دران را با خود خواهد برد تا فرزندانشان را ملاقات کنند!! البته هیچکدام از مادران این حرفها را باور نمی کنند، روز پنجشنبه صبح ۶۰/۹/۱۲ با سدازان اعلام کردند که سه نفر در زندان خودکشی کرده اند، با سدازان گفتند ۶۰۰ نفر در زندان هستند و ما نمی توانیم که مرتب به همتان برسیم.

روز ۶۰/۹/۱۹ خبر اعدام ۱۷ ساله ای را به ما خوانده، کارگزارش دادند ما دروغها هرش فریاد میزدند و می گفتند او را به جرم کسب مالی به ما هدی اعدام کردند.

پنجشنبه ۶۰/۹/۱۹ که ما در می گفتند که دخترش اعدام شده، ما درش میگفتند فقط ده روز دستگیر شده رفته بود سرخا بان لطفین برزند و برگردد.

لونا پارک - (نزدیک زندان اوین) طبق معمول جلوی محوطه لونا پارک از ساعت ۷ صبح شلوغ میشود، با وجود اینکه خانواده ها کمتر هر روز میآیند و حتی آنجا که خیلی پیگیر هستند هم یک روز در میان -

اخبار مدارس

بقیه از صفحه ۱۳

میآیند و همه به علت دستگیری های هر روز رژیم، جمعیتی بطور متوسط ۵۰۰ نفر در این محل حضور دارند. به همین علت توجه اکثر کسانی که از پارک وی رد میشوند به این محل جلب میشود، بخصوص ساداران، اتوبوسها به علت اینکه اکثر آنها از اتوبوس استفاده میکنند و اگر آنها گری علنی هم نکنند مرتب راجع به فرزندانشان با هم صحبت میکنند و توجه همه سادارین را به خود جلب میکنند و وقتی به این نقطه میرسند همه سرها را بر میگردانند و با سرگ کشیدن و حتی ایستادن، مردم مجتمع در لونا پارک را نگاه میکنند و از اینکه همیشه اینهمه جمعیت در اینجا جمع است تعجبشدهای را نسبت به رژیم سدازان مینمایند.

تهران - دبیرستان بهشتی - ۹/۱۱ - معاون دبیرستان ساعت ۲ تمام محصلین را جمع کرده و برای بیان سخنرانی میکند در این سخنرانی از دبیران میخواهد که از این به بعد سدازان موظف هستند که ریختن بگذازند و این بگذاشتن است که از نظریه مقامان داده شده است و در تمام زنجیر شرکت کنند تا گردان هم به این کارمادت کنند.

این دستور مقاماتمان را با بی تمسخر دبیران مواجه کردید.

دبیرستان جلوه - به علت اختلافی که بین رئیس منطقه ورشیس دبیرستان بروز کرده است نحوه پیشبرد سیاستهای رژیم در این مدرسه با سرمانا طبق اختلاف دارد. مثلا در این مدرسه و نظیرا به علت شعار نوشتن در دولت دستگیر نمودند. رئیس دبیرستان این دانش آموزان را بدست روابط عمومی دانش آموزان سپرد، در صورتی که در سایر مدارس می فرستند.

با شدت گیری اختلافات مدیر مدرسه با رئیس منطقه نتیجه برای این شگفتی شای گردمانی تشکیل بدهند تا اختلافات را کنار گذاشته و مثل دو همکار با هم کار کنند ولی اختلافات کماکان ادامه دارد و در ورشیس منطقه تلاش دارد به هر شیوه که شده رئیس دبیرستان را کنار بگذارد تا سیاست خود را در مدرسه به پیش ببرد.

تهران - دبیرستان آیت الله سعیدی آخوندی به نام مجادی که گفته میشود نما بنده مجلس است برای سخنرانی به دبیرستان آمده بود، مسئولین مدرسه قبلاً برنا به سخنرانی را به دانش آموزان نگفته بودند چون اگر می گفتند هیچ کسی جز حزب اللهی ها و توده ای ها و گشتریها در مدرسه سخنرانی میکنند، شروع سخنرانی با قطع برق و خاموش شدن صدای میکروفن و خنده دانش آموزان و متفرق شدن آنها همراه بود، به ناچار سخنران دانش آموزان حزب اللهی وهم با یکی هایشان را دور خود جمع کرد و برایشان سخنرانی مخصوص سخنران که از صدای دانش آموزان به خشم آمده بود پس از آمدن برق موعود اصلی سخنرانی را که حمله به منافقین بود عوض کرده و گفت: مثل اینکه اخلاق اسلامی در این مدرسه کاملاً نیست و مسئولین امور تربیتی باید به وضع این محصلین رسیدگی کنند، در تمام ظاهر هم چکارگان فقط ۱۰ نفر از دانش آموزان آنجمن شرکت داشتند.

اخبار

با زار جمعه - در یکی از شبهای محرم در مسجد فلاح آباد در حالی که بر حسب معمول عده زیادی برای مراسم عزاداری بنشینده بودند ناگهان پیرمرد کثافت و زری از جای خود بلند شده و در میان جمعیت شروع به راه رفتن می کند. جمعیت متعجب شده بود. پیرمرد سپس بدون مقدمه شروع به صحبت می کند.

کثافت و زری پیرمرد گویی دیگر جان به لب نیست رسیده بود با صدای بلند می گفت: "چرا باید فرزندان ما زحمت کشان به جیبه بروند و کشته شوند، چرا فرزندان سرما به داران به جنگ نمی روند اگر ما هم پول داشته باشیم فرزندان ما زایه جنگ نمی فرستادیم" پیرمرد چنان در آنجا رهبران شده بود که سراپا پیش از عرق - نفس شده بود و همچنان به صحبت خود ادامه می داد. در این هنگام یک حزب الهی - میخواست با تکبیر و صلوات مانع او از صحبت های وی شود اما کثافت و زری نرسیده به اوها باز نداد و در و به مردم کرده و سخنانش را بدین ترتیب خاتمه میدهد: "چرا نشتند آنها را تا بود کنیم" جمعیت او را ساکت کرده و سر جایش می نشاندند.

تشت درون جبهه

ضد انقلاب حاکم

به نقل از خروش شماره ۸

اغیرا "تفا در میان جبهه ضد انقلاب حاکم با لاک گرفته و نمود آن بطور پراکنده در ارگانهای دولتی و دیگر نهادها می باشد. فدا انقلابی رژیم پهلوی بیخورد. تفاد - می اندازد با تفاده انقلابی حاکم در شرایط در حال اوج گرفتن است که حزب جمهوری اسلامی بعنوان تنها قدرت مطلق از حل بحران کنونی عاجز مانده و سرگویی توده ها و نیروهای انقلابی نیز نتوانسته راهگشای خلاصی رژیم پهلوی را شیب سقوط گردد. تفاده های موجود درون هیئت حاکمه که در قالب اختلاف شورای نگهبان با مجلس سپاه با جناحی از روحانیست و بیروزی پیدا کرده است تا شیرات خود را بطور حاد تر بر رده های پائینی حزب گذاشته است بطور مثال در به شهر در تاریخ ۶۰/۷/۲۴ در نماز جمعه بیست و نه فدائیان اسلام و دیگران جمعیت های اسلامی و بسیج از یک طرف و سپاه و سرما به از طرف دیگر در کبریا می بود مدکه منجر به زد و خورد و شلیک تیر هوایی گردید.

حزب الهی های مخالف سپاه با شعارهای از قبیل "دهقانی منافق اخراج باید گردد" (دهقانی فرمانده فعلی سپاه پاسداران بوشهر می باشد) مخالفت خود را با سپاه به نمایش گذاشتند. سپاه نیز در جهت مقابله با این حرکت بر آموخا سما عیال محمدی (وی رئیس امور تربیتی آموزش و پرورش بوشهر می باشد) که در گذشته در آنجمن ضدها شیکری فعالیت داشته است را بعنوان یکی از تحریرکنندگان این حرکت دستگیر می نماید.

بدنبال دستگیری محمدی انجمنهای اسلامی مدارس و فدائیان اسلام دست به مقابله زد و با برقراری تظاهرات پراکنده خواهان آزادی محمدی میشوند. در ادامه طبع سلاح افرا دیسیجی هوادار فدائیان اسلام میکنند که آنان نیز مقابله کرده و از دادن سلاح خودداری میکنند حتی در بعضی نقاط به سنگربندی می آید درت میوزند. این اختلافات در میان باندا حاکم در بوشهر همچنان ادامه دارد.

در هفته گذشته نیز در شیراز بیست و نه جناحهای مختلف در محل شاهسراغ و محله شیشه گری نیز زد و خورد ها شلیک مورت گرفت و دو طرف به شلیک تیر هوایی اقدام نمودند. این خود نمونه کوچکی است از بحران سیاسی درون باندا ضد انقلاب حاکم. و با وجود تشدید بحران اقتصادی در آینه نیز شاهد شدت این درگیریها و انعکاس وسیع آن خواهیم بود.

گرامی باد خاطره رفیق شهید مجتبی احمدزاده



با دردی که قلب تنیده یک انقلابیست کمونیست، رفیق مجتبی احمدزاده آماج گلوله های امریکائی و اسرائیلی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در سیدده ۸م آن در حالیکه برای آزادی والای خود که همانا راهی کارگران و زحمتکشان از قید استعمار بود پای میفشرد، بجوخا اعدام سپرده شد و به شهدای خلق پیوست.

اما جلادان رژیم جمهوری اسلامی که پس از افشای جناحیان در سطح جهان از اعلام اعدام انقلابیون وحشت دارند این جناحیان را نیز برده پوشی کردند تا اینکه خا تواد رفیق که جهت اطلاع از وی به قتلگاه اوین مراجعه نمودند با وصیت نامه رفیق مواجه گردیدند. او در طول سه ماه زمره دانا آن که در بازداشت مزدوران رژیم بسر میبرد حتی بکلر اجازت ملاقات با فام و هیچگونه مدرکی نیز رژیم بر علیه او نتوانست بدست آورد اما آنطور که جلادان بیان داشته اند از او خواسته بودند که پدرش را بدست دزخیما ن بسیار داد و سرانجام نیز بخاطر کینه جوئی از پدر مبارزش بشهادت رسید. این جناحیان دیگر ما هیت چنانیکارانه رژیم جمهوری اسلامی را بنماش گذارد. او گرچه فدائی نبود اما با الهام از مبارزات قهرمانانه، دوبرادر فدائی اش رفیق شهید مسعود و مجتبی احمدزاده، فعلا نه در مبارزات توده ها بر علیه رژیم جناحیانکاه شاه شرکت جست و در جریان قیام در محله به راه دیوتولویزیون و پادگانها شرکت داشت و پس از قیام نیز همچنان به مبارزه بر علیه رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ادامه داد. تا سرانجام در مرداد ماه توسط مزدوران گشتی رژیم شانس و دستگیر شد و پس از سه ماه بازداشت و شکنجه های بسیار ریشها ت رسید. جسد رفیق را بدلیل وجود آثار شکنجه تحویل خانوادها ندادند و تنها پس از تلاش بسیار آرمگاه رفیق مشخص شد.

پادش گرامی باد

بقیه شهدای آبانماه

- بقیه از صفحه ۱۷
- ۱۵۹ علی مقرازی
 - سپهر چند ۲۲ و ۸/۲۲
 - ۱۶۰ علی جوادزاده
 - ۱۶۱ محمد علی مهاجر
 - زنگان ۸/۲۰
 - ۱۶۲ سید صالح موسوی
 - ۱۶۳ نسرین ترابی
 - ۱۶۴ حمید ممبودی
 - ۱۶۵ حبیبی مرسلی
 - ۱۶۶ حسن احمدخانی
 - ۱۶۷ پروین کریمخانی
 - ۱۶۸ زهره یوسفی
 - ۱۶۹ مریم همدانی
 - هشتپر طوالش ۸/۲۲
 - ۱۷۰ سید محمدزاهدی
 - ۱۷۱ امیر ارجمینی
 - ۱۷۲ یوسف راستگو
 - مسجد سلیمان ۸/۲۴
 - ۱۷۳ حسین قربانی
 - ۱۷۴ کوروش اردشیری
 - رفسنجان ۸/۲۲
 - ۱۷۵ جعفر کلانتری
 - سنندج ۸/۲۷
 - ۱۷۶ عبدالعزیز
 - ۱۷۷ هادی فرهمندپور
 - ۱۷۸ جهان شاه اسعدی مقدم
 - ۱۷۹ تا ۱۹۳ در تاریخ ۸/۵ در شهرستانهای آغا جاری، بهبهان، کجساران، سیرم، بروجان، جمعا ۱۵ نفر شهید شده اند که اسامی و وابستگی سازمانی آنها اعلام نشده است.
 - ۱۹۴ تا ۲۰۲ در تاریخ ۶ تا ۸/۱۱ در شهرستانهای قزوین، بوشهر، رشت، نوشهر، بهبهان، جمعا ۱۰ نفر شهید شده اند که اسامی و وابستگی گروهی آنها اعلام نشده است.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

زندانی سیاسی به همت توده‌ها آزاد باید گردد

در تاریخ مبارها و مبارها شا هدرکوبهای
و خشیا نه، رژیم‌های ضد خلقی و فدا انقلابی
بوده ایم. ولی همواره شا هدرودندیکری
که در مقابل این سرکوبها تکی می‌گرفتند
نیز بوده ایم.

رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند هر
رژیم فدا انقلابی، راه نجات خود را در -
مقابل مبارزات رندیا بسده، توده ها و در
تاریخی که عدم توانائی اش برای حل -
کردن مشکلات توده ها آشکار گردید -
انت تنها و تنها در سرکوب و خشیا نه بسده
است. رژیم تصور می‌کند با اعدام و به بنید
کشدن بهترین فرزندان خلق و ایجاد
محیط رعب و وحشت می‌تواند با به همی
لرزان خاکمیش را مستحکم گرداند. قابل
از آنکجا به بین شدن و پناستیکر شدن
هریک از فرزندان خلق چشما و گوشهای
کنجکا و خلق با زبون زرتنده، ما همیست
فرزیم و فرورت مبارزه با آنرا بیش از پیش
درک می‌کنند. چریکائی که در مقابل -
زندانی می‌گذرد گوشه‌ای است از تاشیرات
این حرکت رژیم بر توده ها، محیط مقابل
زندانی خود به کائوسی توده‌ای و -
دمکراتیک تبدیل شده که مسا بل سیاسی و
اخبار سیاسی از آن طریق به همه جامعه
چایی که این جا نوا ده ها با با و انستار
خلق در ارتباطند منتقل میشود. مقابل
زندانی خود به مرکزی برای مشکل کردن
توده‌های مردم زیر شعارهای نظیر زندانی
سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق
شعارها رنگرگرا، آزادی سیاسی، شورای
انقلابی شعار رجمتکشان و... تبدیل
شده و با حدیث و بیگیری نیروهای انقلابی
می‌تواند کشتن یا بد کزارش زیر سیانگر
کوشها نیست از مقابل زندانیها.

۶۰/۸/۲۰ - صف طولی در مقابل زندان
اوین تشکیل شده بود. یک طرف برای دادن
پول و طرف دیگر برای یافتن گمنده‌ها،
کم کم صف طولانی تر میشد و خانواده‌ها یک
یک برای حد اقل نفس کشیدن در فضای
یک فرزند ان مبارزتان نفس می‌کشیدند
صف می‌پیوستند. زن میانسانی که از ما ملها
- پیش تا آنروزه نفس شهید شده بودند،
و فرزند خودش هم در زندان بود می‌گفت: "دو
تا از زجه‌های بر اثر شهید شدند، پسر
سومش فراری است. بهمین دلیل مدت ۶۲
روز برادر را در اوین بستند ۴ نگه داشتند
تا محل اختفای پسرش را بگوید. او هم که
نمیدانست تا با لافزه آزادی کردند. ما در
که از روحیه بسیار عالی برخوردار بود
و با عادی بلند و رسا و شیرین و صمیمی صحبت
میکرد، می‌گفت: پسر بزرگم خلیان بود، ۲
متر و ده سانت قد داشت یک جمعه خاک کشتن
سوخته به من تحویل دادند اما او شهید نشد
دو پسر دیگر که الان در زندان هستند اگر
کشته شوند شهید شده اند چون این دو در
مقابل ظلم ایستاده اند... می‌گفت -
آمدند تا به یکی را دستگیر کنند آن یکی
گفت من شهید نشا لشی میروم امدانقشهای
صیق می‌کشید و می‌گفت: "موی پسرانم
و تنم از زندانیان دیگری را که مثل پسرانم
هستند تنفس می‌کنم. هفته ای یکبار اینجا
بقیه در صفحه ۱۸

گرامی باد خاطر فداائی خلق رفیق شهید خسرو مبارکی

رفیق خسرو مبارکی اگر چه فرزند یکی
از جوانین بلوچستان بود اما با بردیش
ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم از آنها
روی گردانند و یکی با آنها قطع ارتباط
نمود. رفیق خسرو فدا لیت سیاسی خوش را
پس از قیام مردم بلوچستان آغاز نمود و از همان
ابتدا بعنوان یکی از ما زماندهان -
اعتراضات دانش موزی شناخته شد. در مقطع
انتخاب ما شور و علاقه تمام خط انقلاب را
برگزید، رفیق خسرو در بسیاری از حرکتات
و اعتراضات مردم بلوچ شرکت فعال داشت
و یکی از سخنرانان و روزی به هیوانا شود.
از همان زمان سال تحصیلی ۶۵-۶۶ به علت
شرکت در اعتراضات دانش آموزان ایرانشهر
تحت بیگرد قرا گرفت و مجبور به ترک تحصیل
شد. و به جا به رفت و در تشکیلات هواداران
سا زمان در آن شهر مشمول به معالیت گردید
و در حالی که به تدریس شرایط را در جا به بار
داشت اما مضمون را خوب یاد می‌نماید.
رفیق خسرو در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ هنگامیکه
به قصد بخش اعلا به رخا به بیرون رفته بود
دستگیر گردید و به شهادت با بر هم بندها پیش
بشدت شکنجه شد و سرانجام در تاریخ ۲۷ -
شهریور ماه ۱۳۶۰ در خالیکه همجان از
آرامشهای دفاع می‌نمود به جوخه اعدام
سپرده شد.

گرامی باد خاطر فداائی خلق رفیق شهید مهدی خانزاده

رفیق مهدی خانزاده بطور مشخص فعالیت
سیاسی خوش را با آغاز تحمیلات دانشکاه
خود در دانشکاه بلوچستان در سال ۱۳۵۴ -
آغاز نمود. وی جزوا اولین کسانی بود که
اعتراضات و حرکتات دانشجویی را در این
دانشکاه سا زمان داد و در تمام فعالیت های
دانشجویی شرکت فعال داشت. از این رو
تکسانی که در استان سیستان و بلوچستان
به مبارزه بر علیه رژیم شاه و سپس رژیم
جمهوری اسلامی روی آوردند او را بخوبی
می‌شناختند. رفیق مهدی در انجا موظف
خود بسیار دقیق و منظم بود. در جریان "فدا
انقلاب فرهنگی" شدت زخمی شد. هنگامیکه
در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ سازمان میبایست
راه انقلابی بر میگزید، وی نیز با پذیرش
خط انقلابی سا زمان چریکهای فدائی خلق
ایران، با اپورتونیم راست به مبارزه
برخواست. و در تشکیلات هواداران سا زمان
چریکهای فدائی خلق ایران در سیستان
و بلوچستان به کارش ادا مهاد.
رفیق مهدی حدود مرداد ماه ۱۳۶۰ -
هنگامیکه وارد خانه یکی از دوستانش
میشد توسط دژ خیمان رژیم جمهوری اسلامی
در تهران دستگیر گردید و سپس نیز در -
سهرگاه ۱۸ مهر ماه ۱۳۶۰ به همراه دهها
نفر از دیگر فرزندان انقلابی خلق در -
محوطه اوین تشریاریان گردید.
"یادش گرامی باد"

توضیح:
تا رفیق مهدی خانزاده در لیست
اسامی شهدای بهرما که در کار رجسکاب
رسیده بعنوان "جناح چپ" آمده است که با این
ترتیب تصحیح میگردد.

گرامی باد خاطر فداائی خلق رفیق شهید شمسوار شفیعی (دکتر شفیعی)

رفیق شهید شمسوار شفیعی در سال ۱۳۲۲
در روستای زرند یکی از روستاهای بخش
ایوان غرب، در استان ایلام متولد گردید.
تحصیلات ابتدائی خود را در همان روستا -
گذراند. دوره دبیرستان را با مشکلات
معا شت بسیار در بخش گیلان غرب و شهرستان
- های ایلام و گرما نشاه بیابان رسانید.
در بهرما ۱۳۵۲ وارد دانشکاه تهران گردید
و در رشته دا مبرنگی به تحصیل پرداخت
و در بهمن ماه ۵۸ فارغ التحصیل گردید.
رفیق در همان اوان ورود به دانشکاه
علت زندگی در روستا و دانشائی نا زندگی
روستا شیان و متاهده فقر و فلاکت آنستگان
و اردمبارزه‌ای سی اما با رژیم منفسور
پهلوی گردید و بارها از طرف ماوران -
رژیم مورد تهدید قرار گرفت. رفیق اعتقاد
داشت که ما و رگسیم بیگانه سلاح زحمتکشان
علیه هر نوع ظلمونا برای است و به -
همین دلیل به ترویج ایده-م-ل در میان
فرزندان زحمتکشان پرداخت. رفیق در
دانشکاه زفعا لاین جنش دانشجوئی بود
و به همین سبب دارای تحریکاتی غنی و
سرشار از خلاقت بود. بعد از انتخاب -
خانین جناح راست اکثریت از سا زمان،
رفیق با هواداری از سا زمان و تاشیرات
مواضع انقلابی آن به دفاع از مواضع
سا زمان پرداخت و بیشترین وقت خود را
صرف اشای سیاسی و سرکوبگرانه
جمهوری اسلامی و سیاستهای خائنانه
"جناح راست اکثریت" نمود. دکتر شفیعی
همه جا با زبانی ساده چگونگی انتخاب و
خیانتی را که جناح راست نموده بود صوابانه
توضیح میداد و مواضع انقلابی سا زمان
را تبلیغ می‌نمود. در ۱۲ تیر ماه ۶۰ رفیق
توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی دستگیر
گردید. مزدوران رژیم بارها از رفیق
تقاضای نوشتن ندامت نامه نموده و برای
درهم شکستن اراده انقلابیش بارها چهره
تنها فرزندش "علی" را جلوی چشمانش محم
نمودند اما رفیق با عزم پولادین و با
استحکام پهنک کارگران می‌گفت: "من چنین
شکنین نامهای را اامفا نخواهم کرد -
چون مترجمین از درهم شکستن اراده -
انقلابی رفیق ما بیوس شدند در حرکتها و خونین
۲۲ بهرما همراه با دوست دیرینه و همزم
مجا هدی غلامرضا شوا تئی او را به جوخه -
اعدام سپرده و جناحتی به جنایات خود و بزرگ
سرخ را فقط رات جنبش کمونیستی و
سا زمان بر افتخار ما افزودند. رفیق در
ایلام به کار اشتغال داشت و به علت ظلمات
خود در بین روستا شیان و زحمتکشان شهر
از محبوبیت و آفری برخوردار بود. بیگفته
نماند که پس از اعدام این رفیق رژیم
اعلام ۲۴ روز حکومت نظامی در بخش ایوان
- غرب وحشت و درما ندگی خود را از حسرت
رفیق و همزم مجا هدی شوا تئی و حرکتکشان
زحمتکشان به نمانش گذاشت
یادش گرامی باد
پروپینده نساد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد